
فاطمه علیها السلام
الگویی بی بدیل
گذری بر سیره و سخن فاطمه علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه علیها السلام الگویی بی بدیل گذری بر سیره و سخن فاطمه علیها السلام

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

فاطمه علیها السلام الگویی بی بدیل گذری بر سیره و سخن فاطمه علیها السلام ----- ۱۰

مشخصات کتاب ----- ۱۰

اشاره ----- ۱۰

چکیده ----- ۱۳

پیش گفتار ----- ۱۴

فصل اول: هویت شناسی حضرت فاطمه علیها السلام ----- ۱۷

اشاره ----- ۱۷

۱. شناسه حضرت فاطمه علیها السلام ----- ۱۷

اشاره ----- ۱۷

الف) تولد ----- ۱۷

اشاره ----- ۱۷

چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام ----- ۱۷

ب) نام ها و القاب حضرت فاطمه علیها السلام ----- ۲۱

اشاره ----- ۲۱

فاطمه ----- ۲۱

طاهره ----- ۲۳

زهرا ----- ۲۴

کنیه های حضرت زهرا علیها السلام ----- ۲۶

۲. شرایط اجتماعی حاکم بر حیات فاطمه علیها السلام ----- ۲۹

فصل دوم: شخصیت شناسی حضرت زهرا علیها السلام ----- ۳۳

اشاره ----- ۳۳

۱. در قرآن ----- ۳۳

اشاره ----- ۳۳

الف) سوره کوثر ۳۳
ب) آیه تطهیر ۳۷
اشاره ۳۷
عصمت صدیقه کبری ۳۷
ج) آیه قربی ۴۱
قربی در سخنان امامان معصوم علیهم السلام ۴۲
د) در دیگر آیات ۴۳
اشاره ۴۳
در آیه مباهله ۴۳
در سوره هل اتی (انفاق) ۴۳
در آیه نور ۴۵
۲. در احادیث معصومان علیهم السلام ۴۵
اشاره ۴۵
الف) حضرت زهرا علیها السلام در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۶
اشاره ۴۶
فزونی علاقه پیامبر به فاطمه علیها السلام ۴۶
ب) حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام ۴۹
ج) از منظر معصومان، اصحاب و علما ۵۲
اشاره ۵۲
یک ــ حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام ۵۲
دو ــ از منظر همسران رسول الله صلی الله علیه و آله ۵۷
سه ــ از منظر صحابه ۶۰
فصل سوم: رفتار شناسی حضرت فاطمه علیها السلام ۶۳
اشاره ۶۳
۱. رفتارشناسی اعتقادی و عبادی ۶۳
اشاره ۶۳

الف) نماز و عبادات ----- ۶۳
ب) ولایت مداری و اعجاز فاطمی ----- ۶۶
ج) توکل و توسل فاطمه علیها السلام ----- ۷۲
اشاره ----- ۷۲
نگرانی حضرت فاطمه علیها السلام در بیماری فرزندانش ----- ۷۲
نتیجه گیری رفتار شناسی اعتقادی ----- ۷۳
۲. رفتارشناسی خانوادگی ----- ۷۶
اشاره ----- ۷۶
مقام همسری ----- ۷۶
اشاره ----- ۷۶
یک _ ازدواج حضرت ----- ۷۶
دو _ حاکمیت ارزش ها در ازدواج ----- ۸۲
سه _ اصل مشارکت وتقسیم کار ----- ۸۳
چهار _ قناعت و ساده زیستی ----- ۸۶
اشاره ----- ۸۶
اول _ امتحان با گرسنگی حضرت فاطمه علیها السلام و صبوری آن حضرت ----- ۸۶
دوم _ نقص اموال ----- ۸۷
سوم _ اصل ساده زیستی و زهد خانوادگی ----- ۸۹
پنج _ اطاعت پذیری و مهرورزی ----- ۹۰
شش _ تعهدات خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام ----- ۹۰
۳. در کِسوت مادری و فرزندپروری ----- ۹۱
اشاره ----- ۹۱
الف) مقام مادری در اسلام ----- ۹۱
ب) تربیت فرزندان ----- ۹۶
اشاره ----- ۹۶
ارتباط علمی حضرت زهرا علیها السلام با فرزندان خویش ----- ۹۹

درس هایی از شیوه تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت کودکان ----- ۱۰۰
۴. رفتارشناسی اجتماعی ----- ۱۰۱
اشاره ----- ۱۰۱
الف) حضور در اجتماع و هدایتگری ----- ۱۰۱
ب) رسیدگی به نیازمندان ----- ۱۰۳
ج) رعایت حقوق دیگران ----- ۱۰۴
د) صیانت از حجاب _ عفاف ----- ۱۰۶
۵. رفتار شناسی سیاسی ----- ۱۰۷
اشاره ----- ۱۰۷
روش ها و راهبردهای رفتار سیاسی ----- ۱۰۷
اشاره ----- ۱۰۷
یک _ بیان خطبه در مسجد مدینه ----- ۱۰۸
دو _ سیاست سکوت و گریه ----- ۱۰۹
دو _ ارائه خطبه عیادت ----- ۱۱۴
سه _ سخنان فاطمه علیها السلام با دختر طلحه ----- ۱۱۷
فصل چهارم: تحلیلی بر اندیشه تابناک حضرت زهرا علیها السلام ----- ۱۲۰
اشاره ----- ۱۲۰
۱) تحلیل افکار واندیشه های حضرت فاطمه علیها السلام ----- ۱۲۰
اشاره ----- ۱۲۰
الف) خطبه معروف حضرت در مدینه ----- ۱۲۰
ب) جریان شناسی غدیر و دفاع از آن ----- ۱۲۴
ج) روایت حدیث ----- ۱۲۶
۲. تحلیل آثار حضرت ----- ۱۲۹
اشاره ----- ۱۲۹
الف) ادعیه و ازدکار ----- ۱۲۹
ج) در مکتب علمی زهرا علیها السلام ----- ۱۳۶

فصل پنجم: معراج و شهادت حضرت زهرا علیها السلام ----- ۱۴۰

اشاره ----- ۱۴۰

۱. روزهای رنجوری و بستری شدن ----- ۱۴۰

۲. وصیت ----- ۱۴۲

۳. روز شهادت ----- ۱۴۶

واپسین سخن ----- ۱۵۱

کتابنامه ----- ۱۵۷

درباره مرکز ----- ۱۶۷

فاطمه علیها السلام الگویی بی بدیل گذری بر سیره و سخن فاطمه علیها السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

کد:۲۰۵۲

تهیه کننده:مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ص: ۱

اشاره

چکیده

فـاطمه انسـیه حورا است؛ همـان طور مخلوق زمینی است، سـیرتی بهشتی و ملکوتی دارد؛ او هـدیه الهی است و سوره کوثر در وصف ایشـان نـازل شـده است. نعمت کوثر در جـامع ترین فرهنگ های عربی به مال فراوان، خیر زیاد، عطایا و مواهب بسـیار ترجمه شده است. کلمه کوثر با بیان آشـکاری به نسل و عقبه تفسـیر می شود؛ چنان که پروردگار متعال، پیامبر گرامی خود را به اعطای کوثر افتخار داده و دشـمنانش را دنباله بریـده نامیـده است و اعلام می کنـد کوثر، کانون نسل و مایه ذریه رسول الله است. از آن جا که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله جز با فاطمه زهرا علیها السلام در جهان استمرار نیافته، به این نتیجه می رسیم که کوثر عنوان پر افتخاری برای حضـرت فاطمه است. در این سوره خداونـد به رسول خود که آورنـده نماز است، دسـتور می دهـد که نماز بخوانـد؛ یعنی برای این لطف و نعمتی که خـدا به وی داده است، سـپاس گزاری کنـد. خداوند برای نعمت های دیگر، رسالت و صـدها لطف و رحمت که به بنـدگان و مؤمنان خود داده است، چنین دسـتوری نداده و این دسـتور فقط برای زهرای مرضیه است. همچنین «وَانْحَرْ» نیز قربانی کردن به افتخار زهرا است.

پیش گفتار

پیش گفتار

فرمود: «فاطمهُ سَیّدهِ نِساءِ العالَمین؛ فاطمه مهین بانوی زنان در دو جهان است».(۱)

فرمود: «فاطمهُ بّضعَهَ مِنّی؛ فاطمه پاره تن من است».(۲)

فرمود: «وَ هِیَ قَلبی الّذی بَینِ جَنتبی؛ و او جان و دل من است که در سینه قرار دارد».(۳)

فرمود: «وَ هِیَ نورُ عَینی وَ ثَمَرَهُ فُؤادی؛ و او نور چشم و میوه دل من است».(۴)

فرمود: «فَمَن اَغضَبها فَقَدَ اَغضَبنی؛ و هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است».(۵)

فاطمه انسیه حورا است؛ همان طور مخلوق زمینی است، سیرتی بهشتی و ملکوتی دارد؛ او هدیه الهی است و سوره کوثر در وصف ایشان نازل شده است. نعمت کوثر در جامع ترین فرهنگ های عربی به مال فراوان، خیر زیاد، عطایا و مواهب بسیار ترجمه شده است. کلمه کوثر با بیان آشکاری به نسل و عقبه تفسیر می شود؛ چنان که پروردگار متعال، پیامبر گرامی خود را به اعطای کوثر افتخار داده و دشمنانش را دنباله بریده نامیده است و اعلام

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰.

۲- نظم دررالسمطین، ص ۱۷۶؛ فتح الباری، ج۷، ص ۶۳؛ کنزالعمال، ج۶، ص ۲۲۰؛ فیض القدیر، ج۴، ص ۴۲۱؛ ینابیع الموده، ج۲، ص ۵۲.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۵- نظم دررالسمطین، ص ۱۷۶؛ فتح الباری، ج۷، ص ۶۳؛ کنزالعمال، ج۶، ص ۲۲۰؛ فیض القدیر، ج۴، ص ۴۲۱؛ ینابیع الموده، ج۲، ص ۵۲.

می کند کوثر، کانون نسل و مایه ذریه رسول الله است. از آن جا که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله جز با فاطمه زهرا علیها السلام در جهان استمرار نیافته، به این نتیجه می رسیم که کوثر عنوان پر افتخاری برای حضرت فاطمه است. در این سوره خداوند به رسول خود که آورنده نماز است، دستور می دهد که نماز بخواند؛(۱) یعنی برای این لطف و نعمتی که خدا به وی داده است، سپاس گزاری کند. خداوند برای نعمت های دیگر، رسالت و صدها لطف و رحمت که به بندگان و مؤمنان خود داده است، چنین دستوری نداده و این دستور فقط برای زهرای مرضیه است. همچنین «وَانْحَرْ» نیز قربانی کردن به افتخار زهرا است.

آری! از یک دختر، کوثری بیکران در همه ادوار تاریخ و همه نقاط دنیا می جوشد. کوثری که تا قیامت پایدار خواهد ماند. امامان معصوم نتیجه تربیت و فضایل زنی بودند که در تاریخ بی همتا است و هیچ زنی در فضیلت، ایمان و دینداری، در طول تاریخ به او نمی رسد. سوره کوثر هنگامی نازل شد که چندین سال قبل از آن اعراب جاهلی به دختر و جایگاه زن در جامعه اهمیت نمی دادند و قرآن کریم ثابت کرد دختری چون فاطمه زهرا علیها السلام از پدر بزرگواری چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، نشانه بهشت، الگوی زنی شایسته و نمونه، در سرتاسر تاریخ جهان است.

هر کسی که از راه شما برگشت از دین خدا خارج شده و هر کس همراه و پا در رکاب شما بود، به شما پیوسته است و از شماست و هر کس در حق شما کوتاهی کرد و مقصر بود، محو و باطل شد.(۲)

حضرت زهرا علیها السلام همه صفات نیکو را دارند؛ به طوری که انسان سرگشته

۱- «فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَر».

۲- بخشی از زیارت جامعه کبیره که می فرماید: «فَالرَّاغِبُ عَنْکُمْ مارِقٌ، وَاللّازِمُ لَکُمْ لاحِقٌ».

می مانـد از کـدام ویژگی روشن آن بزرگوار سـخن بگوید. عبادت حضـرت را ببینیم؟ ایثار آن حضـرت را ببینیم؟ از گذشـت ایشان سـخن بگوییم؟ آیین همسـرداری و تربیت فرزندان آن حضـرت را نمونه بیاوریم؟ زهد، تلاش و کوشـش آن حضرت را بگوییم؟ در هر قسمتی که وارد شویم حضرت زهرا علیها السلام الگوست.

بایـد دانست، اصول تربیتی که امامـان بیـان کرده انـد، به حکم روشن آیـات قرآنی، در سـخن خداونـد سبحان (جـل و اعلی) نمایان است. «وَمَا يَنْطِقُ عَنْ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى».(۱)

یکی از این منـابع بزرگ علمی و عملی، سیره اهل بیت علیهم السـلام است که مراجعه به آنان متقن ترین اصول تربیتی ممکن را برای ما به ارمغان خواهد آورد و در نتیجه رستگاری دین و دنیای ما را به همراه خواهد داشت.

اکنون ماییم و ژرفای بحر فاطمی، مروارید فضـیلت ها وکمالات آن حضـرت؛ کجا ما را توان صید مرواریدهای درخشان از یم فاطمی است جز آنکه: تر کنیم سـرانگشت و صـفحه بشماریم؛ شاید نمی از یم بی منتهای فاطمی را جلوه نما باشیم؛ این وجیزه فاطمی را که به قدر بضاعت مزجاه با لطف و عنایت او فراهم آمده، به آسـتان شکوهمند وی تقدیم می داریم، باشد که به منّ وکرمش پذیرا بوده و ذخیره ای روزی باشد که: «يَوْمَ لَايَنْفَعُ مَالٌ وَ لَابَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ».(۲)

اللّهُمّ صَلِّ عَلی فاطمهَ و اَبیها و امها و بَعلِها وَ بَنیها وَ السِّرِّ المُستَودَعِ فیها بِعَدَدِ ما اَحاطَ بِهِ عِلمُک.

۱- نجم: ۳ و ۴.

۲- الشعرا: ۸۸ و ۸۹.

فصل اول: هویت شناسی حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

فصل اول: هویت شناسی حضرت فاطمه علیها السلام

زیر فصل ها

۱. شناسه حضرت فاطمه علیها السلام

۲. شرایط اجتماعی حاکم بر حیات فاطمه علیها السلام

۱. شناسه حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

۱. شناسه حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام ، دختر نبی مکرم اسلام و خدیجه بنت خُوَیلِد در سال پنجم بعثت، هشت سال قبل از هجرت، در مکه به دنیا آمد. ام ابیها، ام الحسنین، ام السبطین و ام الائمه از کنیه های آن بانو و صدیقه، کبری، بتول، سیده نساء العالمین، مطهره، راضیه، مرضیه، طاهره، محدثه و... از لقب های آن حضرت است.

الف) تولد

اشاره

الف) تولد

زیر فصل ها

چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام

چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام

چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام

خدیجه علیها السلام چون با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان مکه از او دوری جسته، نزد او نمی آمدند، بر او

سلام نمی کردنـد و حتی زنان دیگر را هم از آمـدن نزد وی بازمی داشـتند. خـدیجه علیها السـلام از این امر بیمناک شد و بی تـابی و غم او برای ترس بر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بود، امـا چون به فـاطمه بـاردار شـد، وی از درون شـکم مادر با او صحبت می کرد و او را به صبر فرا می خواند.

خدیجه علیها السـلام این موضوع را از رسول خدا صـلی الله علیه و آله پنهان می کرد؛ تا اینکه روزی حضرت وارد شد و شنید خدیجه علیها السـلام با حضرت فاطمه علیها السلام سخن می گوید. فرمود: با که سخن می گویی؟ خدیجه علیها السلام گفت: جنینی که در شکمم است، با من سخن می گوید و مونسم شده است.

به او فرمود: ای خـدیجه، این جبرئیل است که به من خبر می دهـد که او دختر و فرزندی پاکیزه و مبارک است. خدای تبارک و تعالی نسل مرا از او قرار خواهـد داد و در نسل او امامانی را قرار می دهـد که بعد از انقطاع وحی اش ایشان را جانشـینان من در زمین خواهد کرد.

خدیجه علیها السـلام دوران بارداری را طی کرد تا اینکه نزدیک ولادت دخترش فرا رسید. پس به زنان قریش و نزدیکان خود پیغام فرسـتاد که به کمک من بیاییـد و اموری را که تنها بر عهده زنان است، برای من انجام دهید، اما آنان فردی را به سوی او فرسـتادند و گفتند: تو از دسـتور ما سـر باز زدی و حرف ما را قبول نکردی و با محمد صـلی الله علیه و آله ، یتیم ابی طالب که فقیر و تهی دست بود، ازدواج کردی، حال در عوض ما نیز تلافی کرده، هیچ کار تو را به عهده نمی گیریم.

خـدیجه علیها السـلام در غم و انـدوه فرو رفت؛ که ناگاه چهار زن گنـدمگون و بلنـدقامت، در ظاهر شبیه به زنان بنی هاشم را ملاحظه کرد که وارد خانه شدنـد. خدیجه علیها السـلام از دیدن آنان بیمناک شد، اما یکی از ایشان گفت: ناراحت مباش، ای خـدیجه! مـا فرسـتادگان پروردگار و خواهرانت هستیم. من ساره هسـتم و این آسـیه دختر مزاحم ـ که همنشـین تو در بهشـت است ـ و این مریم دختر عمران و این (کلثم) خواهر موسـی بن عمران است. خداوند ما را نزد تو فرسـتاده تا کار زنان را انجام دهیم.

پس یکی از آنان در سـمت راست، یکی در سمت چپ، سومی در مقابل و چهارمین فرد در پشت سرش نشست. پس حضرت فاطمه علیها السـلام پاک و پاکیزه به دنیا آمد. آن گاه نوری از او تابید که در تمام خانه های مکه وارد شد و در شـرق و غرب زمین جای نماند؛ مگر آنکه در آنجا تابیدن گرفت.

و [بعد از ولادت حضرت فاطمه علیها السلام] ده نفر از حورالعین وارد شدند، که هر یک تشتی بهشتی و ابریقی از آب کوثر همراه خود داشتند. زنی که در مقابل خدیجه علیها السلام نشسته بود، آنها را از آنان گرفت و نوزاد را با آب کوثر شست وشو داد. سپس دو قطعه پارچه را که از شیر سپیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود، بیرون آورد و با یکی از این دو وی را پیچید و با دیگری سرش را پوشاند. سپس از او سخن گفتن طلبید. حضرت فاطمه علیها السلام لب به کلام گشود و گفت: شهادت می دهم خدایی جز خدای یکتا نیست، پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله سرور انبیا است و شوهرم سالار اوصیای پیامبران است و فرزندانم بزرگ نوادگان رسولان هستند. سپس بر آن زنان سلام کرد و نام هر یک را گفت. آنان بر او خندیدند. حورالعین و آسمانیان به یکدیگر بشارت ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را دادند. نوری عظیم در آسمان درخشید که ملائکه تا آن هنگام ندیده بودند.

زنان گفتند: ای خدیجه، بگیر او را که پاک و مطهر و پیراسته و مبارک است و به او و نسلش برکت داده شده است.(۱)

ولادت حضرت فاطمه علیها السلام ، در بیستم جمادی الثانی(۲) سال پنجم بعثت،(۳) سه سال بعد از معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.(۴)

۱- امالی (شیخ صدوق)، ص ۳۵۳؛ ابن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۹؛ روضه الواعظین، ص ۱۲۴؛ بحارالانوار، ج۴۳، صص ۲ و۳؛ مدینه المعاجز، ص ۱۳۵.

۲- دلائل الامامه، ص ۱۰؛ مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۲، ص ۱۲؛ مصباح (کفعمی)، ص ۲۷۰؛ به نقل از مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، ص۲۳۸.

۳- شرح اصول کافی (تالیف علامه مجلسی)، ج۱، ص۳۸۱؛ مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۲، ص۱۱۲؛ دلائل الامامه، ص۱۰؛ اعلام الوری، ص ۹۰؛ روضه الواعظین، ص۱۲۴؛ کشف الغمه، ص ۱۳۵. در مصباح المتهجد شیخ طوسی و تقویم المحسنین فیض، تولد حضرت فاطمه علیها السلام در سال دوم بعثت و در مستدرک، سال اول بیان شده است.

۴- زوضه الواعظین، ص۱۲۴؛ مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۲، ص۱۱۲؛ به نقل از: مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۲۳۵ _ ۲۳۸.

ب) نام ها و القاب حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

ب) نام ها و القاب حضرت فاطمه علیها السلام

زیر فصل ها

فاطمه

طاهره

زهرا

کنیه های حضرت زهرا علیها السلام

فاطمه

فاطمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از جانب خدای تعالی فاطمه نامید. «فاطمه» اسم فاعل مونث از «فَطَمَ»، به معنای جدا کردن و دور ساختن است.

فاطمه نزد خداوندِ صاحب عزت و جلال، نُه اسم دارد: فاطمه، صدیقه (بسیار راستگو)، مبارکه، طاهره، زکیه (پیراسته)، راضیه (کسی که خداوند از او راضی است)، مرضیه (کسی که او از خدا و قضا و قدر او راضی است)، محدثه (کسی که ملائکه با او سخن می گویند) و زهرا.

سپس فرمود: می دانی تفسیر فاطمه چیست؟

یونس گفت: نمی دانم.

فرمود: مقطوم (بریده شده) از شر است.

سپس فرمود: اگر امیرمؤمنان، علی علیه السلام نبود، هیچ کس تا روز قیامت در پهنه زمین از آدم تا غیر از او، هم شأن حضرت فاطمه علیها السلام وجود نداشت.(۱)

در دیگر روایات درباره دلیل نام گذاری حضرت فاطمه علیها السلام به این نام، آمده است:

او و شیعیانش (پیروان ایشان) بریده از آتش جهنمند.(۲)

به خدا قسم، خداوند تبارک و تعالی با علم او را از شیر گرفته است [یعنی علم لدنی به او داده است] و در میثاق پلیدی های ظاهری و معنوی بازداشته است.(۳)

۱- زوضه الواعظین، ص ۱۰، ح ۱.

۲- زوضه الواعظین، ص ۱۴، ح ۱۰.

۳- زوضه الواعظین، ص ۱۳، ح ۹.

حضرت امام رضا علیه السلام این حدیث را از حضرت علی علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود:

فاطمه ازاین رو فاطمه نامیده شد که خداوند (پیوند) او و ذریه او را از آتش بریده است؛ هر کدامشان که خداوند را در یکتاپرستی ملاقات کند (تا هنگام فوت موحد باشد) و به آن چه من آن را آورده ام ایمان آورند.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموند:

دخترم فاطمه، ازاین رو فاطمه نامیده شد که خداوند (پیوند) او و دوستداران او را از آتش جهنم بریده است.(۲)

ای فاطمه، خداوند برای تو نامی از نام های خود را برگزیده است، او فاطر (خالق) است و تو فاطمه و شبیه او و هستی (چرا که خلائق از شناخت تو عاجزند).(۳)

این وجه تسمیه نیز درباره زهرای مرضیه علیها السلام در حدیث بیان شده که خداوند می دانست، عده ای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام امامت و خلافت الهی بعد از ایشان طمع می ورزند. ازاین رو، به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند که نام دختر خود را فاطمه بگذارد و فرمود از او ذریه ای پدید می آید که جانشینان آن حضرت هستند و امید آن سوداگران را قطع می سازند.(۴)

طاهره

طاهره

امام باقر علیه السلام از پدران خود نقل می کنند:

۱- زوضه الواعظین، ص ۱۸، ح۱۳.

۲- زوضه الواعظین، ص ۱۵، ح۱۲.

۳- زوضه الواعظین، ص ۱۵، ح۱۳.

۴- علل الشرایع، ص ۷۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳، ح۷؛ به نقل از: مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۲۴۰ _ ۲۴۳.

«همانا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خاطر پاکی اش از هر پلیدی و پاکیزگی اش از هر ناسزاگویی، طاهره نامیده شد. او حتی یک روز حیض و نفاس را ندید».(۱)

زهرا

زهرا

«زَهَرَ» به معنای درخشیدن است و صدیقه کبری(۲) از این جهت به زهرا مشهور شد که از سیمای محبوبش نور بر عالم می تراوید و عوالم وجود را روشن می کرد. چنان که در حدیثی در این وجه تسمیه آمده است:

چون حضرت فاطمه علیها السلام در محراب خود به نماز می ایستاد، نورش برای اهل آسمان چنان می درخشید که نور ستارگان برای اهل زمین.(۳)

سلمان فارسی می گوید: من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم که عباس بن مطلّب (عموی حضرت) وارد شد و بر ایشان سلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود و به او مرحبا گفت.

عباس گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله از چه رو خداوند علی ابن ابی طالب را بر ما و خاندان شما برتری داده است، حال آنکه همه ما از یک معدن هستیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

«اِذَن اُخبِرُکَ یا عَمّ. اِنَّ اللهَ خَلَقَنی و خَلَقَ عَلیّاً علیه السلام وَ لاسَماءَ و لا اَرضَ و لا جَنَّهَ و لا نارَ و لا لوْحَ و لا قَلَمَ...».(۴)

ای عمو در این باره تو را آگاه می سازم. خداوند من و علی را آفرید، در

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۹، ح ۲۰.

۲- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۱۲، ص ۱۱۲.

۳- بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۲، ح۶.

۴- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۷، ح۱۶.

حالی که نه آسمانی بود و نه زمینی، نه بهشت و نه دوزخی، و نه لوح و نه قلمی. آن هنگام که خدای صاحب عزت و جلال مشیتش بر خلقت ما تعلق گرفت، به کلمه ای تکلم کرد و آن نوری شد، سپس کلمه ای دیگر گفت و آن نسیمی شد. سپس این دو را به هم آمیخت به گونه ای که مخلوط شدند و من و علی علیه السلام را از آن دو خلق کرد. بعد از آن نور مرا شکافت و از آن، نور عرش را بیرون آورد؛ بنابراین من از عرش بزرگ ترم. نور علی را نیز شکافت و از آن نور آسمان ها را بیرون آورد؛ پس علی از آسمان ها بزرگ تر است. سپس نور حسن علیه السلام را شکافت و از آن، نور خورشید؛ و نور حسین علیه السلام را شکافت و از آن، نور ماه را بیرون آورد. پس آن دو از خورشید و ماه عظمت بیشتری دارند و (در آن هنگام) ملائکه تسبیح خدای تعالی به جای می آوردند و در تسبیح خود می گفتند:

خدایا تو منزهی و پیراسته؛ چه انواری پدید آوردی که چنین نزد تو گرامی هستند!

چون خداوند متعال اراده فرمود که ملائکه را بیازماید، بر آنان که (از بسیاری تعداد) اول و آخرشان دیده نمی شد، ابرهایی تاریک مسلط ساخت. ملائکه گفتند: ای خدای ما و ای مولای ما! از آن هنگام که ما را خلق کردی، چنین ندیده بودیم، پس به حق این از تو انوار درخواست می کنیم که ما را رهایی بخشی. خدای صاحب عزت و جلال فرمود: به عزت و جلالم قسم که به تحقیق چنین خواهم کرد. پس نور حضرت فاطمه علیها السلام را آفرید و آن را چون چراغ آویزی قرار داد و در گوشه عرش آویزان ساخت. پس آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه منور شد. به این جهت حضرت فاطمه علیها السلام ، زهرا (درخشنده) نامیده شد.

ملائکه به تسبیح و تقدیس خداوند مشغول شدند. خدا فرمود: به عزت و جلالم قسم، ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای دوستداران این بانو و پدر و شوهر و فرزندانش قرار می دهم.(۱)

کنیه های حضرت زهرا علیها السلام

کنیه های حضرت زهرا علیها السلام

در بین عرب مرسوم بوده که علاوه بر اسم خاص، کنیه و لقبی هم برای افراد معین می کردند. کنیه، اسم و علامت مشخصه ای است که در ابتدای آن برای مردان «اب» و برای زنان «ام» آورده می شود. مثل ابالقاسم و ابالحسن که کنیه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و ام المؤمنین کنیه زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. برای حضرت زهرا علیها السلام ده کنیه وجود داشته که هریک از این کنیه ها افزون بر جنبه اسمی، خالی از وصف و معنی نیست. در اینجا به نقل کنیه ها و مفاهیم بعضی پرداخته شده است:

امُ الحَسَن: به معنای مادر امام حسن علیه السلام است، یا حضرت فاطمه علیها السلام ریشه هر نیکی در جهان هستی است. یا به این دلیل است که فرزندانش همه دریای حُسن و زیبایی بودند.(۲)

امُ الحسین: مادر امام حسین علیه السلام . از طرفی حسین علیه السلام مصغّر حسن علیه السلام است و بر تمام حسنات کوچک اطلاق می شود. باید گفت نیکی های بزرگ، شناخت خدا و نیکی های کوچک، عبادت است و فاطمه علیها السلام ریشه همه آنهاست؛ یا آنکه نیکی های بزرگ عبادت های واجب و نیکی های کوچک، مستحبات است.(۳)

۱- بحارالانوار، ج۳۷، ص۳۷.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۶؛ المناقب، ج۳، ص۱۳۲.

۳- بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۶

امُ المحسن: مادر محسن شهید یا به معنای اساس هر نیکی کننده است؛ زیرا همه نیکی ها به علم و هدایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه برمی گردد که علوم دینی همه آنها از معدن وحی و خانواده عصـمت سرچشمه گرفته و حضرت فاطمه علیها السلام حلقه اتصال ولایت و رسالت است.(۱)

امُ الاَخیار: مادر نیکان و نیکوکاران.

امُ الائمهِ الاَطهار: مادر امامان معصوم؛ زیرا از آن بانو یازده امام معصوم به عمل آمده است.

امُ النُجباء: مادر شرافتمندان؛ زیرا شریف ترین نژادها از کوثر وجود حضرت فاطمه علیها السلام سرچشمه گرفته اند.

امُ النَقباء: مادر بزرگان پیشرو.

امُ الفَضائـل: مـادر هر فضـیلتی؛ زیرا فضـیلتی در عـالم نیست؛ مگر آنکه اصـل و ریشه آن در بـانوی اعظم، حضـرت زهرا علیها السلام است.

امُ السِبطین: مادر دو نواده پیامبر.

امُّ الهَنا: حضرت فاطمه علیها السلام مادر گوارایی است؛ زیرا با محبت او عبادت گوارا است و حضرت علی علیه السلام فرمود: در این مـدت که زهرا در خانه من بود از او هیچ ناگواری ندیدم و هرگز مرا به خشم نیاورد. پس او اساس گوارایی و شـیرینی برای پدر، شوهر، فرزندان و شیعیان خود است.(۲)

امُ الاَسماء: مادر اسامی، چون حضرت اسامی زیبا و متعدد دارد که هر یک نشان دهنده صفات والا و مناقب بزرگ اوست.

ام المؤمنین: مادر مؤمنین؛ اگر چه زنان پیامبر به عنوان ام المؤمنین خطاب

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۶

۲- محمدتقی مقدم، فضائل الزهرا، ص ۱۴.

می شوند؛ به طریق اولی حضرت زهرا علیها السلام شایسته این کنیه است.

امُ العُلوم: ریشه علم و دانش و شاید این نام به دلیل ارتباط جبرئیل با ایشان بر ایشان نهاده شده است که نتیجه آن کتاب صحیفه فاطمیه علیها السلام است که حاوی همه علوم است و نزد ائمه معصومان است.(۱)

امُ الاَزهار: مادر گل ها.

امِّ اَبیها: مهم ترین کنیه حضرت فاطمه علیها السلام ام ابیها است. بعضی این کنیه را صرف محبت پدر به فرزند دانسته اند و می گویند انسان هرگاه فرزند خود را زیاد دوست بدارد و بخواهد این محبت را آشکار کند به فرزندش می گوید: بابا، مادر و این در تکلم عموم رایج است و شاید اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به او می گوید: ای مادر پدر، به این دلیل باشد که فاطمه زهرا علیها السلام مانند مادری مهربان برای پدر خود زحمت می کشید. خاکستر از سر و رویش پاک می کرد، جراحت های او را پانسمان می کرد و کارهایی را که یک مادر در حق فرزند خود انجام می دهد، ایشان برای پدر انجام می داد.

و معنای دیگر آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند فرزند، با دخترش برخورد می کرد، دستش را می بوسید، همان گونه که فرزند در مقابل مادر باید چنین باشد؛ در برابر حضرت زهرا علیها السلام ، تمام قد برمی خاست؛ هنگام سفر از او خداحافظی می کرد و هنگام بازگشت از سفر، اولین دیدارش از زهرای مرضیه علیها السلام بود. این عملی است که هر فرزند مؤدب به آداب الهی آن را انجام می دهد.

برخی از پژوهشگران از معانی اُم کمک گرفته و وجوهی را برای معنای

۱- محمدتقی مقدم، فضائل الزهرا، ص ۱۴.

این کنیه ذکر کرده انـد و گفته انـد یکی از معـانی ام، اصـل و ریشه هر چیز است. حضـرت زهرا علیهـا السـلام اصل و درخت تنومند رسالت است.(۱)

۲. شرایط اجتماعی حاکم بر حیات فاطمه علیها السلام

۲. شرایط اجتماعی حاکم بر حیات فاطمه علیها السلام

با توجه به بحران های دوران کودکی حضرت زهرا علیها السلام ، باید گفت، شرایط مکه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار سخت و جانکاه بود؛ به شکلی که حضرت تا سه سال دعوت توحیدی خود را مخفیانه به بعضی افراد آماده می رسانید و همه رفت و آمدها و گفت وگوهـا مخفیـانه و پنهانی بود. پس از سه سال، دعوت عمومی و آشـکارا شـد و شـرایط و دشـمنی مشرکان با رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت تر و جدی تر.

در ازدواج با خـدیجه، زنان قریش، حضـرت خـدیجه علیها السـلام را تحقیر و سـرزنش می کردنـد و گفت وگو با حضـرت را تحریم کردند. از سویی ابوجهل ها و ابولهب ها بر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایط را پیچیده و سخت نمودند.

در هنگام تولد حضـرت زهرا علیها السـلام هیچ زنی از مکه کمک او نبود، به گونه ای که از نظر ظاهری حضـرت فاطمه علیها السـلام در مکه؛ یعنی در کـانون بحران، سـختی، محرومیت و تحریم متولـد شـد و این رونـد هر روز رو به افزایش بود تا اینکه محاصره سه ساله اقتصادی پیش آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله ، حضرت خدیجه علیها السلام و فرزند ایشان در دره ای مجبور به سکونت شدند. در این زمینه داستانی قابل نقل است:

مدتی از ایام شیرخوارگی حضرت زهرا علیها السلام در شعب ابوطالب سپری شد.

۱- ذخائر العقبی، ص ۵۱؛ به نقل از: زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، صص ۲۹ و ۳۰.

در همان جا از شیر خوردن گرفته شد. در همان ریگستان سوزان، راه رفتن آموخت. هنگامی که سخن گفتن یاد می گرفت، فریاد و ناله اطفال گرسنه شعب را می شنید. در همان محیط قحطی، غذاخور شد. در وسط شب که از خواب بیدار می شد، خویشانش را می دید که با شمشیرهای برهنه اطراف پدرش پاس می دادند.

حدود سه سال طول کشید که حضرت فاطمه علیها السلام به غیر از زندان سوزان شعب چیزی ندید و از دنیای خارج خبری نداشت.

حضرت فاطمه علیها السلام در سن پنج سالگی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و بنی هاشم از تنگنای شعب نجات یافته و به خانه و زندگی خودشان مراجعت کردند. مناظر زندگی جدید و نعمت آزادی و توسعه در خوراک و پوشاک و منزل برای حضرت زهرا علیها السلام تازگی داشت و شادمان و مسرور بود.(۱)

حضرت زهرا علیها السلام هنوز در سنین کودکی و گذراندن سال های چهارم یا پنجم عمرش بود که به نقل محدثان برای پیشرفت اسلام و مبارزه با شرک و بت پرستی وظیفه دفاع از پدر مقدس خود را بر عهده گرفت و در سخت ترین شرایط و خوفناک ترین جاهایی که مردان دلاور، جرئت حضور در آنجا را نداشتند، حضور یافته و با تندی، دشمنان آن حضرت را مخاطب قرار داده و مردانه علیه آنان قیام می کرد.(۲)

فاطمه علیها السلام تازه پا به هشت سالگی گذارده بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور شد، شبانه از مکه خارج شود و به مدینه هجرت کند. فاطمه در آن زمان مادر را از دست داد و تنها کسی که او را سرپرستی می کرد و پناه وی در محیط

۱- ابراهیم امینی، حضرت زهرا علیها السلام، بانوی نمونه اسلام، صص ۸۱ و ۸۴.

۲- زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، ص۹۳.

خانه و خارج بود، همان وجود مقدس؛ یعنی پدر بزرگوارش بود، اما چون می دانست این مأموریتی الهی است، در آن محیط وحشتناک ماند. تا پس از چند روز علی علیه السلام ، او و چند تن از زنان دیگر را ــ به شرحی که در تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شد ــ مخفیانه از مکه حرکت داد و به مدینه آورد.(۱)

پس از ورود به مدینه تا هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود؛ یعنی در طول ده سال همه جا پشتیبانی صدیق و باایمان برای پدر و شوهر عزیز خود در جنگ ها و پیش آمدهای سخت و ناگوار بود و تا جایی که می توانست با گفتار و کردار موجب دلداری و رفع اندوه آنها را فراهم می ساخت و آنها را به پایداری در برابر دشمنان دلگرم و امیدوار می کرد. بی گمان اگر اجازه داشت تا شمشیر به دست گیرد و مانند مردان فداکار و سربازان جانباز اسلام در معرکه جنگ نیز حاضر شود این کار را هم می کرد، اما این تکلیفی بود که به دوش مردان گذارده شده بود و زنان جز در موارد ضروری یا برخی امور مربوط به مداوای زخمی ها رخصت این کار را نداشتند.

این جنگ احد بود که چهره کریه و وحشتناک خود را به مردم مدینه و مسلمانان نشان داد و سبب شهادت جمع بسیاری از مسلمانان و شکست آنان گردید. پس از پایان جنگ در کنار کوه احد فاطمه بی تابانه خود را از مدینه به میدان جنگ و بالین پدر رسانده و این راه زیاد را پیاده طی کرده و با شهامت خاصی مشغول شست وشوی خون از صورت زیبای پدر شده و چون دید خون نمی ایستد، به سرعت قطعه حصیری می آورد و آن را سوزانده، سپس خاکسترش را روی زخم ها می ریزد و بدین وسیله جلوی

۱- ۳ زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، ۹۴.

خونریزی را می گیرد. پس از ورود به مدینه نیز شمشیر شوهر خود را گرفته و خون های آن را شست وشو می دهد و برای جنگی که روز بعد اتفاق افتاد، وسایل سفر و اسلحه او را آماده می کند.

به نقل مرحوم مفید هنگامی که پدرش از احد بازمی گردد، با ظرفی پر از آب بر در خانه به استقبال پدر می رود و سر و صورت پدر را از گرد و خاک راه شست وشو می دهد. به دنبال آن امیرمؤمنان، علی علیه السلام با دستی مجروح و پر از خون از راه می رسد، ذوالفقار را به فاطمه داده، با لحنی که نشانگر کمال صداقت و صفا است. فاطمه را مانند یار باوفا و پشتیبان صادق و مجاهد خود مخاطب ساخته، فرمود: «خُذِی هَذَا السَّیْفَ فَقَدْ صَدَقَنِی الْیَوْمَ؛ این شمشیر را بگیر که امروز وفای خود را به من نشان داد و مرا شرمنده نساخت».

فصل دوم: شخصیت شناسی حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

فصل دوم: شخصیت شناسی حضرت زهرا علیها السلام

شخصیت بانوی اسلام را از ابعاد مختلف می توان بررسی کرد، اما شایسته است، پیش از هرچیز جایگاه شخصیتی ریحانه نبوی را در کلام وحی، به نظاره نشینیم.

۱. در قرآن

اشاره

۱. در قرآن

زیر فصل ها

الف) سوره کوثر

ب) آیه تطهیر

ج) آیه قربی

قربی در سخنان امامان معصوم علیهم السلام

د) در دیگر آیات

الف) سوره کوثر

الف) سوره کوثر

یکی از سوره های مشهور قرآن کریم که به منزلت وجودی حضرت زهرا علیها السلام بستگی دارد، سوره کوثر است. واژه کوثر به معنای «هر چیز فراوان و متراکث، شخص بزرگ و پر خیر و بخشنده و نام نهری در بهشت»(۱) و یگانه واژه در قرآن است که هرگز تکرار نشده است. در حالی که به معنای «خیر کثیر» است و به چندین شکل می شود آن را تعریف، تفسیر و تأویل کرد. هم می تواند درباره ذریه ــ نسل سادات ــ حضرت زهرا علیها السلام ؛ هم نام و القاب مبارکه حضرت فاطمه علیها السلام و هم عظمت و شکوه وجودی ایشان اشاره داشته باشد. افزون بر اینکه به معنای چشمه ا ی در بهشت نیز است که ساقیانش رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام هستند و معصومان علیهم السلام نوشیدن از آن را به

دوستداران و شیفتگان مکتب حضرت زهرا علیها السلام بشارت هم داده اند.

ابن عباس می گوید: سوره کوثر درباره «عاص بن وائل سهمی» نازل شد و

۱- فرهنگ عمید، ج۳، ص ۲۰۰۷.

این زمانی بود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسجد بیرون می آمد و او در نزدیکی بنی سهم با آن حضرت ملاقات و گفت وگو کرد و عده ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند. هنگامی که عاص داخل مسجد شد، گفتند: با چه کسی صحبت می کردی؟ گفت: با این ابتر. این ماجرا زمانی رخ داد که عبدالله فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه از دنیا رفته بود. غم از دست دادن عبدالله و زخم زبان مشرکان، قلب ایشان را آزرده کرد، ولی فرشته وحی که همواره آرامش دهنده قلب رسول الله صلی الله علیه و آله بود، نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داد که ای محمد! پروردگار مهربان به سوی تو چشمه برکات و خیرات را نازل خواهد کرد و دشمن تو را که بر تو جسارت کرده است، خوار و ذلیل نموده، ابتر قرار می دهد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله به شکرانه این وعده الهی نماز گزارد و پروردگار را بر این نعمت بابرکت ستود.(۱)

تلاش بسیاری برای انقطاع این نسل صورت گرفت، اما نسل مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام انتقال یافت و ذریه پاک او سرتاسر جهان را دربرگرفتند.

ابن شهر آشوب درباره آیه شریفه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر: ۱) می نویسد: کوثر مبالغه در کثرت است، یعنی بسیاری فرزندان آن حضرت.(۲)

طریحی هم در مجمع البحرین می نویسد: گفته شده است مقصود از کوثر نسل و ذریه است و این امر در نسل آن حضرت از فرزندان فاطمه علیها السلام ظاهر شد؛ زیرا تعداد آنها محدود نیست و ستایش خدا را که افزونی ایشان تا پایان

۱- ریحانه خانه وی، ص۱۲۴؛ حلیمه صفری، الگوهای رفتاری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- موفق بن أحمد خوارزمی، المناقب، ج۲، ص۱۹۵.

روزگار ادامه دارد.(۱)

فاطمه علیها السلام همان نهر و حوض بهشتی است که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله داده شد و انوار و برکاتش نصیب همسر او، امیرمؤمنان، علی علیه السلام و همه دوستداران آنان گردید.

کوثر را خیر کثیر، کثرت ذریه یا نهری بهشتی می دانند. بسیاری از روایات، «کوثر» را نهری در بهشت معرفی کرده اند که از آنِ رسول خدا صلی الله علیه و آله ، امیرمؤمنان، علی علیه السلام و دوستداران آنان است.(۲)

از امام باقر علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره نهر کوثر به امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود:

یَا عَلِیُ! الْکَوْثَرُ نَهَرٌ یَجْرِی مِنْ تَحْتِ عَرْشِ اللَّهِ... وَ اللَّهِ یَا عَلِیُّ مَا هُوَ لِی وَحْدِی وَ إِنَّمَا هُوَ لِی وَ لَکَ وَ لِمُحِبِّیکَ مِنْ بَعْدِی.(۳)

ای علی! کوثر نوری است که در زیر عرش خدا جاری است... قسم به خدا تنها برای من نیست؛ بلکه برای من و تو و دوستداران تو بعد از من است.

حضرت علی علیه السلام درباره عرش فرموده است:

وَ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِی حَمَّلَهُ اللهُ الْحَمَلَهَ.(۴)

۱- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۴۶۹.

۲- جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ج۶، ص۴۰۱؛ أبوجعفر محمد بن أبی القاسم محمد بن علی طبری، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص۵؛ محمد بن محمد مفید، الامالی (للمفید)، ص۲۹۴.

۳- فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص۶۰۹؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۸، ص۲۷.

۴- أبوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، الکافی، ج۱، ص۱۲۹؛ أبومحمد حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج۲، ص۳۰۸.

عرش مقام علم الهی است که خداوند آن را بر حمل کنندگان بار کرده است.

بنـابراین، عرش مقام علم الهی بوده و همه علوم و معارف موجود در دار هستی، جلوه هایی از علم الهی است. نهر کوثر نیز که جایگاه علم ائمه معصومان علیهم السلام است، جداشده از عرش است که مقام علم خداوندی است.

آری حقیقتِ این چشـمه هـا و نهرهای حیات بخش، علوم و حقایقی است که خانه نبوت به همه انبیاء، اولیا و صالحان بهره می رساند و ایشان خود از این آب های گوارا به پیروان و دوستانشان می نوشانند.

شیـخ صـدوق از «محمـد بن مسـلم» و «ابوبصـیر» از امام صادق علیه السـلام از امیرمؤمنان، علی علیه السـلام روایت می کند که حضـرت درباره حوض کوثر فرمود: ما دشمنان خود را از حوض منع کرده ایم و دوستداران و اولیای خود را از آن سیراب می کنیم. هر کس جرعه ای از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی شود.(۱)

ب) آیه تطهیر

اشاره

ب) آیه تطهیر

زیر فصل ها

عصمت صدیقه کبری

عصمت صدیقه کبری

عصمت صدیقه کبری

خداوند در آیه تطهیر در شأن پنج تن آل عبا علیهم السلام که زهرا علیها السلام نیز یکی از آنان بود چنین فرموده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ همانا خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».(۲)

در اینجا معنای «رجس» به طور غیر مستقیم از خود آیه به دست می آید؛

۱- أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، (شیخ صدوق)، الخصال، ج۲، ص۶۲۴؛ ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج۵، ص۳۸۳.

۲- ۱ احزاب: ۳۳.

زیرا خداوند این دوری از رجس را از باب لطف و اکرام به اهل بیت علیهم السلام ارزانی داشته است. در نتیجه و بالتبع باید مقامی والا- برای پاکی از عوامل و امور مغضوب او باشد. با توجه به آنکه «اِنَّما»، برای انحصار امری در محدوده ا ی ویژه به کار می رود، مشخص می شود که این تطهیر و پیراستگی تنها شامل افرادی است که در زیر کسای یمانی حضور داشته اند.

«رجس» عبارت از هر چیزی است که طبع انسان از آن روی گردان بوده و فرد مرتکب یا دارای آن، پیروی از شیطان کرده و مستحق عذاب می شود. همان طور در مراتب بالاتر، «رجس» هر صفت ناپسند یا عمل سخیفی است که از شأن و منزلت انسان بکاهد و او را از دایره مروت و جوانمردی خارج کند.(۱)

آمده است دو زن از همه زنان جهان از اولین تا آخرین معصوم بوده اند؛ اول حضرت مریم علیها السلام است به بیان آیه: «وَإِذْ قَالَتْ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و [یاد کنید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! به یقین خدا تو را برگزیده و [از همه آلودگی های ظاهری و باطنی] پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.» (آل عمران: ۴۲) و دیگر فاطمه زهرا علیها السلام به ظاهر آیه تطهیر «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرا؛ جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند] برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.» (احزاب: ۳۳) و زنان دیگر، معصوم نبودند و به مقام ایشان به دلیل

۱- تفسیر الطبری، ج ۲۲، صص ۵ _ ۷؛ مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

عصمتی که داشتند، نرسیده و نمی رسند؛ اگرچه بعضی از زنان در مرتبه انوثیت به کمال رسیدند و حدیث شریف: «مَا کَمُلَت مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَربَعَه؛ از زنان به جز چهار نفر به کمال نرسیدند»(۱) دلیل بر مقصود و مراد ماست. جمعی هم بر افضلیّت خدیجه علیها السلام بر مریم علیها السلام نظر داده اند و فضائل خدیجه علیها السلام را کمتر از مریم علیها السلام ندانسته اند و حدیث: «فُضِّلَت خَدِیجَهُ عَلَی نِسَاءِ أُمَّتِی کَمَا فُضِّلَت مَریمُ عَلَی نِسَاءِ العَالَمِینَ؛ خدیجه علیها السلام بر زنان امت من برتری داده شده است همچنان که مریم علیها السلام بر زنان جهانیان برتری داده شده است».(۲)

خداوند متعال دراین آیه خواسته است تا لطف وعنایت بسیار خود را متوجه این خاندان کند که همه چیزشان را فدای راه او کردند. ازاین رو، شایسته است بالاترین مرتبه طهارت و پیراستگی را به آنان بدهد و آن مقامی نیست مگر عصمت عامه ای که طایفه امامیه معتقدند که آن برای امامان پاک نهاد خود و جد امام آنان علیهم السلام است.

فاطمه علیها السلام به حکم آیه تطهیر «إِنَّمَا یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا.» (احزاب: ۳۳) دارای مقام عصمت و ولایت است که گفته شد انسان معصوم همان قرآن مجسم است؛ زیرا بیشتر محتوای قرآن، عقاید، اخلاق و اعمال است که همه اینها مربوط به انسان است و جایگاه عقیده و اخلاق و عمل قرآنی، نفس انسان است. بنابراین، «اگر کسی ظاهر و باطن قرآن را بداند و به تفسیر و تأویل آن آشنا باشد و متشابه و محکم و نیز شیوه ارجاع متشابهات به محکمات را بشناسد و به خواسته‌ها، واجبات و

۱- محمدجواد مغنیه، تفسیر الکشاف، ج۴، ص۵۷۳.

۲- محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج۵، ص۴۶۹.

مستحبات و مباحات آن عمل کند و همه حکمت ها و احکام آن را باور داشته باشد و آنها را از سوی خداوند بداند، چنین کسی قرآن ناطق است.»(۱) زهرا علیها السلام که علوم و معارف و احکام قرآن در نفس مطهرش جا دارد، قرآن ناطق است.

ج) آیه قربی

ج) آیه قربی

آیه «قُربی» که بیانگر پرتویی از شکوه وصف ناپذیر حضرت فاطمه علیها السلام است، این گونه است:

«قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ هان ا ی پیامبر، بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم؛ مگر دوستی درباره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود. همانا خدا آمرزنده و قدرشناس است.» (شوری: ۲۳)

در این آیه، خدا به پیامبرش فرمان می دهد که ا ی پیامبر بگو: من برای انجام رسالت خویش پاداشی از شما نمی طلبم، جز آنکه باید با نزدیکان من بر اساس مهر رفتار نمایید و آنان را ــ که نمونه درخشان و زنده اندیشه و عمل در دین من هستند ــ در زندگی خویش سرمشق سازید.

در این باره سخنان امامان راستین و پیروان آنان هماهنگ است. منظور از واژه «قربی» نزدیکان پیامبرند و انبوه روایات در کتاب های شیعه و اهل سنت، نام و نشان این نزدیکان پیامبر را به دست می دهد.

الف) از جمله آن روایات که دانشمندان بزرگ اهل سنت در معتبرترین

۱- عبدالله جوادی آملی، قرآن حکیم از منظر امام رضا۷، ص۳۲.

منابع خویش، همچون «صحاح» و تفاسیر آورده اند این است که می فرماید: هنگامی که این آیه فرود آمد، از پیامبر پرسیدند: نزدیکان شما چه کسانی هستند که محبت آنان بر ما واجب شد؟ «لَمّا نَزَلَت هذِهِ الایهُ قالوا: یا رَسولَ اللهِ! مَن قَرابَتُکَ هؤلاءِ الَّذینَ وَجَبَت عَلَینا مَوَدَّتَهُم؟»

پیامبر فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنان. «قالَ رسول الله صلی الله علیه و آله : عَلِی وَ فاطِمَهُ وَ ابناها وَ قالَها ثَلاثاً».(۱)

این روایت را دانشمندان شیعه و گروهی از علمای اهل سنت آورده اند.

قربی در سخنان امامان معصوم علیهم السلام

قربی در سخنان امامان معصوم علیهم السلام

۱. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود:

در سوره شورا درباره ما آیه ا ی موجود است که به دلالت آن، هر انسان باایمانی بایـد محبت ما را راه و رسم خویش قرار می دهد؛ آن گاه به تلاوت آیه پرداخت.

۲. و نیز آورده اند که دومین امام نور فرمود:

«وَ أَنا مِنْ أَهْلِ الْبَیْتِ الَّذِی افْتَرَضَ اللّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ، فَقالَ: قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یقْتَرِفْ حَسَنَهً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ واقتَرف الحَسَنه مَودَّتنا اَهلَ البیت؛ من از همان خاندان پرشکوهی هستم که خدا، مهر به آنـان و فرمـانبرداری شان را بر ایمان آوردگان واجب ساخت. آن گاه افزود: به دست آوردن آن پاداش پرشکوهی که در آیه آمده، مهر به ما اهل بیت است».(۲)

۳. نیز از چهارمین امام نور آورده اند که در شام و در حال اسارت مردی

۱- احقاق الحق، ج۳، ص۲.

۲- مستدرک، ج۱۱، ص۱۱۴.

از شامیان از کنار آن حضرت گذر کرد و گفت: سپاس خدای را که شمایان را نابود ساخت. آن حضرت پرسید: هان، ا ی بنده خدا! آیا این آیه را نخوانده ا ی که: قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی؟ و آن گاه افزود: ما خاندانی هستیم که این آیه در مورد ما فرود آمده است... .(۱)

د) در دیگر آیات

اشاره

د) در دیگر آیات

زیر فصل ها

در آیه مباهله

در سوره هل اتی (انفاق)

در آیه نور

در آیه مباهله

در آیه مباهله

خداوند در قرآن می فرماید:

«إِنَّ مَثَلَ عِیسَی عِندَ اللّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ کُن فَیکُونُ الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلاَ تَکُن مِّن الْمُمْتَرِینَ فَمَنْ حَآجَّکَ فِیهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءکُمْ وَنِسَاءنَا وَنِسَاءکُمْ وَأَنفُسَنَا وأَنفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَهُ اللّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ؛ در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید. سپس بدو گفت: باش پس وجود یافت. [آنچه درباره عیسی گفته شد] حق [و] از جانب پروردگار تو است پس از تردیدکنندگان مباش. پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند، بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم، سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».(۲)

در سوره هل اتی (انفاق)

در سوره هل اتی (انفاق)

«هَلْ أَتَی عَلَی الْإِنسَانِ حِینٌ مِّنَ الدَّهْرِ...؛... به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است؛ چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و [به دلخواه

۱- کافی، ج۱، ص۶۱۱.

۲- آل عمران: ۵۹ _ ۶۱.

خویش] جاریش می کنند...».(۱)

در آیه نور

در آیه نور

خدا در قرآن می فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...؛ خدا نور آسـمان ها و زمین است مثل نور او و چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که به درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود. نزدیک است که روغنش هر چند بـدان آتشـی نرسیده باشد، روشـنی بخشد روشـنی روی روشـنی است. خـدا هر که را بخواهـد بـا نـور خـویش هـدایت می کنـد و این مثـل هـا را خـدا برای مردم می زنـد و خـدا به هر چیزی داناست».(۲)

این چراغ روشن و روشنگر در خانه هایی است که خدا اجازه داده است که مقام آنها اوج گیرد و نام بلند او در آنها به عظمت و یکتایی برده شود.

مغازلی شافعی در «مناقب» آورده است: تفسیر آیه «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحُ» را از حضرت کاظم پرسیدم؟

آن حضـرت فرمود: منظور از واژه «مشکاه»، حضرت فاطمه علیها السلام است و واژه «مِصبَاح» دو نور دیده اش، حسن و حسین علیهما السلام هستند.(۳)

۲. در احادیث معصومان علیهم السلام

اشاره

۲. در احادیث معصومان علیهم السلام

زیر فصل ها

الف) حضرت زهرا علیها السلام در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله

ب) حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

ج) از منظر معصومان، اصحاب و علما

الف) حضرت زهرا علیها السلام در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

الف) حضرت زهرا علیها السلام در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

فزونی علاقه پیامبر به فاطمه علیها السلام

فزونی علاقه پیامبر به فاطمه علیها السلام

فزونی علاقه پیامبر به فاطمه علیها السلام

۱- انسان: ۱ _ ۱۰.

۲- نور: ۳۵.

۳- ۲ بحارالانوار، ج۱۵، ص۱۰؛ فاطمه نسیم بهشت، صص۱۴۴ و ۱۴۵.

از گفتار و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فاطمه به خوبی روشن می شود که علاقه آن حضرت به دخترش فاطمه، بیش از اندازه محبت یک پدر به دخترش بوده است. این رفتار به ایمان و تقوی و اعمال و رفتار فاطمه مربوط می شود؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله دختران دیگری هم داشتند، اما درباره آنها تعبیرهایی چون «بضعه منی» یا «روحی التی بین جنبی» یا «احبّ الناس الی» و مانند این سخنان را نگفته اند.

و باز این اظهار علاقه و محبت تنها به منظور دلجویی از فاطمه علیها السلام نبود که چون مادر خود را از دست داده بود، پیامبر بخواهد از دختر کوچکش دلجویی کند تا از نداشتن مادر رنج نبرد و عقده ا ی برای او ایجاد نشود؛ چنان که برخی تصور کرده اند؛ زیرا این اظهار علاقه و محبت تا پایان عمر پیامبر؛ یعنی هنگامی که فاطمه شوهر کرد و بچه دار شد، بلکه تا آخرین ساعات زندگی آن حضرت نیز ادامه داشت و هیچ تغییری در آن پیدا نشد؛ چه بسا روز به روز بیشتر می شد و فاطمه تنها زنی بود که پیامبر هنگام رحلت اسراری به او گفت و آهسته و خصوصی با او صحبت کرد؛ تا آنجا که عایشه می گوید: پیامبر را می دیدم، هرگاه فاطمه نزد او می آمد، برمی خاست و او را دربر می گرفت و می بوسید و در جای خود می نشانید. عایشه که گویا از دیدن این منظره ناراحت می شد و حسادت می کرد به پیامبر می گفت: این چه کاری است که می کنی؟ می فرمود:

«یا عایشَه اِذَا اشتَقتُ اِلَی الجَنَّهِ قَبَلتُ نَحرَ فاطِمه؛ ای عایشه هرگاه مشتاق بهشت می شوم گلوی فاطمه را می بوسم».(۱)

۱- ۱ فضائل الخمسه، ج۳، ص۱۲۷.

و باز از عایشه نقل شده که می گفت:

«ما کانَ اَحَدٌ مِنَ اَلرِّجالِ اَحَبُّ اِلی رَسوُلِ اللهِ مِن عَلّی وَلا مِنَ النِّساءِ اَحَبُّ اِلَیهِ مِن فاطِمَه؛ از مردان کسی نزد پیامبر محبوب تر از علی نبود و از زنان کسی را بیشتر از فاطمه دوست نمی داشت».(۱)

این حدیث به طور متواتر از شیعه و اهل سنت نقل شده که پیامبر اسلام درباره زهرا علیها السلام فرمود:

«فاطِمَهُ سَیدَهِ نِساءِ العالَمین؛ فاطمه بزرگ و بانوی زنان جهانیان است».(۲)

از نظر نزدیکی به حق تعالی نیز به مقامی رسید که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکرّر به او می فرمود: «یا فاطِمَه اِنَّ اللهَ لَیغضِبُ لِغَضَبِکَ وَ یرضی لِرِضاکَ؛ ا ی فاطمه به راستی خدای تعالی با خشم تو خشم می کند و با خشنودی تو، خشنود و راضی می شود».(۳)

شدت علاقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه به اندازه ای بود که بارها می فرمود: «فاطِمَه بَضعَهٌ مِنّی؛ فاطمه پاره تن من است».(۴)

و در برخی از آنهاست که در پی جمله بالا فرمود:

«وَ هِی قَلبِی الَّذی بَینَ جَنبَی؛ و او جان و دل من است که در سینه ام قرار دارد».(۵)

۱- فضائل الخمسه، ج ۱۰، صص ۱۶۷ _ ۱۸۲.
۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۱۰؛ احقاق الحق، ح۱۰، صص ۲۷ _ ۱۱۵. و در برخی از آنها «سَیدَهِ نِساءِ اَهلِ الجَنَّه» و «سَیدَهِ نِساءِ هذِهِ الاُمَّه» و «سَیدَهِ المُؤمِنین» ذکر شده و با مراجعه به دو کتاب به ویژه کتاب احقاق الحق به خوبی مشخص می شود که روایات بالا را اهل سنت به مراتب بیشتر از شیعه روایت کرده اند.
۳- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۹؛ ذخائر العقبی، ص۳۹؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۲۲؛ اصابه، ج۸، ص ۱۵۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۱؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۲۱۹؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۲.
۴- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۹۲؛ صحیح، ج ۲، ص۳۱۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج۳، ص ۱۵۸؛ حلیه الاولیاء، ج ۲، ص ۲۱۹ و ج ۸، ص۳۱۵؛ صواعق، ص ۱۰۷.
۵- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۴ و ۸۰.

یا اینکه فرمود:

«وَ هِی نورٌ عَینی و ثَمَرَهُ فُوادی؛ و او نور چشم و میوه دل من است».(۱)

و در بسیاری از آنهاست که فرمود:

«فَمَن اَغضَبَها فَقَد اَغضَبَنی؛ و هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده».(۲)

همچنین از روایات جالب درباره علاقه پیامبر به فاطمه این روایت است که مرحوم مجلسی در «بحارالانوار» از کتاب فضائل و روضه نقل کرده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه علی و فاطمه وارد شد وآن دو را دید که نشسته اند و آرد آسیاب می کنند پیامبر فرمود: کدامیک بیشتر خسته شده اید؟ علی علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دخترکم برخیز. فاطمه برخاست و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای او نشست و به آسیاب کردن مشغول شد و بدین ترتیب به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام کمک کرد.(۳)

حضرت زهرا علیها السلام تنها زن همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و پنجمین تن از خمسه طیبه علیهم السلام بود. پدر بزرگوارش پیوسته در جمع اصحاب، فضایل ملکوتی او را بیان می داشت. از جمله می فرمود:

«اِنَّ اللّه یغضِبُ لِغَضَبِ فاطِمَه وَ یرضی لِرِضاها؛ همانا خداوند برخشم فاطمه علیها السلام خشم می گیرد و با خشنودی او راضی می شود».(۴)

و می فرمود: «او سرور زنان عالم است».

ب) حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

ب) حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۴ و ۸۰.
۲- صحیح بخاری، ح ۳۴۳۷ _ ۳۴۸۳؛ نظم دررالسمطین، ص ۱۷۶؛ فتح الباری، ج۷، ص ۶۳؛ کنزالعمال، ج۶، ص ۲۲۰؛ فیض القدیر، ج۴، ص ۴۲۱؛ ینابیع الموده، ج۲، ص ۵۲.
۳- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۵۰.
۴- منتخب کنزالعمّال، ج۵، صص ۹۶ و ۹۷؛ مستدرک حاکم، ج۳، ص۱۵۳.

و از روایات ارجمند در این باره حدیثی است که ابن آشوب از قاضی ابومحمد کرخی از امام صادق علیه السلام از فاطمه علیه السلام روایت کرده که چون آیه شریفه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعَاءِ بَعْضِکُمْ»(۱) نازل شد و بدین وسیله دستور آمد که مسلمانان پیامبر را مانند افراد دیگر به نام نخوانند و «یا محمد» نگویند؛ بلکه او را با عنوان «یا رسول الله» و «یا ایها النبی» و امثال آن صدا بزنند، فاطمه گوید: من دیگر جرئت نکردم، او رابه عنوان «پدر جان» صدا زنم و چون خدمت او رسیدم. بر اساس دستور گفتم: «یا رسول الله» و یکی دوبار این جمله را تکرار کردم، دیدم پیامبر خدا از من روگردانده و در بار سوم رو به من کرده گفت:

«یا فاطِمَهُ اِنَّهالَم تَنزَل فیکَ وَ لا ـ فی اَهلَکَ وَلا فی نَسلِکَ، اَنتَ مِنّی وَ أَنَا مِنکَ، اِنَّما نَزَلَت فی اَهل الجَفاءِ وَالغِلظَهِ مِن قُرَیش، اَصحابُ البَدخِ وَالکِبرِ، قُولی: یا ابَه فَاِنَّها أحیی لِلقَلبِ وَاَرْضی لِلرَّبِ؛ ای فاطمه این آیه درباره تو و خاندان و نسل تو نازل نشده است؛ زیرا تو از من هستی و من از توأم، این آیه درباره جفاپیشگان و تندخویان قریش ـ آنها که فخرفروش و متکبر هستند ـ نازل شده، اما تو همان گونه مرا به عنوان «پدر» صدا بزن که آن نام دلم را بهتر زنده می کند و بیشتر پروردگار خشنود و رضایت می شود».(۲)

به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله اهتمام زیادی به تربیت جسمی و روحی فاطمه داشت واز هر فرصتی برای این کار استفاده می کرد.

ابن شهر آشوب از «تفسیر ثعلبی» و «تفسیر قشیری» از امام صادق علیه السلام و جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه را

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۳.

۲- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۳، ص ۳۲۰.

دید که جامه ا ی پشمین از نمد شتر بر تن دارد و با دست خود دستاس می کند و در همان حال بچه اش را نیز شیر می دهد، اشک از دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری شد و به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم! مرارت و تلخی دنیا را برای رسیدن به حلاوت و شیرینی نعمت های آخرت برخود هموار کن.

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ گفت:

«یا رَسُولَ اللهِ اَلحَمدِللهِ عَلی نَعمائِهِ وَ الشُّکرُللهِ عَلی آلائِهِ».(۱)

این معنای تسلیم و رضا در برابر تقدیرهای الهی و اسلام واقعی است و این رمز آن همه عظمت و سر آن همه محبت هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دخترش فاطمه مبذول می داشت و معنای «ام ابیها»، «بضعه رسول الله» و «سیده نساء العالمین» است.

افزون بر این اهمیتی را که فاطمه علیها السلام به تربیت جسمی فرزند خود می داده، به خوبی معلوم می شود. ایشان با وجود تمام مشکلات و تنگدستی، فرزندش را خود شیر می دهد و آن را به دیگری واگذار نمی کند، یا از وجود شیرها و غذای دیگر استفاده نمی کند و نمی خواهد از این راه آسیبی به تغذیه کامل فرزندش وارد شود.(۲)

در روایات بسیاری که صدوق رحمه الله و دیگران روایت کرده اند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اِذا کانَ یومُ القِیامَهِ نادی مُنادٍ یا مَعشَرَ الخَلائِق غُضُّوا اَبصارَکُم حَتّی تَجوزَ فاطِمَهَ بِنتَ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله ؛ همین که روز قیامت کسی فریاد می زند: ا ی گروه مردم! دیدگان خود را ببندید تا فاطمه از صحرای محشر بگذرد، و فاطمه در حالی که دو جامه قرمز برتن

۱- مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۳، ص۳۴۲.

۲- زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، صص ۱۰۷ _ ۱۰۹.

دارد از صحرای محشر عبور می کند».(۱)

ج) از منظر معصومان، اصحاب و علما

اشاره

ج) از منظر معصومان، اصحاب و علما

زیر فصل ها

یک ـ حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

دو ـ از منظر همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

سه ـ از منظر صحابه

یک ـ حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

یک ـ حضرت زهرا علیها السلام در بیان معصومان علیهم السلام

صالح بن سهل همدانی می گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰ سوره نور، چنین فرمود:

خدا نور آسمان ها و زمین است، حکایت نور او، چون نور فانوسی است.» آن فانوس حضرت فاطمه علیها السلام است «که در آن فانوس چراغی است»؛ آن چراغ حسن علیه السلام است. «چراغ در آبگینه است»؛ آبگینه حسین علیه السلام است. «آبگینه مانند اختر درخشانی است»، آن اختر درخشان، فاطمه علیها السلام است. در میان زنان جهان «از درخت پربرکتی برافروزد»، آن درخت حضرت ابراهیم علیه السلام است. «درخت زیتونی است نه خاوری و نه باختری»؛ نه یهودی و نه نصرانی «که نزدیک است روغنش برافروزد». نزدیک است علم از آن بجوشد؛ «اگرچه آتشی به او نرسد، نوری است روی نور». از فاطمه علیها السلام امامی پس از امامی آید. «خدا هر که را خواهد به نور خود رهبری کند و هر که را خدا خواهد به امامان رهبری کند.» «و خدا برای مردم مثل ها می زند».(۲)

همدانی می گوید:

عرض کردم: تأویل این کلمات را بفرمایید: «یا مانند تاریکی ها» فرمود: اولی و رفیقش باشند. «موجی او را فراگرفت» سومی است، روی آن موجی بود. «اینها ظلماتی است» آن موج دومی است «که

۱- عیون الاخبار، ج ۲، ص۲۲؛ عطاردی، مسند فاطمه الزهرا، ۳۰۷.

۲- اصول کافی، ج ۱، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

برخی ز برخی متراکمند» معاویه (لعن [الله]) و فتنه های بنی امیه است. «چون کسی دستش را بیرون کند، نزدیک نیست که آن را ببیند»، حال مؤمن است در تاریکی فتنه بنی امیه (فجایع بنی امیه بر مؤمنان احاطه کند و آنها را سرگردان نماید) «و کسی که خدا برای او نوری مقرر نفرموده»؛ یعنی امامی از اولاد فاطمه علیها السلام ندارد. «هیچ نوری برای او نباشد» روز قیامت امامی نداشته باشد و درباره گفته خداوند در سوره حدید، آیه ۱۲(۱) فرمود: «روز قیامت ائمه مؤمنان از پیش رو و طرف راست مؤمنان می شتابند تا ایشان را به منازل اهل بهشت وارد سازند».(۲)

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از نامه هایشان فرموده است: «دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، فاطمه زهرا علیها السلام ، الگو و مقتدای من است».(۳)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «فاطمه بانوی بسیار راستگویی بود که او را به شهادت رسانده اند».(۴)

از حضرت عسکری آورده اند که فرمود:

«ما حجت خدا بر مردم هستیم و حضرت فاطمه علیها السلام حجت او بر ما است».(۵)

از امام باقر آورده اند که برای شفای خویش از بیماری، به حضرت فاطمه علیها السلام توسل جست تا آن حضرت شفای او را از بارگاه خدا بخواهد. او بر بستر بیماری به گونه ای با صدای رسا مادر گران مایه اش حضرت

۱- آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است.

۲- ۳ اصول کافی، ج۱، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۳- ۴ بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۸۰.

۴- ۵ اصول کافی، ج۳، ص۳۴۳.

۵- اطیب البیان، ج۱۳، ص۲۳۵.

فـاطمه علیهـا السـلام را صـدا می زنـد که صـدایش به خانه می رسـید و می فرمود: ا ی فاطمه، ا ی دخت گران قـدر پیامبر! «یا فاطمه بنتُ محمد! حتی یسمع صوته عند باب الدّار».(۱)

ای فاطمه! همانا خداوند متعال، تو را بر گزید و پاکت ساخت و تو را بر همه زنان هر دو جهان برتری داد.

ای فاطمه! برای پروردگارت قنوت کرده و سجده نما و به همراه رکوع کنندگان رکوع کن.

پس حضـرت فاطمه علیها السـلام با ایشان حرف می زد و ایشان با حضـرت فاطمه علیها السـلام سـخن می گفتند تا اینکه شبی حضـرت خطـاب به ملائکه فرمود: مگر حضـرت مریم دختر عمران، برترین زنان عالم نبود؟ (همچنان که در کتاب خـدا آمـده است، پس چگونه مرا به سیده زنان عالم می خوانید؟)

ملائـکه در جواب عرض کردنـد: «(ای فـاطمه!) همانـا مریم علیهـا السـلام (فقط) سـیده زنان روزگار خودش بود، در حالی که خداونـد متعـال شـما را سـیده زنـان عصـر او و عصـر خودتـان و بلکه سـیده همه زنـان عالم از اول خلقت تا آخر آن قرار داده است».(۲)

امام صادق علیه السـلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی [آن گاه که فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج کرد] یک چهارم دنیا را مهریه ایشان قرار داد. پس یک چهارم دنیا مال حضـرت فاطمه علیها السـلام است. [همچنین خداوند متعال] بهشت و جهنم را مهریه ایشان مقرر فرمود و آن حضرت [که بهشت و دوزخ از آنِ ایشان است، شخصاً] دشمنان خود را داخل جهنم کرده و دوستانش را وارد

۱- بحارالانوار، ج۴۶، ص۲۱۵.

۲- ۸ دلائل الامامه، ص۱۰؛ علل الشرایع، ج۱، ص۱۸۲، ح۱.

بهشت خواهد کرد.

و همانا حضرت فاطمه علیها السلام بزرگ ترین صدیقان بوده و پایه و اساس هستی بر پایه معرفت آن حضرت بنا نهاده شده است.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من بشری هستم همانند شما که از بین شما زن می گیرم و به شما نیز زن می دهم، مگر دخترم فاطمه علیها السلام را که امر ازدواج وی از آسمان نازل شده است».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر خداوند متعال فاطمه علیها السلام را برای حضرت علی علیه السلام خلق نکرده بود، هیچ کفو و مانندی برای علی روی زمین یافت نمی شد؛ چه از آدم و چه از غیر آدم».(۳)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا مصحفی است، نزد ما به نام مصحف فاطمه علیها السلام و مردم چه می دانند که مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟

راوی که ابوبصیر نام دارد، می گوید: عرض کردم: [یا بن رسول الله!] چیست مصحف فاطمه علیها السلام ؟

امام فرمود: «کتابی است که در آن آیاتی مانند آیات قرآن وجود دارد (حضرت این عبارت را سه بار فرمود)، ولی به خدا سوگند آنچه از قرآن شما در آن وجود دارد، یک حرف آن نمی شود و این مصحف از سوی خداوند متعال بر حضرت زهرا علیها السلام املا و نازل شده است.(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که پس از من به

۱- ۹ امالی (طوسی)، ص۶۶۸؛ بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۰۵.

۲- ۱۰ الفقیه، ج۳، ص۳۹۳، ح۴۳۸۲؛ مکارم الاخلاق، ص۲۰۴؛ الکافی، ج۵، ص۵۶۸، ح۵۴.

۳- ۱۱.امالی (صدوق)، ص۵۹۲؛ وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۷۴، ح۲۵۰۶۷.

۴- ۱۲ الکافی، ج۱، ص۲۳۸، ح۱.

دخترم فاطمه علیها السلام ظلم کند و حق او را غصب نماید و او را شهید گرداند.(۱)

راوی می گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا نماز در خانه حضرت فاطمه علیها السلام افضل است یا در روضه (خانه خداوند)؟ فرمود: در بیت فاطمه علیها السلام .(۲)

دو _ از منظر همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

دو _ از منظر همسران رسول الله صلی الله علیه و آله

حضرت ام سلمه علیها السلام که همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و از محبت فراوان آن حضرت بهره یافته بود به خاندانش درباره حضرت زهرا علیها السلام [که گویا درباره احتجاج ایشان است] چنین گفت:

آیا درباره فردی چون فاطمه علیها السلام چنین سخنانی می توان گفت؟ او که حوریه ا ی است در سیمای بشر و پرورش یافته در دامان مادران پیامبران؟ او که (هنگام تولد) ملائکه او را دربرگرفتند و میان خاندانی پاک و مطهر مراحل رشد و کمال را پیمود؟ آیا گمان می برید رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه را از میراث محروم کرده و او را آگاه نساخته است، به نحوی که بیاید و طلب ارث نماید؟ نه، او که برترین زن عالم است، مادر سروران جوانان بهشت است، با مریم دختر عمران برابری می کند. همسر شیر بیشه شجاعت است و نبوت به پدرش ختم یافته است، هرگز چنین نتواند باشد. به خدا قسم، پدرش چنان به او محبت داشت که حاضر نبود خاری به پای او برود، دست راست را بالش او می ساخت و دست چپ را سایبان او می گرداند. هنوز رسول خدا صلی الله علیه و آله در منظر و مرآی شماست. با دختر او چنین می کنید، آه به اینکه مدت زمانی هم بگذرد. وای بر شما! زود است که نزد خدا وارد شوید و

۱- ۱۳ کنزالفوائد، ج۱، ص۲۲۵.

۲- ۱۴ التهذیب، ج۶، ص۸ ح۹.

ثمره تلخ کردار خود را بچشید. آیا فراموش کردید... . این سخن او را که: من در میان شما دو چیز گران قدر باقی می گذارم؟ چه زود از طریق شرع خارج گشتید و چه زود پیمان خود را شکستید!(۱)

ام سلمه به سبب این پاسداری از حریم حضرت زهرا علیها السلام یک سال از مقرری بیت المال محروم گشت.(۲)

از ام سلمه روایت است که می فرماید: «حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در شکل و شمایل، شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود».(۳)

ابوجعفر طوسی به اسناد خود از عایشه بنت ابی بکر (همسر رسول گرامی اسلام) نقل کرده است: «حضرت فاطمه علیها السلام داشت می آمد، به خدایی که جز او خدایی نیست، دیدم راه رفتن او مانند راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر وقتی که او را دید دو مرتبه فرمود: مرحبا دخترم! حضرت فاطمه علیها السلام می گوید: پدرم فرمود: آیا راضی نیستی که روز قیامت فرارسد، درحالی که تو بانوی زنان جهان یا زنان این امت باشی؟»(۴)

نیشابوری در «صحیح» خود به نقل از مسروق و او از عایشه نقل کرده است: «زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله همه جمع بودند و هیچ یک از آنها باقی نمانده بود که حضرت فاطمه علیها السلام داشت می آمد، راه رفتنش گویی راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم خوش آمدی». پس او را سمت راست یا در سمت چپ خود نشاند. سپس سخنی کنار گوش او گفت که فاطمه

۱- التهذیب، ج۶، ص۸، ح۹.

۲- مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، ص۳۶۳.

۳- ۳ کشف الغمه، ج ۱، صص ۴۶۳ _ ۴۷۱.

۴- ۴ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶.

گریست و پس از آن راز دیگری را به او گفت و فاطمه خندید! این بود که از وی پرسیدم: چه باعث شد که شما گریه کردید؟ فرمود: نمی توانم رازی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است، فاش کنم. با خود گفتم: هیچ گاه مثل امروز ندیده بودم که شادی و غم این قدر نزدیک باشند. پس به حضرت فاطمه علیها السلام گفتم: موقعی که گریستی رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها با تو حرفی زد که با ما نزد. آن گاه تو گریستی. پرسیدم که به شما چه گفت؟

باز هم گفت: من نمی توانم راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را فاش کنم.

تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله درگذشت. از حضرت فاطمه علیها السلام جریان را پرسیدم. فرمود: پدرم به من گفت: جبرئیل سالی یک مرتبه قرآن را به من عرضه می کرد، ولی امسال دوبار عرضه کرد و چیزی را بر من ننمود جز فرارسیدن اجلم و تو نخستین کسی هستی که از خاندانم به من ملحق می شوی و نیکو پیشروی هستم من برای تو. ازاین رو، من گریستم. سپس به من فرمود: آیا تو نمی پسندی که بانوی زنان باایمان یا سرور زنان این امت باشی؟ بدین جهت من خندیدم».(۱)

حاکم به نقل از عایشه گفته است: «هرگاه از حضرت فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد می کرد می گفت: من کسی را راستگوتر از حضرت زهرا علیها السلام ندیده ام مگر کسی که از او به دنیا آمده است».(۲)

مرحوم ابن شهرآشوب و دیگران به سندهای مختلف از بریده و عایشه و راویان دیگر روایت کرده اند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «کدام یک از زنان نزد شما محبوب ترند؟ فرمود: فاطمه، پرسیدند: از مردان؟ فرمود: شوهر

۱- ۵ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۵.

۲- ۶ مستدرک صحیحین، ج ۳، صص ۱۵۴ _ ۱۶۰.

فاطمه».(۱)

در روایـات زیـاد دیگری که علمـای اهل سـنت روایت کرده انـد از خود عایشه پرسـیدند: محبوب ترین مردم (یا محبوب ترین زنان) نزد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله که بود؟ پاسخ داد: فاطمه و روایات در این باره از اهل سـنت، به تنهایی بیش از حدّ تواتر است.(۲)

سه _ از منظر صحابه

سه _ از منظر صحابه

در احوال فاطمه اطهر می خوانیم که می گویند:

آیه «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِـدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَـبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ»(۳) بر پیامبر نازل شد. ایشان با شـنیدن این آیه سخت گریست و اصـحاب نیز که در محضـر او بودند، کمی گریان شدند و نمی دانسـتند چه مطلبی بر آن حضـرت نازل شده که این اندازه گریه می کند و هیچ یک از اصحاب نیز قادر نبود با او سخن بگوید.

از آنجایی که پیامبر صـلی الله علیه و آله هر وقت فاطمه علیه السـلام را می دیـد، خوشـحال و مسـرور می شد یکی از اصـحاب برخاست و به سـراغ فاطمه رفت تا او را نزد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بیاورد و بـدین وسـیله جلوی گریه آن حضـرت را بگیرند و بتوانند سبب گریه او را بپرسند.

زمانی که آن مرد صـحابی به خانه فاطمه آمد، دید او مشـغول آرد کردن جو است و افزون بر اینکه دستاس را می گرداند این آیه را می خواند: «وَمَا

۱- ۷ صحیح ترمذی، ج۲، ص۳۱۹؛ مستدرک، ج۳، ص۱۵۵؛ استیعاب، ج۲، ص۷۵۱.

۲- ۸ نک: فضائل الخمسه، ج۲، ص ۱۸۵.

۳- ۱. حجر: ۴۳ و ۴۴؛ به نقل از: کافی، ج۴، ص ۳۳۴.

عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ وَأَبْقَی».(۱)

مرد صحابی به فاطمه سلام کرد و جریان گریه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اصحاب را برای او نقل کرد. آن گاه فاطمه برخاست که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بیاید، سلمان دید فاطمه جامه ا ی پشمین (یا چادری پشمین) به خود پیچیده که دوازده جای آن با لیف خرما وصله خورده بود و چون آن منظره را دید، گریست و با کمال اندوه گفت: چقدر اندوهناک است این منظره که دختران قیصر و کسری در جامه های دیبا و حریر به سر می برند، ولی دختر محمد پوششی مویین و کهنه به خود پیچیده که دوازده جای آن با لیف خرما دوخته شده... .(۲)

آری فاطمه هم گاهی دست از کار خانه می کشید و بیرون می رفت، اما برای چه کاری و با چه لباس و هیئتی؟!

لباس و هیئت فاطمه بیننده را متأثر می کرد و به یاد خدا و روز جزا می انداخت و بیرون رفتن او برای رفع اندوه پیامبر و مسلمانان بود؟! نه فقط افراد معمولی با دیدن جامه فاطمه گریان می شدند؛ بلکه خود پیامبر نیز گاهی با دیدن لباس ساده زهرا گریان می شد.(۳)

از «بحارالانوار» روایت می کند که سلمان فارسی گفت: «فاطمه علیه السلام را دیدم که نشسته بود و پیش روی او آسیابی بود که جو را با آن دستاس می کرد و بر دسته دستاس خون تازه دیدم (که بر اثر ساییده شدن و زخم دست فاطمه بود) و از آن سو فرزندش حسین علیه السلام را دیدم که در گوشه خانه

۱- قصص: ۶۰.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص۸۸..

۳- بحارالانوار، ج۴۳، ص۸۸. به نقل از: زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، صص ۱۱۰ _ ۱۱۱.

از گرسنگی گریه می کند. دلم به حال زهرا علیها السلام سوخت و به او عرض کردم: ا ی دختر پیامبر این فضه است؛ چرا کار خانه را به او واگذار نمی کنی؟ در جواب من فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش کرده که کارها را با او روی نوبت انجام دهیم و امروز نوبت من است و فردا نوبت اوست.

سلمان گفت: من عرض کردم پس اجازه دهید من به شما کمک کنم و جو را دستاس کنم یا حسین را ساکت نمایم؟ زهرا علیها السلام فرمود: من بهتر می توانم حسین ر ا آرام کنم؛ پس تو جو را دستاس کن. من مشغول دستاس کردن جو شدم و در آن حال صدای مؤذن برخاست و وقت نماز شد. من برخاستم و به نماز رفتم و چون نماز تمام شد. ماجرا را به علی علیه السلام گفتم، علی گریان شد و به خانه رفت و طولی نکشید که تبسم کنان بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ماجرا را از او پرسید و علی علیه السلام گفت: به خانه رفتم. زهرا علیه السلام را دیدم به پشت خوابیده و حسین روی سینه او به خواب رفته است و دستاس نیز خود به خود می چرخد! پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم کرد و فرمود: ا ی علی، مگر نمی دانی که خدای تعالی فرشتگانی دارد و آنها در زمین گردش می کنند تا خدمتکاری محمد و آل محمد را بکنند.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.

فصل سوم: رفتار شناسی حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

فصل سوم: رفتار شناسی حضرت فاطمه علیها السلام

عملکرد حضرت زهرا علیها السلام در طول زندگی کوتاهش، چنان شگفت انگیز است که جهانیان صدها سال به آن توجه کردند و صدها و شاید هزاران سال دیگر نیز تحلیل و بررسی خواهد شد. در این بخش حیات فاطمی را در رفتارهای زیر بیان و به علاقه مندان رفتارهای ملکوتی و آسمانی و مشتاقان حیات طیبه تقدیم می کنیم.

۱. رفتارشناسی اعتقادی و عبادی

اشاره

۱. رفتارشناسی اعتقادی و عبادی

زیر فصل ها

الف) نماز و عبادات

ب) ولایت مداری و اعجاز فاطمی

ج) توکل و توسل فاطمه علیها السلام

نتیجه گیری رفتار شناسی اعتقادی

الف) نماز و عبادات

الف) نماز و عبادات

نماز واژه ا ی فارسی است و به جای کلمه عربی «صلوه» به کار رفته است و آن ادای فریضه عبادی رکوع و سجود در برابر پروردگار است، اما به دلیل گوناگونی تبلیغی آن در قرون و اعصار به منزله ادای تکلیف، برای هر مسلمان معنا و مفهوم خاصی پیدا کرده است. در صورتی که حقیقت نماز نزد اولیا و معصومان علیهم السلام مقام قرب الهی و شهود و غیب است. نماز مقام تشرف و نزدیک ترین و عارفانه ترین لحظه حضور در محضر مدام پروردگار است. روایات بسیاری درباره کیفیت نماز معصومان علیهم السلام در کتاب ها آمده، به ویژه، نمازهای حضرت زهرا علیها السلام که نماز مستحبی ایشان میان شیعیان مشهود و معروف است. حال اگر بخواهیم «الگو» بودن ایشان در عبادت را بشناسیم، باید به احادیث و روایات گفته

شده درباره تهجد و تعبد ایشان بپردازیم [؛

البته به منظور تلخیص موضوعات اعتقادی و عبادی مختلف و محور نبودن آنها، مجموعه عبادات ایشان را تنها در مبحث «نماز» گنجانده ایم؛ تا مصداق یک نکته از هزاران معنی باشد].

حضرت فاطمه اطهر علیها السلام از هر دو جهت عابدترین و پارساترین زنان عالم است و با تمام مشاغل و گرفتاری هایی که در داخل و خارج خانه داشت؛ افزون بر واجبات، نافله ها و مستحبات را نیز انجام می داد که گوشه هایی از آن در تاریخ و روایات ثبت شده است. شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «علل الشرایع» از امام حسن علیه السلام روایت کرده که فرمود: «رَأَیْتُ أُمِّی فَاطِمَهَ علیها السلام قَامَتْ فِی مِحْرَابِهَا لَیْلَهَ جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاکِعَهً سَاجِدَهً حَتَّی اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّیهِمْ وَ تُکْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَیْءٍ. فَقُلْتُ لَهَا: یَا أُمَّاهْ ! لِمَ لَا تَدْعُونَّ لِنَفْسِکِ کَمَا تَدْعُونَّ لِغَیْرِکِ؟ فَقَالَتْ: یَا بُنَیَّ! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ مادرم فاطمه را در شب جمعه ای دیدم که در محرابش ایستاده بود و پیوسته در حال رکوع و سجده بود تا اینکه روشنایی صبح نمایان شد و از او شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و اسم آنان را می برد و برایشان زیاد دعا می کرد ولی برای خویش چیزی نمی خواست، پس به او گفتم: مادرم چرا آن گونه که برای دیگران دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ و او گفت پسرم اول همسایه بعد خانه!».(۱)

حسن بصری یکی از بزرگان اهل سنت درباره عبادت فاطمه می گوید: «مَا کَانَ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَهَ کَانَتْ تَقُومُ حَتَّی تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛ در بین این مردم کسی عابدتر از فاطمه نیست آن قدر در نماز می ایستاد که قدم هایش ورم می کرد».(۲)

به راستی چنین بانوی بزرگواری شایستگی آن را دارد که چون به عبادت

۱- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۳؛ دلائل الامامه، ص ۵۶.

۲- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۳۴۱.

حق می ایستد، به دلیل دلدادگی و توجه کاملی که در عبادت دارد، شعاع نور او فرشتگان آسمان را خیره کند و خدای تعالی خلوص او را در عبادت به رخ فرشتگان فرمانبردار کشد، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «مَتَی قَامَت فِی مِحرابِها...»(۱) [هرگاه در محراب عبادت به پیشگاه پروردگار خود می ایستد، نور او برای فرشتگان آسمان می تابد؛ همانند ستارگان که برای اهل زمین می درخشد و خدای عزوجل آن گاه به فرشتگان خود می فرماید: فاطمه بانوی همه زنان جهان را بنگرید، چگونه در پیشگاه من به عبادت ایستاده و بندبند بدنش از خوف من می لرزد! و چگونه از دل و جان به عبادت و پرستش من رو آورده (و غرق در عبادت من گشته)...].

یا در حدیث دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله به سلمان می فرماید: «یا سَلْمَانُ إِنَّ ابْنَتِی فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَاناً...؛ ای سلمان، خدای تعالی چنان دل و جان و تمام اعضا و جوارح دخترم فاطمه را به ایمان پرکرده که یکسره برای عبادت و فرمانبرداری حق تعالی، خود را از همه چیز فارغ ساخته...».(۲) هنگام عبادت چنان غرق در عظمت حق می گشت و از خود بی خود می شد که از فکر عزیزان و فرزندان خود نیز با وجود علاقه ا ی که به آنها داشت، بیرون می رفت و مطابق روایتی که پیش از این گذشت خدای تعالی فرشتگان را می فرستاد تا گهواره کودك او را حرکت دهند.(۳)

ب) ولایت مداری و اعجاز فاطمی

ب) ولایت مداری و اعجاز فاطمی

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۷۲.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۸۶.

۳- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۳، ص ۳۳۷؛ به نقل از: زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

اگر به ولایت به صورت عام نگاه کنیم؛ ولایت انواع و اقسام دارد مانند ولایت پدر و مادر بر فرزندان، همسر به همسر، حکام و امرا به امت، استاد بر شاگرد و...، اما ولایت خاص ویژه اولیاءالله است و آن اختیارات ماورایی است که خداوند به معصومان داده است و به معنای «ولایت مطلقه» است. رفتارهایی که خارج از درک عموم مردم است و برخی به شکل معجزه و بعضی به شکل آیات کشف و شهود معرفی می شود. حضرت زهرا علیها السلام نیز در حیات مادی و معنوی خود معجزاتی بروز داده و می دهد و بیشتر اصحاب و پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام این معجزه ها و عجایب را در منزل و رفتار و گفتار ایشان مشاهده و روایت کرده اند که برخی از آنها را در این بخش برگزیده ایم؛ البته اعتقاد شیعیان مذهب جعفری (فقه امامیه) به ولایت ایشان تنها به نکات فوق ختم نمی شود؛ بلکه به همان اندازه که موضوع ولایت در معصومان دیگر ویژگی دارد، شامل شأن و منزلت حضرت زهرا علیها السلام نیز می شود؛ زیرا ایشان در همه امور ولایی صاحب حق هستند، جز «امامت» که ویژه ائمه معصوم علیهم السلام است. آنها نیز در بیشتر روایات و به حقیقت ولایت فاطمی ایشان اعتقاد کامل داشته اند.

به چند روایت که به ولایت ایشان اشاره دارند؛ توجه می کنیم:

۱. ابوجعفر طبری به نقل از محمد بن علی بن حسین بن علی، می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حاجتی، سلمان را به منزل حضرت فاطمه علیها السلام فرستاد.

سلمان می گوید: پشت در منزل اندکی ایستادم تا سلام بدهم، شنیدم که حضرت فاطمه علیها السلام قرآن را از حفظ تلاوت می کرد، درحالی که آسیاب خود به خود می چرخید و هیچ کس به همراه آن حضرت نبود. خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشتم و عرض کردم: یا رسول خدا صلی الله علیه و آله ! کار شگفتی را دیدم.

فرمود: چه بود سلمان؟ حرف بزن! آنچه را دیدی و آنچه را شنیدی بگو. گفتم: در منزل دخترتان ایستادم و سلام دادم، شنیدم فاطمه از حفظ قرآن را تلاوت می فرمود و آسیاب خود به خود می چرخید در حالی که همدمی نزد ایشان نبود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله لبخندی زد و فرمود: «سلمان، خداوند تمام دل و سرتاسر اعضا و جوارح دخترم فاطمه را پر از ایمان کرده و او تمام اوقات به طاعت خدا مشغول است. ازاین رو، خداوند فرشته ا ی به نام روفائیل ــ و در روایت دیگر به نام رحمت ــ را برانگیخته است؛ برای او آسیاب را می گرداند و خدای تعالی زحمت دنیوی او را با وسیله موجود باایمان اخروی کفایت کرده است.(۱)

۲. ذازان و او از سلمان نقل کرده است که می گوید: روزی به خانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدم، دیدم او خوابیده و خود را به عبایی پیچیده است. پس چشمم به دیگی افتاد که در مقابل او نهاده شده بود و بدون آتش می جوشید. با شتاب خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشتم. همین که مرا دید خندید و سپس فرمود: یا اباعبدالله! آنچه از حال دخترم فاطمه دیدی، تو را به شگفت آورد؟ عرض کردم: آری یا رسول الله!

آن گاه فرمود: از کار خدا تعجب می کنی؟ همانا خدای تبارک و تعالی از ناتوانی دخترم فاطمه آگاه بود پس او را به وسیله افرادی از فرشتگان مادام العمر یاری فرمود.(۲)

۳. ابن شهر آشوب به اسناد خود از ابوعلی صولی در «اخبار فاطمه» و

۱- دلائل الامامه، ص ۴۸.

۲- الثّاقب، ص۱۲۳.

ابوالسعادات در «فضائل العشره» از ابوذر غفاری نقل کرده که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا فرستاد تا علی را دعوت کنم پس به خانه او رفتم و صدا زدم، جوابم را نداد، آمدم به پیامبر گفتم. فرمود: دوباره برگرد که او در خانه است، آمدم و وارد خانه شدم، دیدم آسیاب می گردد؛ ولی کسی کنار آن نیست. به علی علیه السلام گفتم: پیامبر شما را می طلبد. علی هراسان از خانه بیرون شد. خدمت پیامبر آمد. من آنچه دیده بودم به عرض پیامبر رساندم و فرمود: ابوذر، تعجب نکن؛ زیرا خداوند فرشتگانی دارد که روی زمین می گردند و عهده دار کمک رسانی به خاندان محمدند.(۱)

۴. ابن شهر آشوب به اسناد خود از ابوالحسن بصری و ابن اسحاق و از عمار و میمونه نقل کرده است که هر دوی آنها گفتند: ما فاطمه را دیدیم که خوابیده و آسیاب خود به خود می گردید و به رسول خدا صلی الله علیه و آله جریان را گفتیم. فرمود: خدای تعالی از ناتوانی کنیزش (فاطمه علیها السلام) آگاه بود، ازاین رو، به آسیاب وحی فرمود که بگردد؛ آن نیز می گردد.(۲)

در «بحارالانوار» آمده است که یهودیان عروسی داشتند، خدمت رسول خدا رسیدند و عرض کردند ما حق همسایگی داریم. از شما تقاضا می کنیم که به دخترتان حضرت فاطمه علیها السلام اجازه دهید که به خانه ما بیاید تا بر شکوه عروسی ما بیفزاید و اصرار زیادی کردند پیامبر فرمود: او همسر علی بن ابی طالب است و خودش در مکه است. از پیامبر درخواست کردند که در این مورد خودشان نزد علی علیه السلام واسطه شود. یهودیان مقدار زیادی از زر و زیور خودشان را فراهم کرده بودند و به گمانشان فاطمه وارد بزم آنها می شود و

۱- مناقب، ج۲، صص ۹۸ و ۹۹.

۲- مناقب، ج۲، صص ۹۸ و ۹۹.

قصد اهانت به او را داشتند. جبرئیل علیه السلام نازل شد و جامه هایی از بهشت با زر و زیورهایی آورد که مانند آنها را ندیده بودند. پس حضرت فاطمه علیها السلام آنها را پوشید و به زیورها آراسته شد؛ به طوری که آن مردم از دیدن آن زینت ها و رنگ ها و بوی خوشش تعجب کردند. همین که حضرت فاطمه علیها السلام به سرای یهودیان وارد شد، زنانشان به احترام او به سجده افتادند و در مقابل او زمین را می بوسیدند و بدان وسیله جمع زیادی از یهود مسلمان شدند.(۱)

ابن شهر آشوب نقل کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام چه بسا مشغول نماز و عبادتش بود و بچه اش می گریست؛ پس می دید که گهواره حرکت می کند. فرشته ا ی آن را به حرکت در می آورد.(۲)

۵. ابوجعفر طبری شیعی، از قول سلمان می گوید: روزی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون منزلم بودم. ناگاه حضرت علی علیه السلام را دیدم. فرمود: خوش آمدی سلمان! به منزل فاطمه علیها السلام برو که مشتاق دیدار شماست. برای او تحفه ا ی از بهشت آورده اند و می خواهد آن تحفه را به شما بدهد.

سلمان می گوید: من رفتم و در زدم و اجازه خواستم. حضرت فاطمه علیها السلام اذن ورود دادند. وارد شدم. دیدم در صحن منزل نشسته و عبایی بر سر دارند. فرمود: بنشین! من نشستم.

فرمود: دیشب داخل حجره با اندوه شدید نشسته بودم و بر مصیبت پیامبر می گریستم و ندبه می کردم و داشتم با دستم در حجره را می بستم که ناگهان در باز شد و سه حوری بر من وارد شدند که به زیبایی آنها و خوش سیمایی شان کسی را ندیده بودم. در حال ناشناسی آنها به استقبالشان

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صص۲۹ و ۳۰.

۲- مناقب الابرار، ج۲، ص۹۸.

رفتم و پرسیدم: شما کیستید؟ اهل مکه هستید یا مدینه؟

در پاسخ گفتند: نه از اهالی مکه هستیم و نه مدینه. ما از دارالسلام می آییم. پروردگار عالمیان ما را خدمت شما فرستاده؛ به شما سلام می رساند و شما را در مصیبت پدرتان تسلیت می گوید. پس من در مقابل آنها نشستم و با آنکه گمان کردم از همه بزرگ تر است. گفتم: اسم شما چیست؟

گفت: ذرّه. گفتم: چرا شما را ذرّه نامیده اند؟

گفت: چون خدای تعالی مرا برای ابوذر آفریده است.

از دیگری پرسیدم اسم شما چیست؟

گفت: مقداده. گفتم: چرا شما را مقداده نامیده اند؟

گفت: چون خدای تعالی مرا برای مقداد آفریده است و از سومی پرسیدم: اسم شما چیست؟

گفت: سلمی. گفتم: شما را برای چه سلمی نامیده اند؟

پاسخ داد: چون خدای تعالی مرا برای سلمان آفریده است و برای من هدیه ا ی از بهشت آورده بودند که مقداری از آن را برای شما پنهان کرده ام.

پس طبقی از خرمای سفید، سردتر از برف و خوشبوتر از مشک بیرون آورد و پنج خرما را به من داد و به من فرمود: آنها را در وقت افطار تناول کن. پس بیرون آمدم و راهی منزلم شدم. به خدا سوگند که بر هیچ گروهی از مردم گذر نکردم؛ مگر اینکه گفتند: سلمان، مشک و عنبر به همراه داری تا اینکه به منزل رسیدم.

همین که وقت افطار فرارسید، با آن خرماها افطار کردم. نه هسته ا ی در آنها دیدم و نه دانه ای. چون صبح شد، بامدادان به منزل فاطمه رفتم و جریان را گفتم. پس لبخندی زد و فرمود: از کجا دانه داشته باشد خرمایی را که

خداوند به خاطر دعاهایی آفریده است که آن دعاها را رسول خدا صلی الله علیه و آله به من آموخته بود. عرض کردم: بی بی جان، آن دعاها را به من بیاموزید. فرمود: اگر با خدا دیداری داشتی که از تو ناراضی نباشد، بر این دعا مواظبت کن.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، به نام خداوند نور، به نام خداوندی که به هر چیز بگوید: بشو! می شود. به نام خداوندی که یک چشم بر هم زدن و آنچه را در دل ها نهفته است، می داند. به نام خداوندی که نور را از نور آفرید. به نام خداوندی که به نیکی یاد می شود. به نام خداوندی که نور را بر کوه طور به مقدار تعیین شده در کتاب نوشته شده، بر پیامبر بزرگوار فرو فرستاد.(۱)

ج) توکل و توسل فاطمه علیها السلام

اشاره

ج) توکل و توسل فاطمه علیها السلام

و در «مناقب» ابن شهر آشوب آمده است:

إِنَّ فاطِمَهَ تَمَنَّت وکیلاً عِندَ غَزاوَهِ عَلِیٍّ.

فاطمه آرزوی وکیلی کرد، هنگام جهاد علی. این آیه مبارک نازل شد:

«رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا؛ پروردگار مشرق و مغرب، نیست خدایی؛ مگر او؛ پس او را برای خود وکیل بگیر».(۲)

نگرانی حضرت فاطمه علیها السلام در بیماری فرزندانش

نگرانی حضرت فاطمه علیها السلام در بیماری فرزندانش

وقتی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بیمار شدند، حضرت فاطمه علیها السلام آن دو بزرگوار را در آغوش گرفته بود و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و فرمود:

قالت: «اِنْ بُرِیءَ وَلَدایَ مِمّا بِهِما صُمْتُ لِلّهِ ثَلاثَهَ اَیّامٍ شُکْراً؛ اگر فرزندانم شفا

۱- دلائل الامامه، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- مزمل: ۹؛ به نقل از: ناسخ التواریخ، ج۲، ص ۳۴۶.

یابند، سه روز برای خدا جهت شکرگزاری روزه خواهم گرفت».(۱)

یکی از متدها و اصول حاکم بر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام دخالت دادن عوامل معنوی در شئونات زندگی مادی است. باورمندی حضرت به تأثیر عوامل معنوی و به کارگیری آنها در جای جای زندگی آن بانوی باکرامت جلوه ای دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.

الف) هنگامی که حسن و حسین علیهما السلام مریض شدند، حضرت زهرا علیها السلام برای شفای آنان از عامل معنوی نذر استفاده کرد.

ب) برای رفع خستگی از کار خانه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام تسبیحات معروف حضرت زهرا علیها السلام را تعلیم داد و آن حضرت هم پذیرفت.

ج) تقاضای دعا از پیامبر برای شفای فرزندان.

د) استفاده از تعویذات(۲) و دعاها برای حفظ فرزندان.

نتیجه گیری رفتار شناسی اعتقادی

نتیجه گیری رفتار شناسی اعتقادی

اگر به نماز حضرت زهرا علیها السلام در این فصل پرداخته شده است، نه به این دلیل بوده که حضرت فاطمه علیها السلام نماز می خواند. مگر بالاتر از نماز هم برای دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله ، عبادتی بوده است؟! منظور از نماز خواندن ایشان به عنوان یک الگو این است که «خواندن نماز» سبب کمال عقلانی و نفسانی انسان می شود و ریشه صدها «خیر» در انسان است. کسی که نماز می خواند، می کوشد متخلق به اخلاق پسندیده شود و از رفتارهای ناپسند پرهیز کند.

۱- نهج الحیاه، ح۸۶، ص ۱۵۸.

۲- ۲ تعویذات جمع تعویذ ــ به معنای دعاهایی است که بر کاغذ می نویسند و برای دفع چشم بد و رفع بلا با خود حمل می کنند.

گرچه حضرت زهرا علیها السلام یکی از معصومان و خیر محض است، وقتی صحبت الگو پیش می آید، کسانی که از ایشان پیروی می کنند؛ حقیقت نماز را همان گونه درک می کنند، که ایشان آن را درک کرده بود. اگر در بیشتر کتاب ها از «نماز» متعالی حضرت زهرا علیها السلام سخن به میان آمده، اهمیت نماز را می رساند که علاوه بر ارتباط با خالق هستی، نمازگزار را از هرگونه خطا و گناه حفظ می کند. نماز محور اصلی تمام فضایل اخلاقی و رفتارهای اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فردی حضرت زهرا علیها السلام است و چه الگویی برای زنان در عبادت، بهتر و برتر است از حضرت فاطمه علیها السلام که سیده زنان عالم است؟!

موضوع دیگر در فصل رفتارشناسی اعتقادی حضرت زهرا علیها السلام ، بحث «ولایت» است. با اینکه حضرت فاطمه علیها السلام مقام ولایت دارد، ولی تا لحظه ا ی که زنده بود، دست حمایت از ولایت نکشید. ولایتی که خود از اساس دین اسلام و یکی از دو رکن قرآن و عترت و میراث ماندگار رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

برخی فکر می کنند حمایت حضرت زهرا علیها السلام به منظور حمایت از شوهر خود، حضرت علی علیه السلام بوده، اما حقیقت مطلب در ذات «ولایت» است، نه در موارد خویشاوندی و مصلحت طلبی های معمول. آن روز که حضرت زهرا علیها السلام به موضوع ولایت و احقاق حق امامت می پرداخت و آن همه سختی را برای «احتجاج» تحمل می کرد؛ به دلیل شناخت موضوع «ولایت» بود، نه موضوعی دیگر.

اگر حضرت علی علیه السلام شوهر ایشان هم نبود، باز از امر ولایت دفاع می کرد؛ زیرا موضوع ولایت یکی از نصوص اعتقادی تشیع و از فروع دین

مبین اسلام است و قرآن نیز بر آن تأکید داشته است. خطبه ها، سخنرانی ها، گِله ها و شکوه های حضرت فاطمه علیها السلام ، فقط و فقط برای معرفی ولایت و ادامه راه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ نه موضوع ریاست، حکومت یا تحت سلطه قرار دادن امت اسلام. اهتمام حضرت زهرا علیها السلام برای معرفی ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام احساس وظیفه در حفظ اسلام و مسلمان بود؛ نه تصاحب قدرت و ثروت. ایشان می خواستند اسلام حقیقی در جامعه گسترش یابد، نه اسلام سلیقه ا ی یا اسلام سلاطین ایران و روم. همان اسلامی که متأسفانه تنها «پنج» سال حضرت علی علیه السلام حکمرانش بود و در طول همان پنج سال حقیقت دین اسلام برای بسیاری از مردم آشکار شد. نمونه و الگویی که حکومت ها پانزده قرن آنها را مطالعه کردند و عملکرد بسیاری از آنها را بررسی کردند هنوز هم به آن مبانی آرمانی دست نیافته اند. حکومت ولایی حضرت علی علیه السلام همان حکومت و ولایت مصداقی بود که حضرت زهرا علیها السلام درباره اش با مردم و غاصبان حکومت به احتجاج برخاسته بود. اکنون بعد از گذشت سالیان دراز دیگر بار جستارهای امروزی حکومت در جهان اسلام با مصداق «ولایت» مطرح می شود و همان مبانی پس از گذشت پانزده قرن، پلی از گذشته به آینده زده است، نه تنها آینده جهان اسلام که تمام جهان را در چتر حکومتی الهی و آرمانی، به نام «دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » قرار خواهد داد. ان شاءالله!

گرچه اسلام امریکایی ــ به تعبیر رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی رحمه الله ــ می کوشد چهره واقعی اسلام را با دو روش ۱. سکولاریستی: سهل و ممتنع ۲. سلفی ــ وهابی: خشن و متعصب، کاملاً تغییر دهد؛ اما سیره زندگی معصومانه بزرگانی همانند حضرت زهرا علیها السلام و شیوه اعتقادی مقدسش

می تواند در خنثی کردن توطئه ها و فتنه گری دشـمنان اسـلام حقیقی مؤثر باشد. موضوع نماز، ولایت، توکل، توسل و صدها آرایه دیگر اعتقادی در رفتارشناسـی حضـرت زهرا علیها السلام ، فقط ویژگی شخصی و خصوصی برای حضرت به شمار نمی آینـد؛ بلکه مصـداق عینی اسـلام و ولایـت، معصومیت و قـداست، حجیت و مهـدویت الگو و معیـاری برای تمام بشـر هسـتند. حضرت زهرا علیها السلام درمان دردهای کهنه بشر امروز، به ویژه «جامعه جهانی زنان» است.

۲. رفتارشناسی خانوادگی

اشاره

۲. رفتارشناسی خانوادگی

رفتارشناسی فاطمه علیها السلام در حریم خانواده را می توان از دو منظر بررسی کرد:

مقام همسری

اشاره

مقام همسری

زیر فصل ها

یک ــ ازدواج حضرت

دو ــ حاکمیت ارزش ها در ازدواج

سه ــ اصل مشارکت وتقسیم کار

چهار ــ قناعت و ساده زیستی

سوم ــ اصل ساده زیستی و زهد خانوادگی

پنج ــ اطاعت پذیری و مهرورزی

شش ــ تعهدات خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام

یک ــ ازدواج حضرت

یک ـ ازدواج حضرت

چون صحابه دانستند که فاطمه علیها السلام در چنان فضیلت و قداستی است که هیچ یک از دختران مدینه هم شأن او نیستند، بسیار مایل به پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و کسب افتخار همسری با انسیه حوراء و صدیقه کبری بودند، اما هیبت نبوت، آنان را از این مقصود باز می داشت؛ به ویژه پس از آنکه مشاهده کردند که هرکه به خواستگاری فاطمه علیها السلام می رفت، ناامید برمی گشت و از پیامبر صلی الله علیه و آله جواب می شنید که منتظر وحی است.(1)

افراد زیادی به خواستگاری زهرا علیها السلام می آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله همه را رد می کرد؛ تا بدانجا که حتی دربرخوردی موجب ناراحتی حضرتش شد: عبدالرحمان بن عوف در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله تقاضای همسری با

---

۱ - ۱ منتخب کنزالاعمال، ج۵، ص۹۹؛ سیره حلبی، ج۲، ص۲۱۷؛ الصواعق المحقره، ص۸۴؛ ذخائرالعقبی، ص۳۰؛ تاریخ الخمیس، ج۱، ص۴۰۷ .

فاطمه علیها السلام را کرد و گفت: مهر بسیار زیادی برای وی قرار خواهم داد. حضرت دست مبارکش را به طرف زمین برد و ریگ ها را برداشت. ریگ ها به درّ و مرجان تبدیل شد. پیامبر فرمود: «کسی که بر این کار قادر است، بسیاری مهر را اهمیت نمی دهد».(۱)

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان الهی را به این ازدواج دانست، دخترش زهرا علیها السلام را طلبید و امر خداوند را به او ابلاغ کرد و تمایل او را جویا شد. زهرا سکوت کرد. پیامبر بانگ زد: الله اکبر! سکوت او اقرار اوست. سپس از امیرمؤمنان، علی علیه السلام پرسید که چه مقدار می تواند مهر نماید. حضرت علی علیه السلام فرمود: دارایی من تنها زره، شمشیر، اسب و چهارپایی است که با آن آب می آورم. حبیب خدا، علی مرتضی را دستور داد که زره را بفروشد و بقیه را نگاه دارد.(۲) زره به پانصد درهم فروخته شد.(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب رفت و وحی الهی را به آنان رساند:

«اَیهَا النّاسُ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ أَتَزَوَّجُ فِیکُمْ وَ أُزَوِّجُکُمْ إِلَّا فَاطِمَهَ فَإِنَّ تَزْوِیجَهَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ هَـذَا جَبْرَئِیلُ یخْبِرُنِی عَنِ الله تَعالی اَنَّهُ اَشهَدَ مَلائِکَتَهُ عَلی اَنَّهُ زُوِّجَ فاطِمَهُ مِن عَلی و اَمَرنی اَن اُزَوَّجُهُما فی الاَرضِ و اَشهَدَکُم عَلی ذلِکَ؛ ای مردم، همانا من بشری

۱- مدینه المعاجز، ص۱۴۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص۳۳.

۲- گنجی شافعی، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص۱۶۶.

۳- دلائل الامامه، ص۳۵ روایت شده که قیمت آن چهارصد درهم بوده است. اما بر طبق اخبار، متقّن است که مقدار مهر بیش از پانصد درهم بود. بر این اساس، شارع مقدس در امر زنان و دختران این مقدار مهر را مشخص کرده است. این مهرالسُّنّه را ابن شهر آشوب در مناقب، ج۲، ص۴۰۸ و مجلسی در بحارالانوار، ص۳۳ روایت کرده اند. اما این روایت کافی که مهر فاطمه درآسمان یک پنجم زمین است. یا روایت مناقب که ثلث بهشت و چهاررود زمین را هم به آن افزوده اند، از ویژگی هایی است که خارج از ادراک ما بوده و عملش به اهل بیت: واگذارست. و کسی را نرسد که برآنها خدشه وارد آورد؛ چراکه خود فرموده اند: «اسرارآل محمد۹ صعب و دشوار است و کسی پذیرای آنها نتواند شد، مگر فرشته مقّرب یا پیامبر مرسل یا بنده ای که خدا قلب او را آزموده و ایمانی قوی به وی عطا فرموده باشد».

مانند شما هستم، در میان شما ازدواج می نمایم و زنان و دختران شما را به عقد مردانتان در می آورم؛ مگر فاطمه که امر ازدواج او از آسمان نازل شده است. این جبرئیل است که از جانب خدای تعالی برایم خبر آورده که او فرشتگانش راشاهد گرفته فاطمه را به عقد علی علیهما السلام درآورده است. مرا نیز فرمان داده که در زمین عقد ازدواج آنها را جاری سازم و شما را شاهد بر این می گیرم».(۱)

«اَیها النّاسُ، اِنَّ الاَنبیاءَ حُجَجُ اللهِ فی اَرضِهِ، النّاطِقونَ بِکِتابِهِ، العامِلونَ بِوَحیهِ. وانَّ اللهَ اَمَرَنی اَن اُزَوَّجَ فاطِمَهَ مِن عَلی بنِ اَبی طالِبٍ فَانَّ اللهَ قَدزَوَّجَهُ فِی السَّماءِ بِشَهادَهِ المَلائِکَهِ و اُشهِدُکُم انّی زَوَّجتُهُ مِن فاطِمَهَ؛ ای مردم، پیامبران حجت های خداوند روی زمین هستند، براساس کتاب او سخن می گویند و به وحی او عمل می کنند. همانا خداوند مرا امر کرده که فاطمه را به ازدواج علی بن ابی طالب علیهما السلام درآورم؛ زیرا خداوند درآسمان وی را به شهادت ملائکه به همسری علی درآورده است. حال من هم شما را شاهد می گیرم که او (علی) را به عقد ازدواج فاطمه درآوردم».(۲)

سپس رسول اکرم صلی الله علیه و آله رو به علی علیه السلام کرد و فرمود:

اَرَضیتَ یاعَلی؟

آیا راضی هستی ا ی علی؟

حضرت علی علیه السلام فرمود:

رَضیتُ عَنِ اللهِ وعَن رَسولِهِ.

از خدا و پیامبرش راضی و خشنودم.

حضرت ختمی مرتبت بیان داشت:

جَمَعَ اللهُ شَمْلَکُمَا وَ أَسْعَدَ جَدَّکُمَا وَ بَارَکَ عَلَیْکُمَا وَ أَخْرَجَ مِنْکُمَا کَثِیراً طَیِّباً.(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۲.

۲- مدینه المعاجر، ص ۱۴۷.

۳- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۷؛ حسن بن محمد دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۸.

خداوند به شـما انس و الفت دهد و زندگی تان را خوش و سـعادتمندانه کند و این ازدواج را بر شـما مبارک گرداند و از شما نسلی بسیار طیب و پاکیزه پدید آورد.

همچنین فرمود:

«إِنَّمَا يُرِيـدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ همانا خداونـد می خواهـد پلیدی را از شـما خاندان (پیامبر) بزداید و پاک و مطهرتان سازد».(۱)

سپس دستان را بلند کرد و فرمود:

«اَللّهُمَّ فَاجعَل عِترَتِی الهادِیهَ مِن عَلی وفاطِمَهَ؛ خدایا عترت هدایتگر مرا از نسل علی و فاطمه قرار ده».(۲)

اَللّهُمَّ اِنَّهُمـا اَحَبُّ الخَلقِ اِلَی فَاَحِبَّهُمـا وبـارِک فی ذُرِّیتِهِمـا وَاجعَل عَلَیهِما مِنکَ حافِظاً واِنّی اُعیـذُهُمابِکَ و ذُرِّیتهما مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم؛ خدایا این دو، محبوب ترین مردم نزد من هسـتند، پس تو نیز آنان را دوست بدار، در ذریه آنان برکت بیفزا و از جانب خود برایشان حافظ و نگاهبانی قرار ده. من برای این دو و نسل حاصل از آنان، از شر شیطان رجیم به تو پناه می برم».(۳)

«اَللّهُمَّ وَاِنَّ فـاطِمَهَ ابنَتی اَحَبَ الخَلقِ اِلَی واِنَّ عَلیـاً اَحَبُّ الخَلقِ اِلَی، اَللّهُمَّ اجعَلهُ لَـکَ وَلیـاً وبِـکَ حَفیاً وبارِک لَهَ فی اَهلِهِ؛ خـدایا فاطمه علیها السـلام دخترم می باشـد و محبوب ترین خلق نزد من است و علی علیه السـلام نیز محبوب ترین آفریـدگان نزد من است. خدایا او را ولی خود قرار ده و شفیق (راه دین) خویش بگردان و برخاندانش برکت فروبار».(۴)

۱- احزاب: ۳۳.

۲- دلائل الامامه، ص۲۳.

۳- مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۲، ص۱۱۱.

۴- مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

در روایتی آمده است: در این جریانات بود که جبرئیل با سنبل و شاخه ا ی از گل میخک بهشتی فرود آمد و آنها را از جانب خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله هدیه داد. سپس امر خداوند را به حضرش ابلاغ کرد که فاطمه علیها السلام را با پانصد درهم مهر ــ که سنت امت گردد ــ به عقد امیرمؤمنان، علی علیه السلام درآورد. جبرئیل ادامه داد که خدای تعالی فرمود: اما مهری که من برای او قرار داده ام: یک پنجم دنیا، ثلث بهشت و چهار رود فرات و دجله و نیل و بلخ است. او همچنین حبیب الله را آگاه ساخت که از نسل او یازده امام پدید خواهند آمد که هدایتگر دوران خود خواهند بود.(۱)

در حدیث آمده که: در طلایه به هم پیوستن این دو دریای نور، خدای سبحان ملائکه را امر کرد که بهشت را بیارایند، به حورالعین دستور داد که سوره های طاها و یاسین را قرائت کنند و ابرهایی فرستاد که درّ، یاقوت، لؤلؤ، مرجان، سنبل و گل میخک (برآسمانیان) فرو ریزند که ملائکه و حوریان آنها را برمی داشتند و به یکدیگر هدیه می دادند.(۲)

در این ازدواج فرخنده، خداوند در شجره طوبای بهشت به تعداد دوستداران علی و فاطمه علیهما السلام اوراقی قرار داد که برائت آنان از آتش دوزخ است. فرشتگانی نیز در زیر آن درخت طوبی قرار داد که چون رضوان (ملک موکّل بر بهشت) آن را تکان می دهد، آن اوراق را که به زیر می ریزند، نگه دارند؛ و در قیامت هیچ یک از محبّان امیرمؤمنان، علی علیه السلام و صدیقه کبری علیها السلام باقی نمی ماند؛ مگر آنکه نزد فرشته حامل آن برگه برائت می آید و

۱- ابن جریر، دلائل الامامه، ص۱۸.

۲- کشف الغمه، ص۱۴۲؛ مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۲، ص۱۰۵.

رهایی خود از آتش جهنم را به دست می آورد.(۱) در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که در این پیوند خجسته (از آسمان) درّ، یاقوت و زبرجد سرخ و سبز و زرد فرو بارید. ورقه هایی نیز پراکنده شد که امان نامه در قیامت است.(۲)

دو ـ حاکمیت ارزش ها در ازدواج

دو ـ حاکمیت ارزش ها در ازدواج

یکی از مهم ترین مسائل در ازدواج غرق نشدن در مادیات، تجملات و فراموش نکردن معنویات و ارزش هاست که کار بسیار مشکل، ولی لازم و بسیار مفید برای زندگی است.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام ارزش های اخلاقی و معنوی را بر خانه و خانواده خود حاکم کردند.

در شب ازدواج، حضرت علی علیه السلام ، حضرت زهرا علیها السلام را نگران دید، فرمود: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد:

«تَفَکَّرْتُ فی حالی وَ اَمْری عِنْدَ ذَهاب عُمْری وَ نُزُولی فی قَبْری فَشَبَّهْتُ دُخُولی فی فِراشی بِمَنْزِلی کَدُخُولی اِلی لَحَدی وَ قَبْری فَاُنْشِدُکَ اللَّهَ اِن قُمْتَ اِلَی الصَّلاه فَنَعْبُد اللَّهَ تَعالی هذِهِ اللَّیْلَه؛ درباره حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر خویش و منزلگاه دیگر به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. در آغازین لحظه های زندگی، تو را به خدا سوگند می دهم که بیا تا به نماز بایستیم و با هم در این شب خدا را عبادت کنیم».(۳)

۱- الصواعق المحرقه، ص۱۰۳؛ تاریخ بغداد، ج۴، ص۲۱۰؛ اسدالغابه، ج۱، ص۲۰۶؛ الاصابه، ج۱، ص۸۲؛ کشف الغمه، ص۱۳۷.

۲- دلائل الامامه، ص۱۸.

۳- نهج الحیاه، ص ۳۵.

ج) در شب عروسی ضمن شادمانی و دف زدن زنان، تکبیر هم گفته می شود و یاد خدا فراموش نمی شود.

د) پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ازدواج، از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: زهرا علیها السلام را چگونه یافتی؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: «نِعمَ الْعَوْنَ عَلی طاعَهِ اللهِ؛ فاطمه علیها السلام چه خوب یاوری، برای اطاعت الهی است».(۱)

سه _ اصل مشارکت وتقسیم کار

سه _ اصل مشارکت وتقسیم کار

یکی از اصول حاکم بر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام مشارکت و تعاون در همه مراحل و ابعاد گوناگون زندگی است. حضرت علی علیه السلام بچه داری(۲) می کرد، حضرت زهرا علیها السلام نان می پخت یا گندم آسیاب می کرد؛ حضرت علی علیه السلام به جهاد می رفت و زخم برمی داشت و حضرت فاطمه علیها السلام زخم های او را درمان می کرد و شمشیر او را می شست.

اصول حاکم بر زندگانی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام که یکی از بهترین الگوهای زندگی بشری است که می تواند همیشه برای ما سرمشق باشد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: علی و فاطمه علیها السلام برای تقسیم کار به محضر رسول الله رسیدند و ایشان کارها را این گونه تقسیم کرد؛ هرکاری مربوط به داخل خانه است به عهده فاطمه علیها السلام وکارهای خارج از خانه به عهده علی علیه السلام باشد. فاطمه علیه السلام به قدری از این تقسیم خوشحال شد که گفت: جز خدا کسی نمی داند تا چه اندازه من از این تقسیم

۱- نهج الحیاه، ص ۲۲۳.

۲- نهج الحیاه، ص ۱۶۶.

خوشحال شدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله کار مردان (یا کاری را که موجب تماس با مردان است) از عهده من برداشت.(۱)

علی علیه السلام درباره زهرا می فرمود: «وقتی به خانه می آمدم و به زهرا نگاه می کردم تمام غم و اندوهم برطرف می شد.»(۲) در جای دیگر فرمود: «به خدا سوگند هرگز کاری نکردم که فاطمه علیها السلام از من خشمناک شود و فاطمه نیز هیچ گاه مرا خشمناک ننمود».(۳)

در حدیث نزول مائده آسمانی آمده که زهرای اطهر دو روز بود که خود و بچه هایش گرسنه بودند و مختصر غذایی را که تهیه می کرد، برای شوهرش می برد و چنان رفتار کرده بود که علی علیه السلام در خلال دو روز متوجه ماجرا نشده بود تا روز سوم که دیگر چیزی در خانه نبود و علی علیه السلام از ماجرا خبردار شد... .(۴)

از نظر کمک به شوهر عزیز خود در زندگی چنان بود که بر اساس احادیث معروفی که سنّی و شیعه روایت کرده اند، علی علیه السلام برای یکی از مردان بنی سعد به نام «ابن اعبد» تعریف کرد و فرمود: می خواهی برای تو وضع زندگی خودم و فاطمه را تعریف کنم؟ آن گاه سخن خود را ادامه داد و فرمود: فاطمه میان خاندان پیامبر از همه افراد نزد آن حضرت محبوب تر بود و هنگامی که در خانه من بود آن قدر دستاس کرد که دستش تاول زد و آن قدر با مشک آب کشید که اثر بند مشک در گلویش مشاهده می شد و آن قدر در نظافت و تمیز کردن خانه زحمت کشید که جامه اش گردآلود

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۸۱.

۲- مناقب (خوارزمی)، ص ۲۵۶.

۳- مناقب (خوارزمی)، ص ۲۵۶.

۴- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۸۱.

می شـد و آن قـدر آتش برای پختن نـان و غـذا و غیره روشن کرد که رنگ لباس هایش تغییر کرد و به دلیل کار زیاد خانه به رنج و مشـقت افتاد. و در همان روزها ما شـنیدیم که بردگانی (غلام و کنیزی) برای رسول خدا آورده اند، من به فاطمه گفتم: خوب است پیش پـدرت بروی و از او خادمی بخواهی تا در امر خانه داری به تو کمک کند. فاطمه برخاست و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، ولی مشاهده کرد که جمعی نزد آن حضـرت نشسته و گفت وگو می کنند. ازاین رو، خجالت کشید حاجت خود را اظهار کند و به خانه بازگشت. آن روز گذشت و صـبح روز بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله به اتاق ما آمد و همچنان بالای سـر فاطمه نشـست، رسول خدا به او فرمود: دیروز برای چه کاری به خانه ما آمدی؟ فاطمه از خجالت پاسخی نداد و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای بار دوم سؤال خود را تکرار کرد و باز هم شرم فاطمه مانع شد تا سخنی بگوید. این بار من جواب دادم و گفتم ای رسول خدا فاطمه آن قدر در خانه من آسـیاب کرده که دستش تاول زده و آن قدر آب کشیده که اثر بند مشک در گردنش مشاهده می شود، آن قدر خانه را جارو کرده که جامه اش گردآلود شده و آن قدر آتش روشن کرده که رنـگ لبـاس هـایش تغییر کرده و ما شـنیدیم برای شـما برده هایی آورده انـد من به او گفتم: خوب است نزد پـدرت بروی از او درخواست کنی تا خادمی برای کمک در امور خانه به تو بدهـد؟ رسول خـدا صـلی الله علیه و آله که این سـخن را شنید فرمود: می خواهی چیزی به شـما یاد دهم که از خادم برای شـما بهتر باشد و آن گاه تسبیح معروف «حضرت زهرا» ر ا به او تعلیم فرمود.(۱)

۱- صحیح ابی داود، ج ۳۳۰، ص ۱۰۰.

چهار _ قناعت و ساده زیستی

اشاره

چهار _ قناعت و ساده زیستی

در این قسمت به چگونگی زیست اقتصادی حضرت و ساختار زندگی فاطمی ایشان خواهیم پرداخت و به شیوه زندگی اقتصادی و ساده زیستی که سرشار از شکوه دینی و عزت و استغنای فردی و خانوادگی بوده است، اشاره خواهد شد.

«در ادامه بحث، می توان گفت مواد مورد آزمون و صحنه ها و جلوه های پایداری به چند مورد تقسیم می شود که صبوری و شکیبایی حضرت زهرا علیها السلام در زندگی می تواند الگوی تمام مردم باشد.

امتحان گرسنگی

امتحان نقص در اموال (انفال و اعطاء اموال)

اصل ساده زیستی و زهد خانوادگی

با مروری بر زندگی حضرت زهرا علیها السلام و خانواده مطهرش تمام موارد فوق در زندگی حضرتش آن هم از سخت ترین نوع آن بوده است و صبوری و پایداری حضرت فاطمه علیها السلام و سرافرازی آن حضرت در موفقیت از این آزمون ها و آزمایش های الهی روشن است.

اول _ امتحان با گرسنگی حضرت فاطمه علیها السلام و صبوری آن حضرت

اول _ امتحان با گرسنگی حضرت فاطمه علیها السلام و صبوری آن حضرت

یکی از آزمون های الهی برای خانواده حضرت زهرا علیها السلام ، گرسنگی بوده است. در این زمینه تاریخ شواهد زیادی دارد که حضرت علی علیه السلام یا حضرت زهرا علیها السلام و گاهی حتی فرزندان ایشان به گرسنگی شدید و جانکاه مبتلا بوده اند. در داستان احکام سه روزه مسکین، یتیم و اسیر و همچنین در میهمان نوازی های خانوادگی، حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با میهمانان خود و در ایثار غذا به پیامبر و گاهی ایثار غذا به فرزندان و گرسنه ماندن خود

حضرت زهرا علیها السلام داستان ها وجود دارد.

در اینجا ما فقط به نقل یک شاهد تاریخی بعد از ازدواج در مدینه و یک ماجرای مشهور در مکه کفایت می کنیم:

در روایت سلیمان بن بریده نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: دخترم! چرا نگران و ناراحتی؟ در جواب پدر گفت:

«قِلَّهُ الطَّعمِ وَ کَثرَهُ الّهَمِّ وَ شِدَّهُ السُّقمِ؛ فشار گرسنگی و کمی غذا، و فراوانی اندوه و شدت بیماری و گرفتاری مرا نگران کرده است».(۱)

همچنین در بیان تحمل گرسنگی در مکه می توان به این نکته اشاره کرد که یکی از حوادث سخت تاریخ پیامبر سه سال محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب است که پیامبر و اصحاب آن حضرت، با توجه به سختی شرایط زندگی در مکه مجبور به پناه گرفتن به دره های اطراف مکه شدند. در مدت این سه سال، انواع ابتلاها و مشکلات برای مسلمانان وجود داشت که یکی از سخت ترین آنها مشکل بی غذایی و گرسنگی است. جالب است بدانیم که حضرت زهرا علیها السلام و مادرشان حضرت خدیجه علیها السلام جزو افراد محاصره شده در طول این سه سال هستند که در آن زمان حضرت زهرا علیها السلام پنج سال بیشتر سن نداشت.

دوم ـ نقص اموال

دوم ـ نقص اموال

اگر نقص اموال به معنای کمبود مالی و ضعف امکانات حتی ضرورت های زندگی باشد، این گونه نقص ها در زندگی حضرت زهرا علیها السلام وجود داشته است و اگر به معنای کاسته شدن اموال به انفاق یا غصب و سرقت خائنان

۱- نهج الحیاه، ح ۱۸۶، ص ۲۲۹.

باشد در زندگی حضرت زهرا علیها السلام وجود داشته است.

جهیزیه ساده و مختصر، مهریه انـدک، خانه ساده و محقّر و کمبود ضـرورت های زنـدگی، برخی از نمونه های نقص اموال به معنای اول است.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«إِنّی وَ ابْنِ عَمّی ما لَنا فِراشٌ إلاّ جِلْدُ کَبْشٍ نَنامُ عَلَیْهِ بِاللَّیْلِ وَ نَعْلِفُ عَلَیْهِ ناضِحَنا بِالنَّهارِ؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! من و پسـر عمویم چیزی از وسایـل رفـاهی نـداریم؛ مگر پوست گوسـفندی که شب ها روی آن می خوابیم و روزها روی آن شتر خود را علف می دهیم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَا بُنَیَّهَ اِصْبِرِی فَاِنَّ مُوسَی بْنَ عِمْرَانَ اَقَامَ مَعَ امْرَاَتِهِ عَشْرَ سِنِینَ لَهُمَا فِرَاشٌ اِلَّا عَبَادَهِ قَطْوَانِیَّهٌ؛ دخترم صبر و تحمل داشته باش؛ زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک قطعه عبای قطوانی نداشتند».(۱)

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر دارد.

در شگفتی ماندم و گفتم: شگفتا پادشاهان ایران و قیصر روم، بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه ای زر بافت به تن می کنند، این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های زیبا.

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

یا سَلمانُ! إِنَّ اللهَ ذَخَّر لَنا الثِّیابَ والْکَراسِیَّ لِیَوْمٍ اخَرٍ؛ ای سـلمان خداوند بزرگ، لباس های زینتی و تخت های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

۱- نهج الحیاه، ح ۱۸۴، ص ۲۹۷؛ ذخائر العقبی، صص ۳۴ و ۴۹.

سپس حضرت زهرا علیها السلام به خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح فرمود:

یـا رَسولَ اللهِ! إنَّ سَلمانَ تَعَجَّبَ مِن لِباسی، فَوَالَّذی بَعَثَکَ بِالْحَقِّ مالی و لِعَلِیٍّ مُنذُ خَمسِ سِنینَ إلّا مَسکُ کَبشٍ تَعَلَّفَ عَلَیها بِالنَّهارِ بَعیرُنا وَ إذا کانَ اللَّیلُ إفتَرَشناهُ وَ إنَّ مِرفَقَتَنا لِمَن أَدمٍ حَشوها لیفٌ.

ای رسول خـدا صـلی الله علیه و آله ! سـلمان از سادگی من تعجب کرد، سوگنـد به خـدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شب ها روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است.(۱)

در قسم دوم نیز حضرت زهرا علیها السـلام در شـرایط گوناگون و به افراد مختلف هدیه ها و انفاق های زیادی داشته است؛ از بخشش نان و طعام گرفته تا بخشش لباس، حتی لباس شب عروسی، بخشش گردن بند و النگو همچنین نمونه غصب فدک که سرقتی بزرگ و آشکار از طرف منافقان به شمار می آید آزمونی برای حضرت زهرا علیها السلام بوده است.(۲)

سوم _ اصل ساده زیستی و زهد خانوادگی

سوم _ اصل ساده زیستی و زهد خانوادگی

طبق اسـناد تـاریخی یکی از اصول حاکم بر زنـدگی حضـرت فاطمه علیها السـلام اصل سادگی، زهـد و بی رغبتی به دنیاست. برای روشن شدن این مطلب به چند نکته توجه می کنیم:

حضرت زهرا علیها السلام در ابتدا در خانه ای اجاره ای زندگی را شروع کردند.

جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام

۱- نهج الحیاه، ح ۸۹ و ۹۰، ص ۱۶۲.

۲- فرهنگ فاطمیه، صص ۱۵۰ _ ۱۵۴.

مهریه مختصر حضرت زهرا علیها السلام

ساده پوشی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام .(۱)

پنج _ اطاعت پذیری و مهرورزی

پنج _ اطاعت پذیری و مهرورزی

«در ابتدای وصیت حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت علی علیه السلام در ایام بیماریش آمده است:

یا ابْنَ عَمِّ مَا عَهِدْتَنِی کَاذِبَهً وَ لَا خَائِنَهً وَ لَا خَالَفْتُکَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِی؛ ای پسر عمو، هیچ گاه مرا دروغگو و خیانت کار ندیده ای و از زمانی که با من زندگی کردی، با تو مخالفت نکرده ام.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَی وَ أَکْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنَ اللَّهِ أَنْ أُوَبِّخَکِ غَداً بِمُخَالَفَتِی؛ پناه به خدا، تو عالم تر به خدا، نیکوکارتر، پرهیزگارتر و گرامی تر و ترسان تر از خدایی، از اینکه من تو را به نافرمانی از خود سرزنش کنم».(۲)

شش _ تعهدات خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام

شش _ تعهدات خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام

پس از تقسیم کار زندگی حضرت فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عهده داری کار داخل خانه از حضرت فاطمه علیها السلام ، مسئولیت پذیر بودن حضرتش، بهترین عامل برای رونق به خانه و پیشبرد اهداف تشکیل خانواده است که برخی از جلوه ها و نمونه های آن عبارت است از:

۱. سخت کوشی و کار شبانه در خانه؛

۲. قبول و انجام معمولی ترین امور خانه داری همچون: خانه روبی، تهیه آرد، پخت نان، کار در مطبخ؛

۱- نهج الحیاه، صص ۱۶۱ و ۱۶۳.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص ۱۹۱.

۳. تلاش برای رضایت خاطر شوهر در همه زمینه ها؛

۴. تحمل مشکلات زندگی سخت حضرت علی علیه السلام ؛ زیرا او مجاهدی همیشه مهاجر بود و فقری عجیب بر زندگی اش حاکم بود؛

۵. تحمل مشکلات فرزندداری و تربیت آنان و حتی بازی کردن با آنان؛

۶. کمک به اقتصاد خانه؛

۷. عمل کردن به توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر آزاد گزاردن حضرت علی علیه السلام در تنظیم زندگی و عدم تقاضا و خواهش داشتن از علی علیه السلام ؛(۱)

۸. معطر بودن و رعایت جنبه های بهداشتی و آرایش و آراستگی برای شوهر در خانه؛

۹. از بین بردن اندوه شوهر، شادمان کردن او و درخشش برای او.

ابان بن تغلب می گوید: از امام صادق علیه السلام علت نام گذاری حضرت فاطمه علیها السلام را جویا شدم. حضرت فرمود: زیرا او در هر روزی سه بار برای امیرمؤمنان علی علیه السلام نورافشانی می نمود.(۲)

۳. در کِسوت مادری و فرزندپروری

اشاره

۳. در کِسوت مادری و فرزندپروری

زیر فصل ها

الف) مقام مادری در اسلام

ب) تربیت فرزندان

الف) مقام مادری در اسلام

الف) مقام مادری در اسلام

حقوقی که اسلام برای جایگاه مادری مشخص کرده، بسیار فراتر و برتر از حقوقی است که برای دیگران، حتی پدر قائل شده است؛ زیرا مادر مربی

۱- روزی حضـرت علی علیه السـلام از حضـرت فاطمه علیها السـلام خواسـتند غذایی برای خوردن آماده کند. حضـرت فاطمه علیها السلام فرمودند: به خدا قسم سه روز مقدار کمی غذا در خانه بود که آن مقدار را در اختیار شما قرار دادم. حضرت علی علیه السـلام فرمودند: چرا اطلاع ندادی؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پیامبر به من فرموده اند: لا تسألی ابن عمک شیئاً... دخترم از پسر عمویت چیزی تقاضا مکن... (نهج الحیاه، ص۲۹۶).

۲- عبدالرحیم موگهی، کوثر ولایت، ص ۲۸.

انسان و در حقیقت، پرورش دهنده جامعه است و اوست که می تواند فرد و جامعه را به سعادت برساند یا به شقاوت و بدبختی بکشاند.

کلمه مادر به اشکال گوناگون به صورت مفرد و جمع، ماننـد اُمّ و والدتی، والدات و امّهات و امثال آن، فراوان در قرآن آمده است. همچنین، مادر و پدر به شکل تثنیه، مانند والدین و ابوین مکرر در این کتاب آسمانی به کار رفته است. اگر با دقت در این موارد نگاه کنیم، می بینیم که خداونـد در هر یـک از آن آیـات، به بزرگی از مـادر یـاد کرده و به گونه ای جایگاه او را گرامی داشته است؛ زیرا وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی، اظهار ارادت و نیکویی عیسی به مادر، بیان زحمات و رنج هـای مـادر در قرآن کریم، همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی درباره پـدر و مادر، همه گواه بر والایی جایگاه مادر است.

خدای تعالی در سوره احقاف پس از توصیه به احسان والدین، تحمل رنج و زحمت های مادر را بیان می کند و می فرماید:

و انسان را [نسبت] به پـدر و مادرش به احسان سفارش کردیم؛ مادرش با تحمل رنـج او را باردار شـد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشـتن و از شیرگرفتن او سی ماه است تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد. (احقاف: ۱۵)

و نیز در سوره لقمان می فرماید:

و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است. (لقمان: ۱۴)

بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در اغلب سختی های تربیت فرزند شریک است، خود دلیل بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد.

همچنین، خداوند متعال در سوره اسراء می فرماید:

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند، به آنها [حتی] اُف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. (اسراء: ۲۳)

و نیز در سوره نساء می فرماید:

و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید. (نساء: ۳۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین مقام مادر می فرماید: «بهشت زیر پای مادران است.(۱)» این حدیث حاکی از این است که بدون رضایت مادر نمی توان به بهشت و نعمت های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات والای جنّت و رضوان برسد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن و زحمت دوره بارداری و کودکی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند، از مشکلات طاقت فرسایی است که مادر می تواند بپذیرد. طبیعی است که خداوند در قبال صبر و بردباری مادر، به او اجر و مزد بی پایان عنایت می کند.

همچنین از سخنان گران مایه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب محجه البیضا می توان چنین استفاده کرد: «مادر بیش از پدر به ابراز عواطف درباره فرزند خود

۱- فیض کاشانی، ج ۷، ص۳۲۷.

می پردازد و درباره رشد و تکامل او بیشتر جدیت به خرج می دهد».

در سیره ائمه معصومان نیز، خاصه به تبیین حقوق مادر پرداخته شده است؛ همچنین برخورد آن بزرگواران با مادرانشان و تعظیم در برابر نام مادر، بیانگر والایی مقام و منزلت مادر است؛ امام علی بن الحسین علیه السلام در باب حق مادر و عظمت و منزلت او می فرماید:

حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل کرد، آن گونه که هیچ کس، دیگری را حمل نمی کند؛ و از میوه قلبش به تو داد که احدی به دیگری نمی دهد؛ تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت که در آفتاب باشد تا تو را در سایه نماید و خواب را به خاطر تو ترک کرد و تو را از سرما و گرما محافظت کرد و تو در برابر این همه خدمت، کجا می توانی شکرگزار او باشی، مگر به کمک و یاری و توفیق پروردگار.(۱)

این کلام امام سجاد علیه السلام ، به زبان تبیین حقوق ارائه شده، نشان دهنده عظمت و بزرگی مقام مادر است؛ زیرا حضرت با بیان این نکته که فرزند بدون استعانت و کمک از خدای متعال قادر به ادای حقوق مادر نخواهد بود، در حقیقت خواسته به نوعی رفعت مقام مادر را برای فرزندان تبیین و آنان را در خدمت کردن به مادر تشویق کند.

در عین حال، گستره موجود در دین اسلام، رویکردی مبسوط از حقوق مادری بر مبنای آیات قرآن ارائه می کند؛ این حقوق شامل حق تربیت و حضانت،(۲) حق احسان و نیکی،(۳) حق قدرشناسی،(۴) حق امنیت،(۵) حق کرامت،(۶)

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۲- آل عمران: ۳۷.

۳- اسراء: ۲۴؛ لقمان: ۱۲.

۴- لقمان: ۱۴.

۵- اسراء: ۲۳.

۶- اسراء:۲۳ و ۲۴.

حق سلامت،(۱) حق احترام،(۲) حق رضاع،(۳) حق حمل،(۴) حق تأمین مالی،(۵) و حق زایش(۶) می شود.

ب) تربیت فرزندان

اشاره

ب) تربیت فرزندان

اگر بخواهیم به الگوهای قبل از اسلام در تربیت فرزندان بپردازیم، باید به خانواده های اشراف قریش توجه کنیم که به اصطلاح برجسته ترین افراد آن زمان در حجاز به شمار می آمدند.

مردمان شهرنشین در طول تاریخ فرزندان خود را بر حسب نیاز جامعه تربیت می کردند بر این پایه، بیشتر مردم پیش از اسلام، تجارت می کردند و اگر از شغل تجارت نیز صرف نظر کنیم، جنگاوری و سلحشوری یکی از بزرگ ترین افتخارات عرب به شمار می آمد.

درست عکس تمدن های هم عصر در کشورهای ایران و روم که مهم ترین نگرانی آنها، پرورش افراد برحسب طبقات اجتماعی بود و هر شخص خارج از طبقه خود نمی توانست به مهارت فراتر از آن بپردازد؛ برای نمونه، افراد دون پایه که معمولاً بردگان و کارگران مزدور بودند نمی توانستند خواندن و نوشتن یا کسب و کار و حرفه یاد بگیرند و اهالی حرف و مشاغل هم

۱- بقره: ۲۲۲.

۲- مریم: ۱۴.

۳- قصص: ۷.

۴- لقمان: ۱۴.

۵- بقره: ۲۳۳.

۶- بقره: ۲۲۳.

نمی توانستند دبیری یا احکام دیوانی و دولتی فراگیرند، چه بماند به علم و فلسفه و اندیشیدن درباره چیزی یا موضوعی! البته همان طور که گفته شد، در کشورهای همسایه حجاز دست کم بنابر طبقات اجتماعی، آموزش های علوم عقلی و نقلی و فلسفه وجود داشت.

البته موارد یاد شده، حتی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن هم در عربستان شایع بود و قوانین اسلام نیز نتوانست روح اشراف گرایی و افکار طبقاتی را از اعراب به ویژه قریش بازگیرد.

تربیت فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به عنوان یک بانوی برآمده از متن اسلام، نه فقط با تمام آنچه گفته شد، فرق داشت؛ چه بسا خود الگویی برای آموزش نسل های پسین و خانواده آرمانی مسلمان است که برحسب آموزه های قرآنی زندگی می کند.

همان طور که گفته شد، زندگی خانواده های شهرنشین در عصر ظهور اسلام، از شرایط سیاسی _ اجتماعی آن زمان متأثر بود و بی توجهی به دانش در عربستان، آنها را به سمت دو خصلت فریب و زیرکی؛ خشونت و ستم؛ رهنمون می شد. معمولاً بیشتر اشخاص حاضر در شهرها را افراد زیرک و باهوش تشکیل می دادند که تاجر و اهل حساب و کتاب بودند. صحرانشین ها افرادی خشن، کم طاقت و کم معلومات بودند که همه یا سیاه یا گندمگون بودند. تنها افراد سفید قریش، طایفه بنی هاشم بود که پدران و نیاکانشان پیرو دین حنیف (ابراهیمی) و یکتاپرست بودند. در میان آنها نیز اخلاق حسنه و جوانمردی، امتیاز چشمگیری به شمار می آمد.

تنها خانواده ای که به نص قرآن کریم از تمام آلودگی های ظاهر و باطن برکنار بودند، خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان و داماد بزرگوار ایشان است. البته

نشـانگر تربیت خـانوادگی درحقیقت خانواده حضـرت علی علیه السـلام است؛ چون این یک واقعیت است که پیامبر صـلی الله علیه و آله به عنوان شارع و شارح دین مبین اسـلام، همچون حضـرت علی علیه السـلام خانواده منسجمی نداشتند؛ زیرا خدیجه علیها السـلام خیلی زود به رضوان الهی سـفر کرد و در دوران پیروزی اسـلام و ثبات زنـدگی مسـلمانان حضور نداشت. با این حال، حضـرت زهرا علیها السلام در دوران ثبات دین اسلام و دولت اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله ، همراه علی علیه السلام خانواده ای منسـجم تشـکیل داده بودند که دربرگیرنده خود، همسـر و چهار فرزندش بود، خانواده ای نه چندان شـلوغ و بدون حاشیه! البته منظور از حاشیه، واقعیت خانواده های دیگر بود که هر کدام برای زندگی و امیال دنیوی هر روز با هزار و یک نفر مراوه یا مرافعه داشـتند. خانه حضـرت زهرا علیها السـلام ، تنها خانه ای بود که جز مهر و عطوفت و شوقِ عبادت، هیـچ یک از عوارض دنیـاطلبی را نـداشت. از قنـاعت تـا انفاق؛ از کرامت تا سـخاوت؛ از عصـمت و عفت تا حکمت و رحمت؛ گویی تمام فضایل اخلاقی را تنها خداونـد به این خانواده داده است و بس. از بـذل تبسم تا رفع حاجت، از نیک خواهی تا نیک گویی، از صداقت تا هدایت!

نبایـد در این خـانواده الگو، رنـگ مـادی زنـدگی آن چنان غالب و مهم جلوه داده شود که اساس تشـکیل زنـدگی و اهـداف انسـانی در آن فراموش شود. یکی از اهـداف زنـدگی زنـاشویی افزودن و بقـاء نسـل انسـان هـاست. آن هم انسان هایی که در نتیجه تربیت و زحمات والـدین، شایسـته نام انسانی باشـند. اگر چه زنـدگی از نظر مادی ساده باشـد، می تواند از نظر تربیتی و معنوی ایده آل باشد و لباس تقوا برای فرزندان با اهمیت تر از لباس ظاهر و لباس بدن است.

یکی از اصول حاکم بر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام دقت در تربیت

فرزنـدان و تحمل همه مشـقّت های لازم برای ارائه بهترین انسان ها به جامعه بوده است و نتیجه این زنـدگی مقـدس فرزنـدانی همچون حسن علیه السلام ، حسین علیه السلام ، زینب علیها السلام و ام کلثوم علیها السلام هستند.

ارتباط علمی حضرت زهرا علیها السلام با فرزندان خویش

ارتباط علمی حضرت زهرا علیها السلام با فرزندان خویش

در کتـاب «راهنمـای بهشت» آمـده است حضـرت مجتبی علیه السـلام در پنـج سـالگی هر روز به مسـجد می رفت و کلمـات و مواعظی که پیامبر اکرم بیان می فرمود، همه را به ذهن مبارک خود می سپرد و به خانه می آمـد (و به اقتضای اداء حق علم که نشـر اسـت) برای مـادر بزرگـوار خـود حرف بـه حرف تقریر می کرد و چـون حضـرت علی علیه السـلام به خـانه تشـریف می آوردند، حضـرت فاطمه علیها السـلام آنها را برای آن جناب بیان می کرد. روزی حضرت امیر علیه السلام پرسید: ای فاطمه تو به مسـجد حاضـر نبودی، از کجا این کلمات را فهمیدی؟ گفت: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر گوید، بدون کم و کـاست به همـان ترتیب برایم تقریر می کنـد. حضـرت فرمود: می خواهم تقریر او را بشـنوم. فـاطمه علیهـا السـلام گفت: گمان نکنم در حضور شـما به سـبب فزونی شـرم تقریر کنـد. حضـرت فرمود: پس من در جایی مخفی شـده، کلمات او را می شنوم. امام حسن علیه السـلام روز بعـد به رسم هر روز از مسـجد به خانه آمدند. حضـرت فاطمه علیها السـلام فرمود: نور دیده جـدت چه فرمود؟ حضـرت مجتـبیماننـد هر روز بر بلنـدی نشـست و خواست گفته هـا را تقریر کنـد، زبـانش لکنت گرفت و نتوانست بگوید به مادر خطاب کرد:

یا اُمّاهُ قَلَّ بَیانی وَ کَلَّ لِسانی لَعَلَّ سَیِّدًا یَرعانی؛ ای مادر، بیانم اندک و زبانم کند

شد، همانا بزرگواری نگران من است.(۱)

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام که در پشت در بود، بی اختیار بیرون آمد، او را در برگرفت و لب و دهانش را بوسید. (آن عمل فرزند و آن تشویق مادر ماجده و این هم تشویق پدر بزرگوار بر بالا بردن دانش اسلام)(۲)

درس هایی از شیوه تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت کودکان

درس هایی از شیوه تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت کودکان

۱. از همان سنین کودکی فرزندان زهرا علیها السلام مأنوس با مسجد تربیت می شدند. به همین دلیل امام حسن مجتبی علیه السلام تشویق می شدند تا همه سخنرانی ها و کلمات پیامبر را به ذهن بسپارند.

۲. فاطمه زهرا علیها السلام به ما یاد دادند که با کودکان خود گفت وگوهای علمی داشته باشیم.

۳. از کودک می توان استفاده علمی برد.

۴. کودکان را باید تشویق به سخن علمی کرد. (استنطاق علمی)

۵. گفت وگوی کودکان شیرین و شنیدنی است، پس حضرت علی علیه السلام هم خواستند کلام امام حسن را بشنوند.

۶. مادر ملاحظه روحیات حسن علیه السلام را نمود و از حضرت علی علیه السلام خواستند برای شنیدن صدای حسن علیه السلام پنهان شوند.

۷. این عمل حضرت زهرا علیها السلام تمرین برای تقویت بیان و تسلط برای سخن حق و علمی گفتن است.

۸. این عمل حضرت زهرا علیها السلام ؛ یعنی بخشی از زندگی را به مدرسه تبدیل کردن و معلم و شاگرد شدن اعضای خانواده.

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۳۸.

۲- سید محمدتقی مقدم، فضائل الزهرا علیها السلام، ص ۸۲.

۹. این عمل حضرت؛ یعنی ایجاد امکانات و زمینه سازی برای ابراز وجود فرزندان در خانه.

۱۰. از این روایت معلوم می شود فرزندان با مادران راحت تر هستند؛ بنابراین، مادران باید بیشتر به جنبه های تربیتی فرزندانشان بپردازند.

۱۱. این عمل دانش فرزند را تقویت کرده و بالا می برد.

۱۲. علی علیه السلام امام حسن را تشویق بر خوش فهمی کردند.(۱)

۴. رفتارشناسی اجتماعی

اشاره

۴. رفتارشناسی اجتماعی

زیر فصل ها

الف) حضور در اجتماع و هدایتگری

ب) رسیدگی به نیازمندان

ج) رعایت حقوق دیگران

د) صیانت از حجاب _ عفاف

الف) حضور در اجتماع و هدایتگری

الف) حضور در اجتماع و هدایتگری

حیات اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام نیز از این بابت درس آموز است. با آن همه، عشق و علاقه ای که به عبادت و بندگی خدا دارد، زندگی اجتماعی را بر رهبانیت برتری می دهد. می خواهد در جامعه باشد، از درد افراد جامعه سر در آورد، به امور مسلمین اهتمام ورزد. در حیات اجتماعی، او وجود ضوابط را برای روابط انسانی، بر بی بندوباری و آزادی بی قید و شرط ترجیح می دهد، اخلاق سرچشمه گرفته از مذهب را بر خوی طبیعی اهتمام به امور مسلمین را بر بی غمی، داوری و قضاوت در راه خدا را بر سهل گیری و بی تعادلی، حق طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر در جازدن، وحدت را بر تفرقه و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت و خاموشی ترجیح می دهد.

در اصل، شـیوه او در فعالیت های اجتماعی، دربردارنـده روش جدیـد و درس آموزی برای جامعه انسانی و به ویژه زنان است. ایشان در جنبه های اجتماعی از پدر دروس بسیاری آموخت، مانند: درس اخلاق، رفتار درست

۱- فرهنگ فاطمیه، ص ۱۱۰.

اجتماعی، مساوات و مواسات و از آن مهم تر درس ایثار، وظیفه منـدی در برابر افتادگان و محرومان، کمک به اسـراء، ایتام و مسکینان، یتیم داری و سرپرستی و کفالت آنان، خوش رفتاری با بردگان و زیردستان، خدمت به مردم، حتی به بهای قبول رنج برای خویشتن و... .

حضرت زهرا علیها السلام با اینکه امور خانه را بر عهـده داشت به تربیت فرزندان می پرداخت و کانونی آنچنان گرم و متعهد را مسؤلانه مـدیریت می کرد، از مشارکت اجتماعی دور نبود و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله برای او برنامه و تکلیفی معیّن کرد که او در آن شرکت کنـد. از جمله هـدایت زنـان و حـل مسائل و مشکلات آنها، شـرکت در مراسم بیعت زنان با پیامبر، حتی حضور در برنامه مباهله با نصارای نجران که قرآن به آن اشاره دارد.(۱)

ب) رسیدگی به نیازمندان

ب) رسیدگی به نیازمندان

حضرت فاطمه علیها السلام مسلمانی است که اهتمامی فراوان به انجام امور مسلمین دارد؛ می دانـد هر کس صبحگاهان از. خواب سر بر می آورد، باید به امور مسلمین همت گمارد؛ زیرا در غیر این صورت مسلمان نیست.

او اصـل را در زنـدگی این قرار داده است که برای مردم خـدمتی انجام گیرد. همچنین این بینش قرآنی برای او وجود دارد که امت اسلامی بهترین هستند؛ ازآن رو که برای مردم آفریـده شده اند و برخلاف این سـخن شاعر که می گوید هر کس سـعی دارد دیگران را برای زنـدگی خود بخواهـد، حضـرت فاطمه علیها السلام نمونه کسـی است که زنـدگیش را برای دیگران می طلبد.

او اصل را بر این قرار می دهد که به مردم خدمتی کند و زیر بازویی را

۱- دکتر قائمی، مکتب زهرا، ص ۵۷.

بگیرد یا مشکلی را حل کند و در این راه تنها در خانه ماندن روا نیست؛ مگر آن گاه که این هدف در خانه نیز حاصل شود. حضرت فاطمه علیها السلام در پی رفع کاستی ها است؛ بنابراین ناچار از خانه بیرون می آمد و به چاره درد می پردازد.

شما جلوه ای از اهتمام او به امور مسلمین را در دوران پس از وفات پیامبر می بینید که چگونه شب ها همراه حضرت علی علیه السلام و حسنین سوار بر مرکبی شده و به در خانه این و آن می رود. او خود را در جامعه ای می یابد که مردم آن، گرفتار ضعف فکری هستند و گمان دارند کار از کار گذشته و باید تسلیم رأی شیخین باشند. حضرت زهرا علیها السلام می خواهد آنان را بیدار کند.

ایشان با وجود امکانات ناشی از درآمدهای گوناگون، جامه و چادری وصله دار می پوشید، آن چنان که دیدار این مسئله برای افرادی چون سلمان تحمل ناپذیر بود، ولی گذشت و ایثار او بیش از ثروتمندان بود. چنان بر خود تنگ گرفته بود که پیامبر وقتی بر او و فرزندانش وارد شد و بی رمقی ناشی از گرسنگی شان را دریافت، فریاد زد: اهل بیت محمد از گرسنگی در حال مرگند و... .

حضرت زهرا علیها السلام درآمد ناشی از فدک، و پشم ریسی را میان تهیدستان بنی هاشم و مهاجران تقسیم می کرد، بدون اینکه منّتی بر آنان داشته باشد و در این کار تا اندازه ای پیش رفت که آیه ایثار درباره شان نازل شد. اگر چه خود نیازمند باشند، باز هم به ایثار می پردازند آنان که غذا را از گلوی خود درآورده و به گدا و یتیم و اسیر می دهند.(۱)

ج) رعایت حقوق دیگران

ج) رعایت حقوق دیگران

۱- مکتب زهرا، ص ۷۰.

یکی از برنامه های زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام اولویت بندی کارها و واگذاری بخشی از وظایف داخلی خانه به خدمتکاری شایسته به نام فضه است. پرداختن به کارهای اصولی تر مطابق با شأن و شایستگی های خود و استخدام افرادی در حوزه های کاری روزمره و تحت تربیت قرار دادن آنها، ضمن تأمین زندگی آنان در زندگی معصومان علیهم السلام قرار داشته است در این میان آنچه مهم است، حفظ کرامت های انسانی خدمتکار؛ آموزش و پرورش او و انتقال کمالات خود به خدمتکار؛ پرهیز از فخرفروشی و سروری کاذب بر او و رعایت همه حقوق کاری و انسانی خدمتکار است.

در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام علاوه بر همه این موارد، به نکته ای عجیب تر برمی خوریم؛ ایشان به منظور رعایت حال کارگر و حفظ حقوق او، همچنین برای تامین موارد یادشده با تقسیم عادلانه کار بین خود و خدمتکار، نمونه ای از عدالت انسانی و رعایت حق کارگر و خدمتکار را به نمایش می گذارد. ایشان با این عمل خود، به افراد سودجو و بی انصاف هشدار می دهد که با استخدام کارگران و خدمتکاران، همه امور زندگی خود را به آنان می سپارند و همچون انگلی از دسترنج زحمات آنان تغذیه می کنند. ما در جوامع دیروز و امروز چه بسیار افراد مرفه و بی دردی داریم که برای خود امتیازهای طبقاتی قائل می شدند و با استخدام عده ای هم نوع، از پرداخت حقوق اولیه و مسلّم زیردستان خود دریغ می کنند و از نتیجه زحمات آنان برای خود بهترین زندگی ها را ترتیب می دهند و این خلاف سفارش و سیره اولیای دین از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است.

اخلاق فردی و اجتماعی ایشان و سیره رفتارشان ویژگی هایی دارد که امیدواریم مورد استفاده پژوهشی مدیران محترم قرار گیرد.

د) صیانت از حجاب _ عفاف

د) صیانت از حجاب _ عفاف

علی علیه السلام فرمود:

با انس بن مالك نزد پیامبر بودیم و ایشان بالای منبر بود. پرسید: «به من خبر دهید و بگویید چه چیز برای زن از همه چیز بهتر است»؟ هر کس سخنی گفت و به نتیجه ای منجر نشد. مردم درمانده و متفرق شدند. من نزد فاطمه علیها السلام آمدم و سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله را تکرار کردم. فاطمه علیها السلام فرمود: «بهترین چیز برای زن این است که آنها مردی را نبینند و مردی هم آنها را نبینند.» خبر را به پیامبر بردیم. تحسین و تأکید کرد و فاطمه علیها السلام را در کنار گرفت و فرمود «ذُریهُ بَعضُها مِن بَعضٍ».

در شب ازدواج فاطمه علیها السلام هنگامی که او به خانه شوهر رفت، از پدرش پرسید تکلیف و وظیفه من وعلی در این خانه چیست؟ پیامبر نیز کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها السلام وکارهای بیرون را به علی علیه السلام سپرد، فاطمه علیها السلام پس از تقسیم کار گفت جز خدا کسی نمی داند که چقدر خوشحال شدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از مواجهه با مردان معاف کرد.

حضرت زهرا علیها السلام ضوابط پوشش را در برخورد با نامحرم کاملاً رعایت می کرد و سعی داشت از نامحرمان کناره گیری کند.

سفارش و دستور اسلامی این است که زن، خود را زینت کند، ولی برای شوهر؛ متجمل باشد، ولی در خانواده و برای همسر، اسلام این را وظیفه ای برای زن می داند و لذّات پدید آمده از آن را لذّاتی مشروع و حلال می شمارد. در آنچه که درباره بیرون است، اسلام اصرار دارد که زن خودآرایی نکند، خود را به بویی خوش نیاراید، لباس شهرت نپوشد، از کفش و پای او صدایی برنخیزد و... و فاطمه علیها السلام این چینن بود و در تمام مدت عمر چنان

عمل می کرد.

روایات ما نشان می دهند که فاطمه علیها السلام خود را برای همسر خویش می آراست و حتی در یکی از جنگ های صدر اسلام که علی به سلامت از جنگ بازمی گشت، فاطمه علیها السلام خود را آرایش کرد و به استقبال علی رفت؛ این لذت حلالی است که اسلام بر آن صحه گذارده و بانوی اسلام بدان عامل است. همچنین زن می تواند با رعایت حجاب و عفاف به ضرورت نیاز جامعه و خودش حضور اجتماعی داشته باشد، از حق خود و خانواده و شرافت جامعه و اسلام دفاع کند. پوشش مانع حق گویی، حق طلبی، و حتی مانع کار و تلاش نیست. فاطمه علیها السلام با وجود چنان پوشش و حجابی با وجود خانه داری، یاری دهنده و همکار همسرش بود، حضور اجتماعی به هنگام داشت، در مسیر هدایت زنان و بانوان گام برمی داشت، خط سیاسی روشنی را تعقیب می کرد، حق طلب و مبارز بود و در برابر ناروایی ها و نامرادی ها با تمام وجود می ایستاد تا آنجا که خلیفه زمان را به محاکمه می کشاند. تاریخ فریقین پر است از تلاش ها و اقدامات او و همین مسئله از یک سو پاسخی است به آنها که حجاب را عامل محدودیت و قید وبند برای کار و تلاش اجتماعی معرفی می کنند و از سوی دیگر درسی است برای همه آنها که می خواهند در صراط مستقیم و وادی حق گام بردارند و تلاش کنند.(۱)

۵. رفتار شناسی سیاسی

اشاره

۵. رفتار شناسی سیاسی

زیر فصل ها

روش ها و راهبردهای رفتار سیاسی

روش ها و راهبردهای رفتار سیاسی

اشاره

روش ها و راهبردهای رفتار سیاسی

از لحاظ رفتار سیاسی، می توان حضرت زهرا علیها السلام را یکی از بزرگ ترین زنان

۱- مکتب زهرا، صص۱۰۳ _ ۱۰۴.

سیاسی جهان اسلام نامید. حضرت زهرا علیها السلام پس از شهادت ــ وفات ــ پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و در مواجه با غاصبان ولایت و حقوق اهل بیت علیه السلام رفتارهایی از خود نشان دادند که بزرگواری آن حضرت را به طور کامل آشکار کرد.

گرچه مردم و امت اسلام پیش از جریان سقیفه، حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر امیرمؤمنان و مادر امام حسن و امام حسین علیهم السلام می شناختند و شناختشان محدود به اعمال عبادی و اخلاقی و نجابت نژادی حضرت می شد؛ پس از جریان سقیفه دیگر سخن حضرت زهرا علیها السلام از حقوق خود و از اطرافیان نبود؛ بلکه این بار، حق خداوند از زبان زن کاملی جاری می شد که بهتر از همه یاران پیامبر از حق خدا و رسولش آگاه بود.

جز عملکرد حضرت در رویارویی با غاصبان حکومت و افراد دیگر از مهاجران و انصار به بارزترین رفتار سیاسی حضرت در چند مورد از وقایع که پس از سقیفه رخ داد، اشاره می کنیم:

یک ــ بیان خطبه در مسجد مدینه

یک ــ بیان خطبه در مسجد مدینه

خطبه حضرت صدیقه علیها السلام ، یکی از برگ های برجسته و اساسی تاریخ است که با تجزیه و تحلیل آن می توان به اصل ماجرای خلافت و رویدادهای پیش و پس از آن رسید.

آنچه برای همه مسلّم است و به حدیث متواتر ثابت شده، باید پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام بر سرنوشت سیاسی مؤمنان و جامعه اسلامی حاکم باشد، ولی جریان های نهان و آشکار، دوست و دشمن با تشکیل سقیفه یکی از تاریک ترین دوران های صدر اسلام را رقم زد؛ دوره ای

که موجب شد، حضور امام معصوم در صحنه جامعه و در امور سیاسی، اقتصادی و نظامی دچار محدودیت و سرانجام ظاهری و بی تأثیر شود و این حاصل مشورت شوم سقیفه بود که در یک کلام می توان گفت دیانت را از سیاست جدا کرد و ارتدادی اجتماعی پدید آورد و همین مسئله، نقطه شروع دگرگونی و ارتجاع فرهنگی و به عبارتی استحاله فرهنگی و بازگرداندن مردم از اهداف و خواسته های خدایی پیامبر بزرگوار اسلام بود. حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه ها و بیانات خود به برخی از عوامل استحاله فرهنگی اشاره می کند.

همچنین حاکم نیشابوری در حدیث امان به سند صحیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

ستارگان سرچشمه امان برای اهل آسمان اند و اهل بیتم مایه امان برای امتم از اختلاف می باشند و اگر قبیله ا ی از عرب با آنان مخالفت کند، بین خودشان اختلاف خواهد افتاد؛ در نتیجه، جزو حزب شیطان خواهند شد.(۱)

دو _ سیاست سکوت و گریه

دو _ سیاست سکوت و گریه

جسم حضرت فاطمه علیها السلام پس از درگذشت پدر، روز به روز بیشتر از بین می رفت و توانش کمتر می شد. قلبش هیچ آرام نداشت و چشمش دائم گریان بود. آن قدر می گریست که تاب از کف می داد. این مسئله در روز به کرات تکرار می شد. حسنین علیه السلام را در مقابل خود می نشاند و می گفت: «کجاست پدر شما که بسیار نزدش عزیز بودید و شما را بر دوش خود برمی داشت؟ کجاست پدر شما که بیش از همه بر شما مهر می ورزید و اجازه نمی داد که گرد و خاک زمین بر پایتان بنشیند؟ دیگر گذشت آن دوران عزت

۱- مستدرک (حاکم)، ج۳، ص۱۴۹.

و سربلندی، دیگر این در، هر روز به روی شما گشوده نمی شود».(۱)

حضرت فاطمه علیها السلام هنگام رحلت پدر بزرگوارش صلی الله علیه و آله فرمود:

هر گاه قومی بمیرنـد، به خدا سوگند که کمتر یاد می شوند، ولی به خدا سوگند، یاد پدر من از روزی که رحلت کرده، افزون تر شده است. من آن وقتی را یاد می کنم که مرگ میان ما جدایی انداخت. پس خودم را به وسیله یاد پیامبر خدا، محمد صلی الله علیه و آله تسلی می دهم و به خود می گویم که مرگ راهی است که همه مـا بایـد برویم و هر که امروز نمرده است، فردا خواهد مرد.

همچنین در مرثیه پدرش صلی الله علیه و آله فرموده است:

بـه آنکه در زیر طبقـات زمین پنهـان است، بگـو: اگر تـو شـیون و فریـاد مرا همچنـان می شـنوی، بر من انبـوهی از مصـیبت ها فروریخت که اگر بر روزها فرو می ریخت، همچون شب ها تیره و تار می شد. آری در سایه حمایت رسول خدا صـلی الله علیه و آله بودم. از بخل و دشـمنی کسی ترسی نداشتم و او زینت من بود، اما امروز در برابر هر فرومایه ا ی خاشعم و از ستم دشمن می هراسم و سـتمگر را به وسـیله حجـاب دفع می کنم. پس اگر قُمری شب هنگـام، بـا صـدای شکسـته و حزین می نالـد، من بامدادان گریه و ناله سر می دهم. آری، پس از تو، باید غم و اندوه، انیس و مونس من باشد و باید در فراق تو اشک چشمم را قرین و همراه خود سازم. چه چیز است بر کسـی که تربت پاک احمـد صـلی الله علیه و آله را بوییده است؟! تا آخر عمر، دیگر هیچ عطر دیگری را نبوید.(۲)

و نیز فرموده است:

۱- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۲، ص ۱۱۶.

۲- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، صص ۱۶۹ _ ۱۶۷.

«(پـدر جان!) تو حـدقه چشم من بودی هر بیننـده ا ی بر تو می گریـد! هر که بخواهـد می تواند پس از تو در فراقت بمیرد ولی من همواره بر فراق تو بیمناکم».(۱)

و نیز می فرماید:

دنیـا خبر مصـیبت تو را به مـا داد و در دادن خـبر شـتاب کرد و بانـگ برآورد؛ بدانیـد که کوچ کردن او قطعی شـد و بـدرود گفت.(۲) همچنین آن حضرت فرمود:

به راسـتی که مرا کـوهی بـود که به سـایه آن پنـاه می بردم، امـا امروز مرا در معرض حرارت خورشـید واگذاشـته، چـون زمین خشکی هستم! تو در کنارم پشتیبانم بودی. مادامی که چون ابری بر سرم سایه افکنده بودی، ولی امروز پس از تو، چه کسی به من بـال و پر می دهـد؟! وقـتی که من چشم بر هم می گـذارم، می دانم که بهـترین جنگجو و بهـترین سـلاح من از دست رفته است! رحلت او فرارسـید و مرا به دست عزا و مصـیبت سپرد و دگرگونی روزگـار بر تمام وجود من راه یافت. کلاغ سـیاه پر و بـالش را بر من گسترد و من در میـان شمشـیرها و نیزه ها قرار گرفتم. به راستی که از کسـی که شب و روز را سپری می کنـد، درشـگفتم. در حالی که مرگ بین صـبحگاه و شامگاه قرار دارد. امروز در برابر فرد بیچاره ا ی خاشعم و از خواری خود پرهیز دارم و سـتمکارم را با مقنعه ام دفع می کنم و هرگاه قُمری با صدای شکسـته و حزینش در شب روی شاخسار می نالد، من در صبحگاهان گریه و ناله سر می دهم. پس خداوند بر مصیبتی که به من وارد شده است، مرا صبر دهد که با

۱- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، صص ۱۶۹ ــ ۱۶۷.

۲- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، صص ۱۶۹ ــ ۱۶۷.

رفتن پیامبر از دنیا، چراغ من خاموش شد.(۱)

ابن عبید ربّه می گوید:

حضرت فاطمه علیها السلام بر سر مرقد پدرش ایستاده بود و می گفت:

پدر جان! ما گرفتار فقدان تو شدیم، مانند زمینی که بی باران بماند و از همان لحظه که تو از انظار پنهان شدی، وحی و کتاب ها نیز از نظر ما پنهان شد. کاش پیش از تو، مرگ با ما مصادف می شد. چون مصیبت تو پیش آمد و کتاب ها میان ما و تو فاصله شد.(۲)

ابن ابی الحدید می گوید: بسیاری از مردم، ندبه و مرثیه حضرت فاطمه علیها السلام بر پدر بزرگوارش را در روز رحلت آن حضرت و پس از آن روز نقل کرده اند که آن مرثیه الفاظ معدود و مشهوری است از جمله:

«ای پدر جان! بهشت جاودانه آرامگاه توست! ای پدر جان، که نزد پروردگار صاحب عرش، جایگاه تو است. ا ی پدرجان، که جبرئیل تو را پوشش داد. ا ی پدر جان، که پس از امروز تو را نخواهیم دید».

بعضی از مردم خاطر نشان می کنند که این ندبه و درد دل ها با نوعی از تظلّم و ابراز رنج و درد همراه است؛ به دلیل جریانی که بر سر او آمده بود و او را مغلوب ساخته بود و درستی این مطلب را خدا بهتر می داند.

شیعه نقل می کند: که گروهی از صحابه، به گریه های طولانی حضرت فاطمه علیها السلام اعتراض و او را از آن همه گریه نهی کردند و گفتند: «از کنار مسجد فاصله بگیر و به یکی از اطراف مدینه برو».(۳)

۱- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲- العقد الفرید، ج ۳، ص ۳۲۸.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴۳.

در حزن شدیـد حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام ، جبرئیل فرود می آمـد و در سوگ پـدر به او تسـلای خاطر می داد. برای او از رسول اعظم صـلی الله علیه و آله و درجه رفیع حضـرتش خبر می آورد و از آینـده ذریه اش به او خبر می داد. حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام این اخبـار غیبی را برای امیرمؤمنـان علی علیه السـلام بـازگو می کرد و امیرمؤمنـان، علی علیه السـلام آنها را می نوشت.(۱)

روزی از حضـرت علی علیه السـلام درخـواست کرد پیراهن پـدرش را که وی را بـا آن غسـل داده، نزد او بیـاورد. چون آن را مشاهده کرد و بویید، چنان شیون و زاری کرد که به حالت اغماء افتاد. پس حضرت آن را از او پنهان ساخت.(۲)

در یکی از روزها نیز از بلال خواست اذان گوید و بلال چنان بود که بعد از وفات رسول خدا صـلی الله علیه و آله ، دیگر اذان نمی گفت. چون مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله بانگ تکبیر بلند ساخت، حضرت زهرا علیها السلام دوران پدر را به یاد آورد و به گریستن پرداخت و چون ندای «اشـهد ان محمداً رسول الله» سـر داد، حضرت فاطمه علیها السلام با صورت بر زمین افتاد و غش کرد. بلال اذان را قطع کرد و آن را به پایان نرساند.(۳)

حضـرت فاطمه علیها السـلام آن قدر از ظلم و ستمی که بر او رفت، شکوه کرد که سران مدینه رنجور شدند و از حضرت علی علیه السلام خواستند که او یا شب بگرید یا روز.(۴) حضرت خواسته آنان را به حضرت زهرا علیها السلام گفت. ایشان فرمود: «ا ی ابالحسن، من مدت زیادی در میانشان نیستم و از گریه بر پدرم باز نمی ایستم، نه شب و نه روز.» حضرت علی علیه السلام مانع او نشد، اما خانه ا ی در

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۲.

۳- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ص ۶۱.

۴- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۷۸.

قبرستان بقیع به نام «بیت الاحزان»[(۱)] برایش بنا کرد تا در آنجا گریه کند.[(۲)] این خانه در پناه شاخه های درخت خرما ساخته شده بود[(۳)] و صبحگاهان که فرامی رسید، حضرت فاطمه علیها السلام همراه فرزندان خود به آنجا می رفت و شب هنگام حضرت علی علیه السلام او را به منزل بازمی گرداند.[(۴)]

دو _ ارائه خطبه عیادت

دو _ ارائه خطبه عیادت

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام بر بستر بیماری افتاد و بر اثر همان بیماری درگذشت، زنان مهاجر و انصار به عیادت حضرت آمدند. سلام کردند و گفتند: «ا ی دختر پیامبر، چگونه هستی و با این بیماری چگونه سر می کنی»؟

حضرت فاطمه علیها السلام به درگاه خداوند سپاس گزارد و بر پدرش درود فرستاد و گفت:

به خدا سوگند، از دنیایتان سیر شده ام. بر مردانتان غضبناکم، دینداری آنان را آزمودم و سست پیمانی شان بیزارم ساخت؛ آنان به شمشیری شکسته و تیغ زنگارخورده می مانند؛ اندیشه ا ی پست و گفتاری نارسا دارند. مردمی که خشم خدا را خریدند و جاودانی در آتش دوزخ را

۱- امام شرف الدین می گوید: او (حضرت زهرا علیها السلام) و دو فرزندش و عده ای از زنان در بقیع زیر درختچه ای در فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله نوحه سرایی می کردند؛ چون آن درختچه را قطع کردند، علی علیه السلام برای فاطمه علیها السلام خانه ای در بقیع ساخت که برای نوحه سرایی در آن مأوا می گرفت. این خانه همان بیت الاحزان نامیده می شود. وی همچنان می گوید: این خانه (بیت الاحزان) در هر نسلی از این امت زیارت می شد؛ چنانچه مشاهد مقدسه هم چنین بود تا اینکه به دستور ملك عبدالعزیز ابن سعود الجندی هنگامی که مسلط بر حجاز شد ویران گردید و همین طور مقدسات در بقیع هتک حرمت و ویران شد و این به مقتضای مذهب وهابیت وی بود. این واقعه در سال ۱۳۴۴ هجری قمری رخ داد. (النص والاجتهاد، ص ۳۰۲؛ عوالم العلوم، ج۱۱، ص ۴۸۹؛ وفا الوفاء، ج۳، ص ۹۱۸).

۲- ۱۳ سمهودی، در تاریخ مدینه، ج۲، ص ۹۵ به نقل از: غزالی قول به استحباب نماز در مسجد حضرت فاطمه علیها السلام در بقیع را آورده است اما از غیر او بیان داشته که این مسجد در حقیقت همان «بیت الحزن» است که دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله در ایام سوگواری خود بر پدرش، به آنجا می رفت.

۳- ابوبکر خوارزمی، المختار من نوادر الاخبار، ص ۱۹۱.

۴- بحارالانوار، ج۱۰، ص ۵۱.

برگزیدند. این است حال مردان شما! و من به ناچار کار را به آنان واگذارده و سنگینی و ننگ حق کشی را برایشان بار کردم. بریده باد دست جفاکاران و نابودی و هلاک، ارزانیشان.

وای بر آنـان، چرا نگذاردنـد حقّ در مرکز خود قرار یابـد و چرا پایگـاه خلافـت نبوی را از خانه وحی دور کردنـد؟ راستی آیا سزاوار است که انسان آگاهِ بر امور دین و دنیا را کنار زنند؟ و آیا این اقدام ناصواب جز زیان آشکار چیز دیگری است؟

به خـدا سوگنـد آنان از ابوالحسن روی گرداندنـد و او را نپسـندیدند، چون سوزش شمشـیر او را چشـیدند و دیدند که او را از مرگ هراسی نیست و استوار و پایدار در صحنه مبارزه حق و باطل بر جای می ماند.

سوگنـد به خداونـد یکتا، اگر اینان علی را بر کاری که پیامبر بر عهـده او نهاده بود، می گماردنـد؛ او به نیکی کار را به سامان می رسانـد، امت را با روشـی آسان به راه راست می برد. کم ترین حقّی از هیـچ کس تباه نمی شد. نه رونده‌گان به سـختی می افتادنـد و نه سـواران دل آزرده می شدنـد. علی آنـان را به سرچشـمه جوشـان گوارای پرآبی می رسانـد که کـاستی بـدان راه نداشت، آب از همه سویش تراوش می کرد و همگی در کنار این چشـمه سار پر آب سیراب می گشتند. او در پنهان و آشکار مردم را انـدرز می داد، از دارایی هـای دنیـا بهره ا ی نمی گرفت و خود را به حُطـام آن نمی آلود. بـا رفتـار الهی خود بر مردم آشکار می ساخت که زاهد کیست و دنیاگرا کدام است؟

خدای بزرگ در قرآن می فرماید: «اگر مردم ایمان آورده و تقوا پیش می گرفتند، درهای آسمان و زمین را بر روی ایشان می گشودیم؛ امـا آنـان حق را تکـذیب کردنـد و ما نیز به دلیل کارهایشان آنها را کیفر کردیم و سـتمکارانشان به زودی به سـزای اعمالشان خواهند رسید و ما

در برابر آنان عاجز نیستیم.»

اینک بیایید و بشنوید! راستی را که روزگار چه شگفتی ها دارد! ای کاش می دانستم که مردان شما چرا چنین کردند؟ چرا با این رفتار زشت به جایگاه دردناك و ناشایست تن دردادند؟ آری، سرانجام ستمگران بد خواهد بود.

به خدا سوگند، این مردم به سان کسی هستند که بال را رها کرده و پرهای کوچك بی ارزش را مقدم شمارد. پس نفرین بر مردمی که خویشتن را نیکوکار می پندارند؛ حال آنکه تبهکار و فاسدند و خود نمی دانند.

وای بر این امت! آیا انسان هدایتگر برای راهنمایی مردم سزاوارتر است یا فردی که خود راه نمی یابد، مگر آن که هدایت شود؟

قسم به جان خودم که بذر فتنه را پاشیدید و دیری نپاید که ثمر آن را بچینید. آن روز که آشوب به پا شود و خون ها به ناحق ریخته شود و زهرهای کشنده در کام ها فرو رود.

اکنون آماده باشید که شمشیرهای آخته و فرمانروایان ستمگر بر شما سلطه خواهند یافت. گرد بلا برانگیخته خواهد شد. استبداد خودکامگان شما را از بیخ و بن ویران خواهد ساخت. اموالتان به غارت خواهد رفت و جمعتان پراکنده خواهد شد. دریغا که دیده حقیقت بین ندارید و مرا به روشنگری شما راهی نیست. آیا ما شما را به کاری واداریم که آن را خوش نمی دارید؟!

بانوان از دیدار زهرا بازگشتند و گزارش سخنرانی کوبنده حضرتش را برای همسران خود بازگو کردند. چند لحظه نگذشته بود که شماری چند از مردان مهاجر و انصار به حضور دختر پیامبر رسیدند و زبان به اعتذار

گشودند که: «ای سرور بانوان، اگر ابوالحسن این حقایق را پیش از استواری پیمان و قطعی شدن بیعت با ما درمیان می گذارد، ما هرگز به کسی جز او روی نمی آوردیم.» حضرت زهرا علیها السلام خشمگین شد و پاسخ داد:

«از من دور شوید که بعد از سهل انگاری و سستی شما دیگر عذرخواهی ثمر ندارد و کوتاهی و واپس گراییتان راه هر اقدامی را بسته است».(۱)

سه _ سخنان فاطمه علیها السلام با دختر طلحه

سه _ سخنان فاطمه علیها السلام با دختر طلحه

نقل است روزی عایشه دختر طلحه، بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شد و آن حضرت را گریان دید، پس عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، چرا گریه می کنی؟ آن حضرت در جواب فرمود:

همانا پست ترین افراد از قبیله تیم و مکارترین اشخاص از طایفه عَدی، ابالحسن (علی علیه السلام) را (به جرم سبقت در تقرب به خدا و رسول او) به کوچه کشاندند و سپس با ریسمان به او نزدیک شدند و با نهایت دشمنی و کینه توزی که در دلشان پنهان کرده بودند او را علناً در میان مردم با ریسمان به گردن آویخته، کشیدند.

آری، آن گاه که چراغ دین (رسول خدا صلی الله علیه و آله) خاموش گشت و پیامبر امین خدا رحلت کرد، کینه های پنهانی این دو نفر بر زبانشان علنی شد و سوار بر مرکب نفس، حق مسلّم ما یعنی فدک را از ما گرفتند؛ وای بر آنکه این ملک را تملیک کرد، همانا فدک هدیه خداوند متعال بر رسول باوفایش بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله به امر خداوند متعال و در حضور حضرت جبرئیل علیه السلام آن را به من و ذریه من هدیه کردند، پس اکنون اگر این دو نفر، ظالمانه آن را غصب می کنند و با زور مرا از آن منع

۱- مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۱۵۴ _ ۱۵۷.

می کنند، من قضیه را به روز حشر موکول کرده ام و در آنجا خواهید دید که غاصبان فدک چگونه در عمق جهنم در آتش و عذاب خواهند بود و از آب زقّوم در آنجا تناول خواهند کرد.(۱)

البته حضرت زهرا علیها السلام بیانات بسیاری میان اصحاب صدیق حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران علی علیه السلام دارد که مجال نگارش تمامی آنها در این قسمت نیست به همین دلیل تنها به یک مورد دیگر از شکوابیه های ایشان درباره امت پیامبر صلی الله علیه و آله در مواجهه با ام سلمه علیها السلام می پردازیم:

روزی ام سلمه علیها السلام به عیادت وی آمد و گفت: شب را چگونه صبح کردی ا ی دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

در حالی صبح کردم که میان پریشانی و آشفتگی ام. (صبح کردم) میان از دست دادن پیامبر و ستم شدن به وحی. به خدا سوگند حریم آنکه امامتش بر دیگران واجب بود، درهم شکسته شد؛ آنچه خداوند (آن را) در تنزیل، تشریع فرموده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله در تأویل آن را سنت داشته بود؛ (چرا که) این کار ثمره کینه های جنگ های بدر و احد است و بر (امامتش) نفاق مکنت یافته به واسطه سخن چینی (چیره شده). به هدف خود نیز که رسیدند، از روی عناد، تهدیدات خود را متوجه ما ساختند و با سنگدلی تمام پایه های ایمان را فروریختند و از آنچه وعده بر حفظ رسالت و کفالت مؤمنان داشته شده بود، مأیوس شدند و بعد از چیرگی شان بر انتقام کشیدن خون پدرانشان در سرزمین های بلا و جایگاه های شهادت به بهره هایشان از کالای فریبنده

۱- امالی (طوسی)، ج۱، ص۲۰۴؛ اللمعه البیضاء، ص۷۷۶؛ بحارالانوار، ج۲۹، ص۱۸۲.

دنیا چنگ آزیدند.(۱)

۱- مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۱، ص ۳۸۱.

فصل چهارم: تحلیلی بر اندیشه تابناک حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

فصل چهارم: تحلیلی بر اندیشه تابناک حضرت زهرا علیها السلام

زیر فصل ها

۱) تحلیل افکار واندیشه های حضرت فاطمه علیها السلام

۲. تحلیل آثار حضرت

۱) تحلیل افکار واندیشه های حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

۱) تحلیل افکار واندیشه های حضرت فاطمه علیها السلام

زیر فصل ها

الف) خطبه معروف حضرت در مدینه

ب) جریان شناسی غدیر و دفاع از آن

ج) روایت حدیث

الف) خطبه معروف حضرت در مدینه

الف) خطبه معروف حضرت در مدینه

فدک ارث نبود، هدیه و بخشش پیامبر بر حضرت فاطمه علیها السلام در زمان حیات آن بزرگوار بود. مدتی در تصرف حضرت بود و اعمال مالکیت از طرف حضرت فاطمه علیها السلام بر آن شده بود، اما در مغالطه علمی و دروغ پردازی منافقان در صدر اسلام فدک را غصب کردند. نام ارث بر آن گذاردند و سپس با روایتی مجهول و مجعول فریاد برآوردند که انبیای الهی ارث باقی نمی گذارند. بر همین اساس حضرت فاطمه علیها السلام برای احقاق حق و ابطال باطل با تکیه بر براهین روشن قرآنی در مباحثه ای علمی ثابت کردند که اگرچه فدک ارث باشد، حق ایشان است و پیامبران دارای ارث و میراث هستند. ایشان این گونه فرمود:

شما خیال می کنید که ما هیچ گونه ارثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نداریم، آیا از احکام جاهلیت پیروی می کنید؟

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيهِ يبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يوقِنُونَ»؛ آیا

خواستار حکم جاهلیت اند و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی بهتر از داوری خدا است؟!(۱)

آیا نمی فهمید، آیا تردید دارید که من دختر پیامبر هستم؟ با اینکه چون آفتاب روشن است که من دختر پیامبرم، ای مسلمانان! آیا رواست که من از ارث خود محروم گردم؟

آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده و احکام آسمانی را پشت سر انداختید؟ آنجا که خداوند می فرماید: «وَ وَرَثَ سَلیمانُ داوُدَ؛ و سلیمان از داود ارث برد».(۲)

و در داستان حضرت یحیی بن زکریا، از قول زکریا می فرماید:

«فَهَب لی من لَدُنکَ وَلیّاً یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِن آلِ یَعقوب؛ پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد».(۳)

«وَ اولواالاَرحامِ بَعضُهُم اَولَی ببَعضٍ فی کِتابِ اللهِ؛ خویشاوندان به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. آری خدا به هر چیزی داناست».(۴)

«یوصِیکُمُ اللهُ فی اَولادِکُم لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظِّ الاُنثَیینِ؛ خداوند به شما در باره فرزندانتان سفارش می کند. سهم پسر چون سهم دو دختر است».(۵)

و می فرماید:

۱- مائده: ۵۰

۲- نحل: ۱۶.

۳- مریم: ۵ و۶.

۴- انفال: ۷۵.

۵- نساء: ۱۲.

«اِن تَرَکَ خَیراً اَلوَصِیَّهُ لِلوالِدَینِ وَالاَقرَبینَ بِالمَعروفِ حَقّاً عَلَی المُتَّقینَ؛ اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران».(۱)

شما گمان می برید که از برای من حظّ و نصیبی (از ارث پدر) نیست و نباید از پدرم ارث ببرم، و قرابتی بین ما وجود ندارد.

آیا خداوند متعال در این آیات شریفه، همه مردم را به طور عموم در نظر گرفته است و همه طبقات مشمول این آیات نیستند؟ و پدرم از عمومیت این آیات، خارج است؟ آیا من و پدرم از افراد یک ملت و آیین نیستیم؟ آیا شما در تشخیص عموم و خصوص و دلالت آیات قرآن، از پدرم و پسر عمویم آگاه ترید؟!

امروز چنین کنید، ولی فردای قیامت، خدای بزرگ بین ما و شما داوری می کند. در آن روز پیشوا، پیامبر صلی الله علیه و آله است و در آن وعده گاه، اهل باطل در خسران عظیمی قرار گرفته اند؛ ولی پشیمانی آنها هیچ گونه سودی به حالشان نخواهد داشت.

«وَ لِکُلِّ نَبَاءٍ مُستَقَرٌ؛ برای هر خبری، هنگام [وقوع] است و به زودی خواهید دانست».(۲)

«فَسَوْفَ تَعلَمونَ مَن یأتیهِ عَذابٌ یُخزِیه وَیَحِلُّ عَلَیهِ عَذابٌ مُقیمٌ؛ به زودی خواهید دانست چه کسی را عذابی خوارکننده درمی رسد و بر او عذابی پایدار فرود می آید».(۳)و(۴)

از بارزترین خصوصیات اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام ، صداقت گفتار و رفتار

۱- بقره: ۱۸۰.

۲- انعام: ۶۷.

۳- هود: ۳۹.

۴- فرهنگ فاطمیه، صص ۵۶ _ ۵۸.

اوست. آنچه که حتی در متون اهل تسنن نیز بدان اشاره شده است (موضوع مدرس بغدادی و پرسش شاگرد) آنچه حضرت زهرا علیها السلام درباره حقوق خود ابراز می کرد از دو صورت خارج نیست:

۱. اگر حق با حضرت نبود و ادعایی نابجا درباره اموال فدك می کرد، پس این نقصان اول به پیامبر صلی الله علیه و آله بازمی گشت و هم به موضوع مباهله _ که در آن موضوع، بزرگان مسیحی نجران از ادعای خود مبنی بر مباهله سرباز زده و انصراف دادند؛ که این خود نشان از صداقت اهل بیت علیها السلام داشت. دوم به علی علیه السلام بازمی گشت که کفو مولاً علیه السلام می بایست، از هر لحاظ بی نظیر باشد تا بتوان او را همسری شایسته برای شریف ترین مرد موحد در اسلام دانست. سوم به تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله بازمی گشت که با وجود اینکه پدر معنوی امت و آموزگار اعراب جاهلی و نادان عصر بود، نتوانسته است، فرزندی راستگو و راست پیشه تربیت کند.

۲. پس از مطالب فوق نتیجه می گیریم ادعای مخالفان حضرت صدیقه علیها السلام ، باطل بوده و چهره ا ی معصوم همچون حضرت نمی توانست به اعتبار دست کم آنچه گفته شد ادعای باطل کند و نسبت به مسلمانان ادعایی ناصواب داشته باشد. پس ممانعت دشمنان حضرت زهرا علیها السلام از احقاق حق او، تأکید بر حق اوست و جز این نمی تواند باشد. پس آنچه مخالفان حضرت ادعا کرده یا در کتب سلفی ها ادعا می شود، کذب است.

ب) جریان شناسی غدیر و دفاع از آن

ب) جریان شناسی غدیر و دفاع از آن

غدیر روز اتمام نعمت و اکمال دین، حادثه بزرگ و آسمانی بود که در زمین ظهور و بروز داشت. روزی که خط نجات بشر از آن ریشه می گرفت و زمینه

حکومت بهترین انسان ها را فراهم می ساخت، اما به همان اندازه اهمیت و تأکیدی که پیامبر بر آن داشتند، دشمن کینه توز و منافق خیانت پیشه با پیام غدیر دشمنی داشت و فکر محو آن را در ذهن می پروراند. یکی از مدافعان سرسخت غدیر، حضرت زهرا علیها السلام است. ایشان درباره غدیر می فرماید:

محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمرده، سؤال کردم: «آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول خدا می توان دلیلی آورد»؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

وا عَجَباهُ اَنَسیتُم یَومَ غَدیرِ خُمٍّ؟ سَمِعتُ رَسول اللهِ یَقولُ:

عَلیٌّ خَیرُ مَن اُخَلِّفُهُ فیکُم وَ هُوَ الاِمامُ وَالخَلیفَهُ بَعدی، سِبطایَ وَ تِسعَهٌ مِن صُلبِ الْحُسَین علیه السلام اَئِمَّهٌ اَبرارُ، لَئِن اتَّبَعتُموهُم وَجَدتُموهُم هادینَ مَهدیینَ وَ لَئِن خالَفتُموهُم لَیَکونُ الاِختِلافُ فیکُم اِلی یوم الْقیامَه؛ شگفتا! آیا حادثه عظیم غدیر را فراموش کرده اید؟ شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیک اند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف میان شما حاکم خواهد شد.(۱)

حضرت زهرا علیها السلام هر جا لازم بود با یادآوری حدیث غدیر، اندیشه انسان های فریب خورده را هدایت و بیدار می کرد و بارها تذکر می داد:

۱- نهج الحیاه، صص ۳۹ و ۳۸، ح ۱۶.

اَنسیتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللّه صلی الله علیه و آله یَوْمَ غَدیرِ خُمٍّ: مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ؟ وَ قَولَهُ صلی الله علیه و آله اَنتَ مِنّی بِمَنزِلَهِ هارونَ مِن موسی؛ آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر که فرمود: هر که را من مولا و رهبر می باشم، علی علیه السلام نیز مولای اوست و آیا فراموش کردید که به علی علیه السلام فرمود: یا علی موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسی است. (۱)

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ به بی تفاوتی های بهانه جویان که می گفتند: «اگر علی علیه السلام زودتر شروع می کرد و برای مردم صحبت می نمود، منحرف نمی شدیم» یا کسانی که عذر بدتر از گناه می آوردند، می فرمود:

«فما جَعَلَ اللّهُ لِاَحَدٍ بَعْدَ غَدیرِ خُمٍّ مِنْ حُجَّهٍ وَ لا عُذْرٍ؛ پس از حادثه عظیم غدیر خم، خداوند برای هیچ کس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است».(۲)

و آن گاه که مهاجران و انصار در عذرخواهی پافشاری کردند، فرمود:

«اِلَیکُم عَنّی فَلا عُذرَ بَعدَ تَعذیرِکُم وَالْاَمرُ بَعدَ تَقصیرِکُم هَل تَرَکَ ابی یَوْمَ غَدیرِ خُمٍّ لاَحَدٍ عُذراً؟؛ دور شوید و مرا به حال خود گذارید. پس از کوتاهی و سهل انگاری، جایی برای عذرخواهی نمانده است، آیا پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حادثه غدیر خم جایی برای عذرتراشی و بی تفاوتی باقی گذاشته است؟».(۳)

ج) روایت حدیث

ج) روایت حدیث

حضرت زهرا را محدثه و عالمه ای در جهان اسلام می دانیم و دلیل نام گذاری ایشان به نام محدثه، تسلطش بر تفسیر قرآن و احادیث قدسی و نبوی است.

۱- نهج الحیاه، ص ۴۱، ح ۱۷؛ الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- نهج الحیاه، ص ۴۲، ح ۱۸

۳- نهج الحیاه، ص ۴۳، ح ۱۹.

همچنین ایشان از پدر بزرگوارشان حدیث های بسیاری نقل کرده اند و دانش و معارف اسلامی را به خوبی در تحلیل و تفسیر و تأویل قرآن به کار می بردند. بیشتر علما و دانشمندان به مطالب و روایات ایشان توجه کردند و بسیاری از راویان «موثق» از ایشان حدیث روایت کرده اند که به معرفی اسامی آنها می پردازیم:

۱. ابن ابی ملیکه؛ ابوبکر عبیدالله بن ابی ملیکه مکی، قاضی و موذّن عبدالله بن زبیر بود. وی از گروهی از صحابه روایت کرده است.

۲. ابوایوب انصاری؛ زید بن خالد خزرجی از قبیله بنی النجار بود که در بسیاری از جنگ ها با رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام همراه بود. وی دارای اخبار فراوان و آثار ارزشمندی بود.

۳. ابوسعید خدری؛ سعد بن مالک بن سنان خزرجی، از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام بودند. او از جمله دانشمندان انصار بود و روایتی از حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است.

۴. اسماء بنت عمیس؛ وی از زنان مسلمان مهاجر، و همان اسماء بنت عمیس بن معبد خثعمی است.

۵. ام کلثوم؛ دختر حضرت علی علیه السلام .

۶. بشیر بن زید؛ بشیر بن زید یکی از شش نفری است که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را جمع آوری کردند.

۷. جابر بن عبدالله انصاری؛ جابر از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او در هفده غزوه با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و با حضرت علی علیه السلام نیز در صفین حضور داشت.

۸. حسن بن علی علیه السلام ؛

۹. حسین بن علی علیه السلام ؛

۱۰. حکم بن ابی نعیم؛ ابوحاتم او را صالح الحدیث خوانده و ابن حبّان در زمره راویان ثقه یاد کرده است.

۱۱. ربعی بن خراش؛ ربعی بن خراش از جمله تابعین بوده است.

۱۲. زینب دختر ابورافع؛ وی از جمله زنان صحابی بود و پدرش ابورافع، غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

۱۳. زینب دختر علی علیه السلام ؛

۱۴. سلمان فارسی؛ ابوعبدالله سلمان فارسی، معروف به سلمان الخیر از جمله بزرگان اصحاب و خواص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

۱۵. سهل بن سعد انصاری؛ سهل بن سعد بن مالک ساعدی انصاری با کنیه ابوالعباس از جمله نخبگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و آخرین باقیمانده از اصحاب رسول خدا بود.

۱۶. شبیب بن ابی رافع؛ وی پسر ابورافع غلام آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

۱۷. عباس بن عبدالمطلب؛ ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از جنگ بدر اسلام آورد.

۱۸. عبدالله بن حسن؛ وی پسر فاطمه صغری، دختر امام حسین علیه السلام و نواده امام مجتبی علیه السلام است. او از مادرش فاطمه و از جدش امام حسین علیه السلام و از جده اش فاطمه کبری به صورت مرسل حدیث نقل کرده است.

۱۹. عبدالله بن عباس؛ وی از دانشمندان اصحاب و فضلای آنها است.

۲۰. عبدالله بن مسعود؛ وی از بزرگان و دانشمندان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او در جنگ بدر و حدیبیه حضور داشت.

۲۱. علی بن ابی طالب علیه السلام ؛

۲۲. علی بن الحسین علیه السلام ؛

۲۳. عوانه بن حکم؛

۲۴. فاطمه بنت الحسین؛ وی فاطمه صغری همسر حسن بن حسن مجتبی علیه السلام معروف به حسن مثنی است. از مادر بزرگ خود به صورت مرسل نقل می کند. چون او خود حضرت زهرا علیها السلام را ندیده است.

۲۵. قاسم بن ابی سعید خدری؛

۲۶.هارون بن خارجه؛ احتمالاـ وی همان هارون بن خارجه انصاری کوفی و یا هارون خارجه صیرفی از اصحاب امام صادق علیه السلام باشد.

۲۷. هشام بن محمد؛

۲۸. یزید بن عبدالملک؛ ابومغیره یزید بن عبدالملک بن مغیره بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب نوفلی، وی از پدرش، از قول جدش، از حضرت زهرا علیها السلام روایت می کند او را صاحب «جامع الرّوات» از اصحاب امام باقر علیه السلام برشمرده است.(۱)

۲. تحلیل آثار حضرت

اشاره

۲. تحلیل آثار حضرت

زیر فصل ها

الف) ادعیه و ازدکار

ج) در مکتب علمی زهرا علیها السلام

الف) ادعیه و ازدکار

الف) ادعیه و ازدکار

از حضرت زهرا علیها السلام ادعیه و اذکاری در کتاب های مختلف روایت شده که امروزه حتی از بسیاری آنها مراقبت و

مداومت می شود. مثل نماز حضرت زهرا علیها السلام و دعای نور و تسبیحات اربعه ایشان؛ که در کتاب وزین «مفاتیح

۱- مسند فاطمه الزهرا علیها السلام، صص ۶۵۸ _ ۶۷۱.

الجنان» اثر ارزشمند و جاودانه مرحوم محدث شیخ عباس قمی رحمه الله موجود و در دسترس همگان است.

احمد بن حسن قطان از زید بن علی از پدران بزرگوارش از حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است که می فرماید:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: روز جمعه را ساعتی است که مرد مسلمان آن ساعت را مراقبت و درخواست خیری را در آن ساعت از خدای عزوجل نمی کند؛ مگر اینکه خداوند آن خیر را به وی مرحمت کند.

می گوید: عرض کردم: یا رسول الله! آن ساعت کدام ساعت است؟

فرمود: وقتی که نصف قرص خورشید از چشم ناپدید شود.

راوی می گوید: حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خود می فرمود: بالای دیوار برو! هر وقت دیدی قرص خورشید در حال غروب کردن است؛ خبر کن تا دعا کنم.(۱)

حضرت زهرا علیها السلام به سلمان گفت: «آیا می خواهی کلامی را به تو بیاموزم».

سلمان می گوید: عرض کردم: «سرورم آن را بیاموزید»!

فرمود: «اگر دوست داری که هیچ وقت تب تو را نیازارد تا زنده ا ی در دنیا به این کلام مواظبت کن».

سپس سلمان گفت:

دعای نور را به من آموخت؛

به نام خدای بخشاینده مهربان؛

به نام خدای نور (عالم) به نام خدای نور نور (جهان هستی) به نام

۱- معانی الاخبار، ص ۳۹۹.

خـدایی که نوری است بالای نور. به نام خـدایی که تدبیرکننده کارهاست به نام خدایی که نور (عالم) را از نور (خود) آفرید. سـتایش خـاص خـدایی است که نور را از نور آفریـد و نور را بر کوه طور در میان نامه ای نازل فرمود؛ نوشـته شـده و ورقه ای گشوده به اندازه معیّن بر پیامبری دانشـمند، ستایش خاص خدایی است که او به عزت و شوکت یاد شده و به فخر مشهور است و در هر حال در خوشی و ناخوشی سپاس گزاری شده است.

سلمان می گویـد: «من آن کلمات را آموختم و به خـدا سوگنـد که من آنها را بر بیش از هزار تن از مردم مدینه و مکه و افراد مبتلا به تب تعلیم دادم و همه آنها به اذن خدا بهبود یافتند».(۱)

دعای دیگری از بانوی بزرگوار اسلام حضرت زهرا علیها السلام است که می فرمایند:

خداوندا بدانچه بر من روزی کرده ا ی قانعم گردان و تا وقتی که مرا در این دنیا نگه داشـته ای، عیب هایم را بپوشان و همیشه سالم بدار و چون مرا از دنیا بردی، ببخش و بیامرز!

خداونـدا، مرا در طلـب چیزی کـه برایم مقـدر نکرده ا ی، نـاتوان مکن و آن چیزی که بر من مقـدر فرمـوده ای، برایم سـهل و آسان گردان!

خداونـدا، بر پـدر و مادرم و هر که حق نعمتی بر من دارد، بهترین پاداش را مرحمت کن! خداوندا، مرا برای آنچه آفریده ا ی، فـارغ گردان و مرا به آنچه خـود عهـده دار شـده ا ی تـا برایم فراهم سـازی، مشـغول نگردان و گرفتـار عـذابم نکن و من از تو آمرزش طلب می کنم، مرا محروم نگردان و من از تو درخواست دارم؛ خداوندا، نفس مرا در

۱- مهج الدعوات، صص ۵ _ ۷.

پیش خودم خوار کن و مقام خودت را در دل من بزرگ گردان و طاعت خودت را و عمل بر آنچه می پسندی و دوری از آنچه که باعث خشم تو می گردد بر دلم الهام فرما! ای بخشنده ترین بخشایندگان.(۱)

دعای دیگری از حضرت فاطمه علیها السلام به شرح زیر است:

حضرت زهرا علیها السلام به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت. پیامبر فرمود: «آیا مایلی که تو را توشه ا ی دهم»؟!

عرض کرد: «آری، یا رسول الله!» فرمود: بگو «خداوندا، ا ی پروردگار ما و پروردگار همه چیز، ا ی فرستنده تورات و انجیل و فرقان! ای شکافنده دانه و هسته! من از شر هر جنبنده ا ی به تو پناه می برم که اختیار کامل او در دست تو است. تو سرآغازی و پیش از تو هیچ چیز نبوده و تو آن سرانجامی که پس از تو چیزی نخواهد بود و تو آن ظاهری که بالاتر از تو چیزی نیست و آن باطنی هستی که پس از تو چیزی نیست؛ بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و قرض مرا ادا کن و مرا از نیازمندی، بی نیاز فرما و هر کاری را بر من آسان کن! ای بخشنده ترین بخشایندگان!(۲)

در احادیث ائمه اطهار علیهم السلام تأکید و تشویق بسیاری ــ درباره تسبیحات اربعه وارد شده است. تا آنجا که امام باقر علیه السلام می فرماید: «ما عُبِدَ اللّهُ بِشَیی ءٍ مِنَ التَّحْمِیدِ اَفْضَلَ مِنْ تَسْبِیحِ فاطِمَهَ علیها السلام وَلَوْ کانَ شَیی ءٌ اَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللّهِ فاطِمَهَعلیهاالسلام؛ از جهت حمد و ذکر، خدا با چیزی بهتر از تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام عبادت نشده است. اگر عملی بهتر از آن بود، پیامبر خدا آن را به زهرا علیها السلام

۱- مهج الدعوات، ص ۱۳۹.

۲- مهج الدعوات، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

عطا می کرد».(۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند:

«تَسبیحُ فاطِمَهَ فی کُلَّ یوم دُبُرَ کُلِّ صَلواهٍ اَحَبُّ اِلَی مِن صَلوهِ اَلفِ رکعَهٍ فی کُلِّ یومٍ و اِنّا لَنا مُرُصِبیا نَنا بِهِ کَما نَأمرهُم بِالصَّلوه؛ تسبیح فاطمه علیها السلام درهر روز بعد از نماز نزد من محبوب تر از هزار رکعت نماز در هر روز است و ما کودکان خود را به آن امر می کنیم، همان گونه که ایشان را به نماز دستور می دهیم».(۲)

تا آنجا که در روایت اهل بیت علیهم السلام آمده است:

«اِنَّ الصَّلوهِ الخالِیَهَ مِنهُ تُرَدُّ عَلی صاحِبِها؛ نماز خالی ازآن به سوی صاحبش برگردانده می شود؛ زیرا عبادتی که همراه با تسبیح زهرا علیها السلام باشد، به سان خلعتی مزین است و با لباسی بی پیرایه و تزیین، قابل مقایسه نیست».(۳)

درباره تسبیحات اربعه حضرت زهرا علیها السلام روایت های بسیاری به شرح زیر نقل شده است:

احمد بن محمد بن خالد برقی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «هر که پس از ادای نماز واجب، پیش از آنکه از جا بلند شود، تسبیح فاطمه صلی الله علیه و آله را صد بار بگوید و به دنبال آن یک لا اله الا الله، خداوند گناهان او را بیامرزد».(۴)

ابوجعفر صدوق از ابوهارون مکفوف، به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که به ابوهارون مکفوف فرمود: «ابوهارون، من بچه هایم را به گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام امر می کنم، چنان که به انجام نماز وامی دارم؛

۱- وسائل الشیعه، ج۴، ص۱۰۲۴، ح۱.

۲- فروع کافی، ج۳، ص۱۳۵.

۳- مجموعه مقالات الزهرا، مقاله سید عبدالرزاق مقرم، ج۱، صص ۳۰۱ _ ۳۰۳.

۴- محاسن برقی، ص ۳۶.

بنابراین تو هم آن را ادامه بده که هیچ بنده ا ی آن را ادامه نداده که خوشبخت نشود.(۱)

دیلمی در اعلام الدین می گوید: «بی بی فاطمه علیها السلام در حال نماز از خوف و خشیت الهی نفسش به شماره می افتاد» (ضعف می کرد).(۲)

حافظ ابونعیم به نقل از علی علیه السلام آورده است که فرمود:

«حضرت فاطمه علیها السلام باردار بود، وقتی که نان می پخت، شعله آتش تنور به شکمش می خورد، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از او خدمتگزاری درخواست کرد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من خدمتگزار نمی دهم و (بهای) آنها را به اصحاب الصّفه واگذار کرده ام تا شکمشان از گرسنگی سیر شود. آیا شما را به چیزی نیکوتر از این راهنمایی نکنم؟

وقتی که به بستر خواب رفتید، سی و سه مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمدالله و سی و چهار مرتبه الله اکبر می گویید.(۳)

محمد بن یعقوب کلینی به نقل از حضرت باقر علیه السلام آورده است که فرمود: «خداوند به زمزمه و ترنمی عبادت نشده است که بالاتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام باشد و اگر چیزی بالاتر از او بود، هر آینه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به فاطمه می آموخت».(۴)

صدوق از قول پدرش و او از محمد بن مسلم نقل کرده است که

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۹۶.

۲- اعلام الدین، ص ۲۴۷.

۳- حلیه الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱.

۴- فروع کافی، ج ۱، ص ۹۵.

می گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود:

هر کس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید سپس برای خود استغفار کند، خداوند او را می آمرزد. تسبیح فاطمه به زبان صد مرتبه است، ولی در میزان هزار برابر و نیز سبب طرد شیطان و رضای خدای رحمان است.(۱)

ج) در مکتب علمی زهرا علیها السلام

ج) در مکتب علمی زهرا علیها السلام

در مکتب ایشان، شاگردان و تربیت یافتگان و راویان حدیث بسیاری بودند که تحت تعلیم و تربیت آن حضرت بوده اند و این دلیل بر امتیاز بالای علمی است که با وجود صحیفه فاطمیه قابل اثبات است. اکنون برخی از احادیث ایشان را که نمونه مکتب حضرت زهرا علیها السلام هستند، در زیر می آوریم:

«هر که خالص ترین عبادت خود را به سوی خداوند بالا بفرستد، خداوند متعال نیز برترین و بهترین مصلحت و تقدیرش را برای او پایین می فرستد».(۲)

«خوش رویی به چهره مؤمن، بهشت را برای او واجب می کند و خوش رویی به چهره معاند و دشمن، انسان را از عذاب جهنم حفظ خواهد کرد».(۳)

«بهترین شما کسانی هستند که متواضع تر و خوش برخوردتر از همه باشند و بیشتر از همه به زنان خود احترام کنند».(۴)

«نزدیک ترین حالت زن به خداوند، زمانی است که ملازم خانه خویش

۱- ثواب الاعمال، ص ۱۹۶.

۲- تفسیر العسکری، ص۳۴۷، ح۱۷۷؛ عدّه الداعی، ص۲۳۳.

۳- تفسیر امام حسن عسکری، ص۳۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۲۶۲؛ بحارالانوار، ج۷۲، ص۴۰۱.

۴- دلائل الامامه، ص۷۶؛ صحیفهالزهراء، ص۲۸۸.

گردد» (و از دیدن نامحرمان به دور باشد).(۱)

«آن گاه که در روز قیامت محشور گردم، گنهکاران امت پدرم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، را شفاعت خواهم کرد».(۲)

«روزه داری که زبـان، چشم، گوش و سـایر اعضـایش را از حرام و گنـاه حفظ نمی کنـد، روزه اش چه نفع و ثمره ا ی دارد بر حال او؟»(۳)

«همانا ما (اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام) وسیله های خداوند روی زمین هستیم و همانا ما بندگان برگزیده خداوند و پاکـان و پاکیزگان درگاه او هستیم و ماییم حجت های الهی برای ایمان آوردن بنـدگان او به غیب و ماییم وارثان همه انبیا و اولیای الهی».(۴)

«همانـا خوشـبخت به معنـای کامل و واقعی آن کسـی است که حضـرت علی علیه السـلام را زنـدگی خویش و بعـد از مرگش دوست بدارد».(۵)

«هر که سوره های حدید، واقعه، الرحمن را قرائت کند در آسمان ها و زمین به ساکن بهشت معروف می شود».(۶)

چون رسول خـدا صـلی الله علیه و آله از دنیـا رفتنـد زنـان بنی هـاشم جمع شدنـد تا حضـرت فاطمه علیها السـلام را در عزایش همراهی کننـد؛ حضـرت خطـاب به ایشان فرمود: «این تعـداد و جمعیت و مراسم خشک و توخالی را رها کنیـد و عوض آن به دعا و

۱- النوادر، ص۱۴؛ بحارالانوار، ج۱۰۰، ص۲۵۰، ح۴۰.

۲- نهج الحیاه، ص۲۰۵؛ احقاق الحق، ج۱۹، ص۱۲۹.

۳- بحارالانوار، ج۹۳، ص۲۹۵.

۴- السقیفه و فدک، ص۱۰۱؛ مواقف الشیعه، ج۱، ص۴۷۴.

۵- دلائل الامامه، ص۷؛ ینابیع الموده، ص۲۱۳؛ العمده، ص۲۰۰؛ بشاره المصطفی، ص۱۴۹.

۶- کنزالعمال، ج۱، ص۵۸۲؛ فیض الغدیر، ج۴، ص۶۱۴؛ الدّرالمنثور، ج۶، ص۱۴۰؛ الجامع الصغیر، ج۲، ص ۲۳۴.

قرائت قرآن و فاتحه بپردازید».(۱)

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود: «ا ی فاطمه، هر کس برای تو صلوات بفرستد، خداوند او را مورد آمرزش خویش قرار می دهد و در هر کجای بهشت که من باشم، او را به من ملحق خواهد ساخت».(۲)

فرمود: «پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر دادند که هر کس سه روز به من (رسول خدا صلی الله علیه و آله) و به دخترم (حضرت فاطمه علیها السلام) سلام کند، خداوند متعال بهشت را برای وی واجب می کند».(۳)

همچنین درباره شاگردپروری ایشان، روایات بی شماری نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می شود:

بانویی نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و گفت: ای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ! مادری ناتوان در خانه دارم که در نماز خویش دچار اشتباه می شود؛ مرا فرستاده است تا از شما چاره اندیشی کنم.

حضرت فاطمه علیها السلام با مهر بسیار به پرسش های او پاسخ گفت و او رفت. بار دیگر آمد تا این پرسش و پاسخ به ۱۰ بار رسید. آن زن از آن همه رفت و آمد شرمنده شد و از حضرت فاطمه علیها السلام پوزش خواست، اما حضرت فرمود: «نه، اشکالی ندارد. باز هم در صورت نیاز بیا و هر چه خواستی بپرس، که من از پاسخگویی به پرسش های علمی و دینی شما احساس خستگی نمی کنم. آن گاه فرمود: دوست من! اگر فردی استخدام گردد تا بار سنگینی را تا ارتفاع بالا، همچون پشت بام، بالا برد و در برابر آن یکصد هزار دینار پاداش دریافت کند، آیا این

۱- الخصال، ج۲، ص۶۱۸؛ مناقب (ابن شهر آشوب)، ج۱، ص۲۳۸؛ تحف العقول، ص۱۰۸.

۲- کشف الغمه، ج۱، ص۴۷۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۳- تهذیب الاحکام، ج۶، ص۹، ح۱۱؛ المزار، ص۳۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج۳، ص ۱۴۰؛ وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۳۶۷.

کار برای او خسته کننده جلوه می کند»؟

دخترِ دانش پژوه پاسخ داد: «نه، یا فاطمه علیها السلام »

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «من در برابر هر پرسشی که پاسخ می دهم، پاداشی فراتر از لبریز شدن دانه های مروارید میان زمین و عرش دریافت می دارم؛ اینک آیا زیبنده است که پاسخ به پرسش های تو برایم گران آید؟ از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

دانشمندان عدالتخواه، در حالی وارد محشر می شوند که به هر کدام به اندازه دانشی که اندوخته اند و به مقدار کوششی که در راه هدایت انسان ها نموده اند، خلعت ها و مدال های کرامت ارزانی می گردد. گاه به برخی از آنان به پاداش دانش طلبی بسیار و جهاد علمی و عقیدتی همیشگی اش هزاران مدال داده می شود. آن گاه از جانب پروردگار ندا می رسد: ای کسانی که امت رسول خدا صلی الله علیه و آله را از نظر علمی و فکری مدیریت کردید و پس از رحلت پدرانشان از آنان به شایستگی مراقبت به عمل آوردید و به آنها روح بخشیدید و با دانش و بینش، جانشان را طراوت و شادابی ارزانی داشتید، اکنون به اندازه دانشی که به آنها آموختید، به شما خلعت و مدال هدیه می گردد.(۱)

۱- بحارالانوار، ج۲، ص ۳؛ ریاحین الشریعه، ج۲، ص ۱۳۰؛ به نقل از: فاطمه علیها السلام، نسیم بهشت، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

فصل پنجم: معراج و شهادت حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

فصل پنجم: معراج و شهادت حضرت زهرا علیها السلام

زیر فصل ها

۱. روزهای رنجوری و بستری شدن

۲. وصیت

۳. روز شهادت

واپسین سخن

کتابنامه

۱. روزهای رنجوری و بستری شدن

۱. روزهای رنجوری و بستری شدن

در یکی از روزهایی که حضرت فاطمه علیها السلام در بستر رنج و درد افتاده بود، پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید و از رخدادهایی که برای او روی داده بود، شکوه کرد؛ اما حضرت به وی فرمود: «تو به زودی به من ملحق خواهی شد».

مرتبه دیگر در رؤیا مشاهده کرد، فرشتگان بسیاری در صفوف منظم به زمین فرود آمده و در حالی که دو ملک در صف مقدم آنان بودند، وی را به آسمان بردند. در آنجا قصرهایی باشکوه و بستان هایی خرم ملاحظه کرد که میانشان دخترانی بودند که با دیدن بانوی خود خندان به سوی او شتافتند و گفتند:

آفرین بر فردی که بهشت برای او خلق شده و ما برای پدرش خلق شدیم. پس از آن ملائکه همچنان او را بالا بردند تا اینکه وی را وارد سرایی کردند که در آنجا کاخ هایی بسیار و در کاخ ها سرسراهایی لا تُعَدُّ و لا تُحصی قرار داشت که با چوب های سندس و پارچه های دیبا آراسته شده بود و غیر از ظروف زرین و سیمگون، چیزهای فراوانی از غذاهای رنگارنگ وجود داشت و نهر هایی از شیر سپیدتر و از مشک خوشبوتر را دید.

حضرت فاطمه علیها السلام پرسید: «این سرا و این نهرها از آن کیست»؟

گفتند:

این سـرا همـان فردوس اعلی است که بهشتی بالاـتر از آن نیست و آن خـانه پـدر تو و هر که از انبیای سـلف او باشـد و هر که خداوند او را دوست بدارد و این نیز همان نهر کوثر است که خداوند به پدرت وعده داده است که آن را تنها به او بدهد.

فرمود: «پدرم کجاست»؟

گفتند:

«هم اکنون وارد می شونـد.» در این حـال قصـرهایی عـالی تر از قصـرهای گذشـته و فرش هـایی بهتر از فرش هایی که پیش تر دیـده بود، در برابر چشم حضـرت فـاطمه علیها السـلام پدیـدار شـد و پـدر بزرگوارش را مشاهـده کرد که بر فراز آن فرش ها جلوس فرموده انـد و جمعی نیز نزد ایشان حضور دارنـد. رسول خدا صـلی الله علیه و آله با مشاهده دخت مطهر خود وی را در آغوش گرفتند و بین دو چشمانش را بوسیدند و فرمودند: «دخترم می بینی، خداوند چه برایت تهیه دیده؟ آنچه بر آن وارد می شوی».

بعـد از آن قصـرهایی رفیع به او نشـان دادنـد که در آنها انواع چیزهای شـگفت و دلربا به چشم می خورد. به او فرمودنـد: «این سرای تو است و سـرای شوهرت و فرزنـدانت و سـرای هر آنکه تو و آن دو را دوست داشـته باشد، پس آسوده خاطر باش چند روزی دیگر نزد من خواهی بود».

حضرت زهرا علیها السلام مسرور از خواب برخاست و رؤیا را برای امیرمؤمنان حکایت کرد.(۱)

در روایت از امام باقر آمده است، حضرت زهرا علیها السلام در آن روزهای

۱- دلائل الامامه، ص ۴۳.

دردمندی، این ذکر را پیوسته بر زبان داشت.

«یا حَیُّ یا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِیثُ فَاَغِثْنِی. اَللّٰهُمَّ زَحزِحنی عَنِ النّارِ واَدخِلنی الجَنَّهَ وَاَلحِقنی بِاَبی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ؛ ای زنده همیشه، به رحمت تو امید فریادرسی دارم، پس به فریاد برس. خدایا مرا از آتش دوزخ بازدار، به بهشت واردم ساز و مرا به پدرم ملحق نما».

حضرت علی علیه السلام می فرمود: خدا تو را سلامتی بخشد و از بیماری به دورت سازد، اما حضرت فاطمه علیها السلام می گفت: «ا ی ابالحسن، چه زود است پیوستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله ».

در آن شبی که حضرت فاطمه علیها السلام به ملأ اعلی پرگشود، جبرئیل در جمعی از ملائکه بر او فرود آمدند. جبرئیل بر او سلام کرد. حضرت فاطمه علیها السلام ، حضرت علی علیه السلام را از این امر آگاه ساخت. پس از اندکی حضرت علی علیه السلام شنید که همسرش می گوید: «و بر شما سلام ا ی فرستادگان پروردگارم.» حضرت فرمود: «بر که سلام کردی»؟ گفت: «میکائیل بر من سلام کرد و گفت:

خدای تعالی بر تو ا ی محبوب حبیب خدا و میوه دل پیامبر سلام رسانده و می گوید: امروز به رفیع اعلی و جنه مآوی (بهشت های پوشیده) وارد می شوی».(۱)

۲. وصیت

۲. وصیت

از حضرت زهرا علیها السلام نیز وصایایی برجا مانده که به دو دسته شفاهی و کتبی تقسیم می شود و در این بخش به مناسبت های مختلف بررسی می شود.

۱- دلائل الامامه، ص ۴۴؛ به نقل از: مجموعه مقالات الزهرا، ج۱، صص ۳۸۸ _ ۳۹۰.

در حالی که در لحظات وداع بغض گلوی هر دو نفر را گرفته بود و به شدت می گریستند، فاطمه علیها السلام دستور داد، اتاق را خلوت کنند و آن گاه به همسر مهربانش وصیت هایی نمود که در اقوال مختلف آمده است. برخی از وصایای ایشان شفاهی بوده و برخی از این وصایای شفاهی فقط خطاب به علی علیه السلام بوده، بعضی نیز علاوه برحضرت علی علیه السلام ، ام ایمن، اسماء بنت عمیس و سلمی همسر ابو رافع نیز حضور داشتند.(۱) علامه مجلسی درباره برخی از وصایای ایشان، روایات را مستفیضه و مانند متواتر می داند.(۲)

«ابن فتال» نقل کرده است:

فاطمه علیها السلام بیمار شد و بیماری او شدت یافت و چهل روز ادامه داشت تا از دنیا رفت. وقتی فرشتگان خبر مرگ را به ایشان دادند، امّ ایمن و اسماء بنت عمیس را فراخواند و آنها را به سوی علی علیه السلام فرستاد تا او را حاضر کنند. هنگامی که علی علیه السلام آمد، فاطمه علیها السلام گفت: «ای پسر عمو! خبر مرگم به من داده شده است و من در خود چیزی نمی بینم، مگر اینکه ساعاتی دیگر به پدرم ملحق خواهم شد و من شما را به چیزهایی که در دل دارم وصیت می کنم.» علی علیه السلام گفت: «ای دختر رسول خدا، هر چه می خواهی وصیت کن.» پس علی علیه السلام بر بالین او نشست و هر کس را که در خانه و اتاق بود، بیرون فرستاد.

پس فاطمه علیها السلام گفت: «ای پسر عمو! تو هرگز به یاد نداری که من دروغگو یا خیانتکار بوده باشم؛ از روزی که با تو معاشرت کردم با تو مخالفت نکردم.» علی علیه السلام گفت: «پناه برخدا؛ تو آگاه تر به خدا و

۱- اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۱۲۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص۱۷۲.
۲- بحارالانوار، ج۲۹، ص ۳۹۰.

نیکوکـارتر و پرهیزکارتر و گرامی تر از آن هستی [که چنین سـخنانی درباره تو گفته شود] و خوف تو از خـدا شدیـدتر از آن است که من تـو را به مخـالفت بـا خودم توبیـخ کنم؛ همانـا مفـارقت و جـدایی و فقـدان تو [بر من] بسـیار بزرگ است؛ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّـا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.» (بقره: ۱۵۶) از مصـیبتی که چقدر فجیع، دردآور و اندوهناك است. سوگند به خدا این مصیبتی است که تسلی نمی پذیرد و سوگی است که جانشین ندارد.» پس هر دو، ساعتی گریستند و علی علیه السلام سر فاطمه علیها السلام را به سینه خود چسبانید و گفت: «به هر چه می خواهی وصیت کن که خواهی دید من همان گونه که دستور داده ای به آن عمل خواهم کرد و امر تو را بر امر خودم ترجیح می دهم».

فاطمه علیها السلام گفت: ای پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله ! خداوند از من به تو جزای خیر عنایت فرماید.(۱)

از «ابن عباس» نقل شده است که گفت:

فـاطمه علیهـا السـلام در خواب پیامبر صـلی الله علیه و آله را دیـد و گفت: «من از آنچه پس از پیامبر صـلی الله علیه و آله به ما رسـیده اسـت به او شـکایت کردم؛ پس رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله به من فرمـود: برای شـما آخرت است که برای متقین آماده شده است و تو به زودی نزد من خواهی آمد».(۲)

«محمد بن اسـحاق» می گوید: ابوجعفر محمد بن علی به من گفت: فاطمه علیها السـلام پس از رسول خدا صـلی الله علیه و آله شش ماه زندگی کرد و گفت: فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله این نامه را نوشت:

بسم الله الرحمن الرحیم. این نامه ای است که فاطمه علیها السلام دختر

۱- محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص۱۸۱؛ بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۹۱.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۱۸.

محمـد صـلی الله علیه و آله دربـاره مـالش نوشـته است؛ اگر حادثه ای برای او رخ داد و از دنیا رفت، هشـتاد اوقیه (اوقیه: چهل درهم؛ ولی امروزه آنچه که مردم از آن می فهمنـد و پزشـکان با آن اندازه گیری می کنند به اندازه وزن ده درهم و پنج هفتم درهم است.)(۱) از محصول مالش، هر سال در ماه رجب پس از کنار گذاشتن خرج آبیاری و شخم انفاق شود و همه محصول سال و گندم سال آینده را در آغاز درو نمودن آن انفاق نمودم. امر کرد که چهل و پنج اوقیه از محصول آن برای زنان پدرش محمـد صـلی الله علیه و آله داده شود و پنجاه اوقیه برای فقیران، نیازمندان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب باشد و درباره اصل مال خود در مدینه نوشت: چون که علی علیه السـلام خواست آن را سـرپرستی کند، به ضمیمه اموال پدرم به او می سپارم تا هر دو را با هم جمع کرده و تا زمانی که زنده است، سـرپرستی کند و اگر برای او نیز اتفاقی افتاد، آنها را به فرزندانم حسن و حسـین علیهما السـلام واگذار کند. پس من اکنون آنها را به علی بن ابی طالب علیه السـلام سپردم و او نیز آنها را با اموال پدرم محمد صلی الله علیه و آله جمع کند تا همان گونه که من در آن اموال، به او اجازه دادم عمل نماید. پس از آن بقیه را هر گاه و درهر کجا که خواست می تواند صدقه یا انفاق کند و طبق مصـلحتی که تشـخیص می دهد عمل کند، اما صندوق کوچک من و هر چه که از مالم در آن باشـد و نیز دو نعلین آَدمی، زیرانـداز، توشه دان، زربیه و دو قطیفه خودم را به دختر جنـدب (دختر ابوذر غفـاری) بخشـیدم. اگر برای هر یـک از طرفین وصـیت، پیش از آنکه مـال به آنهـا داده شود، اتفـاقی افتاد، آن را برای فقراء و مساکین خرج کنید، اما پرده هایم را هیچ زنی حق ندارد استفاده کند؛ مگر یکی از دو

۱- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج۱، ص۴۵۳.

دخترانم و همچنین علی علیه السلام ؛ البته تا زمانی که ازدواج نکرده است. این وصیتی است که فاطمه علیها السلام درباره مال خود نوشت و به آن حکم کرد و خداوند متعال شاهد بود که در حضور مقداد بن اسود و زبیر بن عوام و علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته شد و البته برای علی علیه السلام در انجام کار خیرش، در هر کجا که مصلحت ببیند، هیچ باکی نیست. جعفر بن محمد علیه السلام گفت: پدرم فرمود: ما وصیت فاطمه علیها السلام را این گونه یافتیم.(۱)

۳. روز شهادت

۳. روز شهادت

علی بن عیسی اربلی رحمه الله در کتاب کشف الغمه و ابن عبدالبرّ در الاستیعاب با سند خود نوشته اند:

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام بر بستر بیماری افتاد و نشانه های مرگ در وی آشکار شد، اسماء بنت عمیس را طلبید و به وی فرمود: «من رفتاری را که با پیکر زنان می شود، زشت می شمارم. اینان پارچه ا ی روی پیکر زن می افکنند و در نتیجه هرکس جسد وی را ببیند، بر خصوصیات بدنی او واقف می گردد». اسماء عرض کرد: «ا ی دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، من شیوه ا ی را که در حبشه مشاهده کردم، به شما ارائه می دهم.» آن گاه وی چند چوب تر تهیه کرده، آنها را خم کرد و سپس پارچه ا ی روی آن افکند، به گونه ا ی که جسم روی آن کاملاً محفوظ می ماند. حضرت زهرا علیها السلام بر این تدبیر وی آفرین گفت و فرمود: این روش، نیکوترین و پسندیده ترین روش هاست و عامل شناخت پیکر مرد از زن است. حضرت فاطمه علیها السلام سپس به اسماء سفارش کرد که بعد از مردن من، تو مرا غسل ده و هیچ کس دیگری حق

۱- سید حسین شیخ الاسلامی، مسند فاطمه الزهرا علیها السلام، ص۴۸۴؛ بحارالانوار، ج۱۰۰، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۵۴؛ احمدی، صحیفه فاطمیه، صص ۱۳۷ _ ۱۳۵.

ندارد در تجهیز و تکفین من حضور یابد.

هنگامی که مرغ روح این بانوی ستم کشیده و دردمند به عالم ابدی پرواز کرد، عایشه به خانه حضرتش آمد که با ممانعت اسماء رو به رو شد. عایشه شکایت نزد ابوبکر برد که: «این زن خثعمیه(۱) بین من و دختر رسول خدا فاصله افکنده و پیکر حضرت زهرا علیها السلام را درون هودجی به سان هودج عروس قرار داده است.» ابوبکر بی درنگ برخاست و به سراغ اسماء آمد که: «تو به چه حقی مانع ورود همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دختر آن حضرت شده ا ی و جسم او را در هودج مخفی کرده ای»؟ اسماء پاسخ داد: «حضرت زهرا علیها السلام به من دستور داده که هیچ کس بر پیکر او وارد نشود و این محفظه را نیز من در زمان حیاتش به او نشان دادم و او به من فرمود که چنین چیزی برایش بسازم.» ابوبکر آرام گرفت و به اسماء گفت: «برنامه خود را اجرا کن».

شامگاهان پیکر دردمند حضرت زهرا علیها السلام به دست همسر مظلومش حضرت امام علی علیه السلام و با همکاری اسماء غسل داده شد و در دل شب به خاک سپرده شد.

راستی چه شد که حضرت فاطمه علیها السلام والاگهر را شبانه به خاک سپردند؟ و از چه رو، آن دو تن از هجوم به خانه زهرا علیها السلام حمایت کردند؟ دردا که دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر اثر اندوه جانکاه خود درگذشت. (۲)

ام سلمی همسر ابورافع می گوید: من در ایام بیماری حضرت فاطمه علیها السلام ، از وی پرستاری می کردم. روزی به من فرمود: «ام سلمی، بر من آب بریز تا

۱- خثعم از شاخه های قبیله قحطان می باشد و عایشه این تعبیر را به منظور خرده گیری بر اسماء به کار برده است.

۲- الزهراء، ص ۱۲۸.

غسل کنم»؛ پس غسلی کرد به سان بهترین گونه ا ی که من دیده بودم غسل کند و بعد از آن فرمود: «به من لباسی نو بده.» لباس را آوردم و آن را بر او پوشاندم. سپس به من گفت که بسترش را وسط اتاق برم. وی در بستر رو به قبله آرمید و فرمود: «من هم اکنون قبض روح می شوم، کسی بدن مرا برای غسل عریان نسازد».(۱)

اسماء بنت عمیس می گوید:

به در خانه حضرت فاطمه علیها السلام رفتم و منتظر اذن او شدم. چون صدایی نشنیدم او را صدا زدم؛ اما پاسخی نشنیدم. گفتم: ا ی دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله ، ا ی سرور بانوان عالم، ا ی دختر برترین خلایق، ا ی دختر آن که در معراج با پروردگارش به اندازه دو کمان و کمتر فاصله نداشت و به مقام قرب نائل شد، اما پاسخی نشنیدم. وارد اتاق شدم و پارچه را از رخسار او کنار زدم، دیدم که بانویم پس از تحمل مصائب بسیار، ستم دیده و زجرکشیده، بین نماز مغرب و عشا در کوی شهادت آرمیده است.(۲)

خود را بر او انداختم و فریاد کشیدم: «چون بر پدرت وارد شدی، سلام مرا به او برسان.» در این هنگام حسنین وارد شدند. دیدند که مادرشان به ملکوت رخت بربسته است. حسن علیه السلام خود را بر او انداخت و صدا زد: «مادر، پیش از اینکه روح از تنم جدا شود با من سخن بگو» حسین علیه السلام نیز پای مادر را بوسید و می گفت: «مادر، منم حسین تو، قبل از پاره شدن قلبم

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۶۱.

۲- کلینی در اصول کافی (در حاشیه مرآه العقول، ج۱، ص ۳۸۲) روایت کرده که حضرت فاطمه علیها السلام صدیقه و شهیده بوده است. طبرسی در احتجاج نیز به طور مرسل این روایت را نقل کرده است. مجلسی در مرآه العقول، ج۱، ص ۳۸۳ می گوید: شهادت حضرت فاطمه علیها السلام از روایات متواتر است.

بـا من حرف بزن.» پس از آن به مسـجد رفتنـد و شـهادت مادرشان را به اطلاع پـدر بزرگوارشان رساندنـد. حضـرت علی علیه السـلام خـود را به خـانه رسانـد، در حـالی که می گفت: «ا ی دخت محمـد، تسـلای خـاطر من به تو بود، پس از تو به که دل خوش سازم» فرمود:

خـدایا من از دخت پیـامبرت که سـلام تو بر او و خانـدانش باد، راضـی و خشـنودم. خـدایا دل او را به درد آوردنـد و تنهایش گذاشـتند، تـو مـونس او بـاش، از او بریدنــد، تـو بـه او پیونـد و بـه او ظلـم کردنـد، تـو برایش حکـم کـن، ا ی بهـترین حکم کنندگان.(۱)

ام کلثوم، دختر رسول خدا صـلی الله علیه و آله ، هنگامی که از شهادت خواهرش حضرت زهرا علیها السلام آگاه شد، از خانه بیرون آمـد، در حالی که چادر پوشـیده بود، فریاد کشـید: «پـدرجان، رسول خدا! اکنون به راستی تو را از دست دادیم و دیگر دیدار پس از آن نخواهد بود».

مـدینه یکپارچه عزا و مصـیبت شد و فریاد و شـیون از هر کوی و برزن به گوش می رسـید. مردم درب خانه حضرت علی علیه السلام جمع شده و منتظر خروج پیکر حضرت فاطمه علیها السلام گشتند، اما ابوذر بیرون آمد و گفت: «بازگردید، مراسم دفن دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله امشب انجام نمی گیرد».(۲)

حضـرت علی علیه السـلام به غسـل حضـرت فـاطمه علیها السـلام پرداخت. امام صادق علیه السـلام علت را چنین ذکر کردنـد: «حضـرت زهرا علیهـا السـلام را جز صـدیق اکبر نمی توانست غسـل دهـد، آن چنـان که مریم را جز عیسـی علیه السـلام غسـل نداد».(۳)

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: حضرت علی علیه السلام سه مرتبه

۱- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۴۷۱
۲- روضه الواعظین، ص ۱۳۱.
۳- علل الشرایع، ص ۲۲.

و پنج بار آب بر پیکر حضـرت زهرا علیها السـلام ریخت و در مرتبه پنجم مقداری کافور را هم با آن آمیخت. در آن حال می فرمود: «خـدایا، این کنیز تو و دختـر پیـامبر تو و برگزیـده خلقت می باشـد. خداونـدا، حجت او را به او تلقین نمـا، برهـان او را بزرگ گردان، درجات او را متعالی ساز و او را به محمد صلی الله علیه و آله برسان».(۱)

بعـد از آن او را حنوط کرد و آن بـاقی مانـده حنوطی بود که جبرئیـل نزد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله آورده و حضـرتش فرموده بود:

«ا ی فاطمه، این حنوط را جبرئیل از بهشت آورده و می گویـد آن را بین خود تقسیم کنیـد و مقـداری هم برای من بگذارید.» حضـرت فاطمه علیها السلام گفت: «یک ثلث آن برای شما باشد و مابقی هم هر چه علی علیه السلام بگوید.» رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و او را در آغوش گرفت و فرمود:

«همانـا تو همیشه برخوردار از توفیق الهی هستی، در سـرحد رشـد و کمال هستی، به هـدایت رسـیده ا ی و از جانب غیب به تو الهام می شود».(۲)

پس از آن، حضرت علی علیه السلام فرمود: «درباره باقیمانده حنوط چه می گویی»؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن متعلق به تو است».

پس از غسل حضرت فاطمه علیها السلام ، حضرت علی علیه السلام ایشان را در هفت پارچه کفن پیچید، اما قبل از اینکه چهره او را بپوشاند، صدا زد: «ام کلثوم، زینب، فضه، حسن، حسین! بیایید و با مادرتان وداع کنید که این آخرین دیدار تا ملاقات در بهشت است.» حسن و حسین علیه السلام خود را روی مادر

۱- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۶۳.
۲- سید بن طاووس، الطُرَف، ص ۴۱.

انداختند و زاری کنان گفتند:

آه مادر، چندی پیش سوگ جدمان رسول خدا صلی الله علیه و آله کمرمان را شکست و اکنون هم داغ تو هستی ما را ربود. چون بر جدمان وارد شدی، سلام ما را به او برسان و بگو: ما بعد از تو در دار دنیا یتیم شدیم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

خدا را گواه می گیرم که حضرت فاطمه علیها السلام خم شد و دستانش را گشود و حسن و حسین را در آغوش گرفت، اما صدای هاتفی را شنیدم که می گفت:

ا ی ابالحسن، آن دو را از روی ایشان بردار. به خدا قسم فرشتگان آسمان سخت گریان شدند.(۱)

درباره محل دفن فاطمه علیها السلام دیدگاه های علما متفاوت است. برخی قبر آن حضرت را در بقیع دانسته اند.(۲) علامه حلی در المنتهی و شیخ صدوق گفته اند: نظر صحیح آن است که حضرت در خانه اش دفن شده، بنی امیه چون مسجد را توسعه دادند، قبر داخل مسجد شد.(۳) صدوق می گوید: پس از پایان حج به مدینه بازگشتم و آن حضرت را در خانه اش زیارت نمودم. علامه مجلسی در مرآهالعقول همین نظر را تقویت کرده است.(۴)

واپسین سخن

واپسین سخن

بدون تردید شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در همه دوران ها، الگوی

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۵۱.

۲- حسین بن عبدالوهاب الشعرانی، عیون المعجزات، ص۴۷.

۳- أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ص ۲۲۰.

۴- مرآه العقول، ج ۱، ص ۳۹.

بسیار مناسبی برای مردم به ویژه نسل جوان بوده و هست. ازاین رو، در این نوشتار بر آنیم تا با بررسی شخصیت و سیره فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، حضرت را تعریف کنیم و سپس علل ماندگاری آن حضرت را به عنوانی الگویی جاویدان برای نسل حاضر، فرادید مخاطبان قرار دهیم.

باید در این راه شخصیت آن بانوی بزرگ را به درستی تبیین کرد و از نگاه سطحی نگرانه و تک بعدی به شخصیت آن حضرت پرهیز کرد و منظومه شخصیتی ایشان را از نظرگذراند. بحث از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بحث درباره زنی است که نقش های گوناگونی را در زندگی ایفا کرده و با اینکه عمری محدود و کوتاه داشت و دوران زندگی اش بسیار اندک بود، تاریخ حیاتش به گونه ای است که هر ورقی از آن برای ما و آیندگان درس زندگی است. آن بزرگوار تنها به عصر خود تعلق نداشت؛ بلکه الگویی جاویدان برای همه عصرهاست.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرشته ای زمینی و انسانی الهی و عابد و متخلق به تمام معنا بود. بر اثر تقوا و بندگی و در پرتو اطاعت محض از فرامین الهی، نشان عصمت را از خدای خویش دریافت کرد.

او مادری است که منشأ صلاح و رستگاری فرزندان سببی و معنوی خویش در طول تاریخ شده است؛ همسر و همدمی وفادار و دلسوز و همراهی بی همتا است؛ عالمه و دانشمندی معصومه و بی خطا است و حجتِ حجج الهی؛ مصحف وی که رهاورد اتصال وی با عالم ملکوت وخدای متعال است، دست گردان و دستمایه ائمه طاهرین است؛ در عرصه علمی کسی را یارای برابری با اونیست، صدها روایت ارمغان ایشان برای بشریت

شده و ده ها عالمه همچون فضه نوبیه، و اسماء و از همه مهم تر دختران دانشمندی چون زینب کبری وحضرت ام کلثوم علیها السلام پرورانده است که خطبه ها و سخنان این بانوان، قطره ای از دریای دل انگیز ریحانه نبوت را به همراه آورده است. در عرصه های سیاسی و اجتماعی فعال و در خدمت رسانی به مردم و نیازمندان بی مانند بود. هنگام انجام تکلیف سیاسی خدامحور، ولایت مدار و بی باک در گفتار بود و با همه توان به میدان سیاسی آمد، مقاوم ماند و چون یاسی کبود عاشقانه اولین شهید راه ولایت شد.

در جهان معاصر، معرفی زندگی گهربارش برای همگان راه گشاست؛ زیرا در عصر ما که عصر گسیختگی عقاید و ایدئولوژی هاست و عده ای برای به دست آوردن هدفی روشن و معنادار زندگی، مات و مبهوتند و در پی الگویی هدایت بخش مشتاقند. در چنین شرایطی چه بهتر که راه فاطمه علیها السلام ارائه گردد که سرور عالمیان و الگوی هر زن و مرد مسلمانی است و منش و سخنش را دوست و دشمن تأیید می کند.

عبادت همراه با خشوع که با حضور قلب در پیشگاه خداست، ستایش دارد؛ نه عبادت با خضوع که با اعضا و جوارح انجام می گیرد و از هر فردی ساخته است. آنچه اهمیت دارد کیفیت و روح عبادت است و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی در محراب عبادت قرار می گرفت، دگرگون می شد و خشیت الهی سراسر وجودش را فرا می گرفت، ستون های بدنش به لرزه در می آمد و اشک های سوزانش جاری می شد. او با تمام وجود در محضر خدا قرار می گرفت. و مشق بندگی وتقرب می آموخت.(۱)

۱- حبیب ا... احمدی، فاطمه الگوی زندگی، صص ۷۰ _ ۷۱.

ازایـن رو، قرآن کریـم از عبـادت همراه بـا خشـوع سـتایش می کنـد و می فرمایـد: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».(۱)

به درستی، سیره و شیوه زندگی حضرت فاطمه زهرا در چند بخش قابل توجه است و در حقیقت سبک زندگی او را تشکیل می دهند:

الف) درارتبـاط بـا خالق هستی و ادای وظیفه و انجام تکالیف دینی کوشا بود. عالمان و عابـدان به سـلوک عبادی و عرفانی او حسرت می خوردند. او بنده شاکر درگاه ربوبی بود و شکر نعمت در هر حال و هر شرایط بر زبانش نقش می بست... .

ب) در ارتباط با تزکیه و تهذیب نفس و دست یابی به کمال انسانی و بالاترین مدارج آن، بی نظیر بود. به عبادت، نماز و دعا، عشق می ورزیـد. بهترین دلیل بر عشق عبادی وی این است که با وجود انجام همه کارهای خانه ماننـد آسـیاب کردن گنـدم تا پختن نان و خسـتگی و ناتوانی ناشـی از آن به جای استراحت شـبانه تا صبح عبادت می کرد. چنان که فرزندش امام حسن می فرماید: «مادرم از سـحر تا سپیده صـبح، پیوسته رکوع و سجود به جا می آورد و می شنیدم که مؤمنان را دعا می کرد و آنها را نام می برد.» امام حسن مجتبی علیه السـلام درباره چگونگی عبادت مادر بزرگوارشان می فرمایند: «ما کان فی الدنیا اجحد من فاطمه، کانت تقوم حبی تتورم قـدماها»؛(۲) حضـرت زهرا در عبادت خداونـد عابدترین مردم بود. او آن قدر برپا می ایسـتاد تا پاهایش ورم می کرد. در راستی بی نظیر و در پرهیزکاری و خویشتن بانویی بی بدیل بود:

ج) در ارتباط با دیگران و در مشی خانوادگی و اجتماعی زبانزد خاص و

۱- مؤمنون: ۱ و ۲.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶.

عام بود. در رعایت حق شوهر می کوشید و به گونه ای عمل می کرد تا شوهر از او راضی باشد و حق او ادا شود. آن حضرت کاستی های مادی خانه را تحمل می کرد و هیچ گاه به حضرت علی نمی گفت. همچنین هیچ گاه از او خواهشی نکرد که مبادا، حضرت علی نتواند با اسباب و علل طبیعی آن را برآورد و برای انجام ندادنش شرمگین شود. او همواره در برابر حضرت علی، متواضع بود، در خدمت شوهر و فرزندان بود. همسری دلسوز و باوفا و مادری مهربان و فداکار بود؛ تا جایی که در آخرین لحظات زندگی نگران شوهر بود. همچنین در وصیت نامه خویش نگاه رئوف او متوجه فرزندان سببی و معنوی نیز شد و سلام و سفارش به آیندگان را هم از یاد نبرد.

انتهای این نوشتار را با خلاصه ای از آموزه های شخصیتی و رفتاری حضرت، زینت می بخشیم:

۱. حضرت زهرا علیها السلام یکی از معصومان و اولیای خداوند است که در تفسیر قرآن کریم و روایت احادیث و الهامات غیبی و ارتباط با جهان ماوراء و تشرف فرشتگان به حضورش، جزو بزرگان دین اسلام و به ویژه از شیعیان امامیه است.

۲. سوره کوثر و آیات هل اتی، تطهیر، ذوی القربی و دیگر آیات مطرح شده، درباره ایشان نازل شده و یکی از پنج نفر آل کساء است.

۳. یگانه دخت پیامبر گرامی اسلام و سرور بانوان هر دو عالم است. کفو حضرت علی علیه السلام و مادر دو تن از ائمه بزرگوار شیعه، یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

۴. تنها واسطه پیوند رسالت با امامت است و از مهم ترین مدافعان و بنیان گزاران ولایت علوی است و خود ایشان بر ائمه پس از خود ولایت

دارند.

۵. زنـدگی پـاک ایشـان برترین و بالاـترین درجه اعتبار را نزد خداونـد متعال دارد و الگو بودن ایشان به فرض حسب و نسـب نیست و شایسـتگی اش در تمام جهات الهی و قدسـی است؛ زیرا تربیت یافته حضـرت رب جلیل (جل جلاله) و کانون وحی و دامان مقدس حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

وَ آخِرُ دَعوانـا اَنِ الحَمـدُلِلّهِ رَبِّ العـالَمینَ والصَّلاهُ وَالسَّلامُ عَلَی رَسولِهِ المُصـطَفَی وَ آلِهِ اَجمَعینَ و لا سیّـما الحُجَّهَ المُنتَظَرَ اَلاِمامَ الثّانِی عَشَرَ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّریفَ وَ جَعَلَنا مِن اَعوانِهِ وَ اَنصارِهِ وَ شیعَتِهِ وَ مُحِبّیهِ، آمینَ یا رَبَّ العالَمینَ.

کتابنامه

کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه: محمد مهدی فولادوند.

احمد بن حنبل. مسند. بیروت: دار صادر. چاپ اول. بی تا.

احمدی میانجی، علی. مواقف الشیعه. قم: موسسه النشر اسلامی. ۱۴۲۲ق.

امینی، ابراهیم. حضرت زهرا علیها السلام . بانوی نمونه اسلام. انتشارات شفق. چاپ اول. ۱۳۷۱.

امینی، عبدالحسین. الغدیر. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه. چاپ اول. ۱۳۷۴

انصاری زنجانی خوئینی، محمد. از میان شعله ها: شکوفه بهشتی فاطمه زهرا علیها السلام از کوثر ولایت تا مرز بی نشان. قم: انتشارات دلیل ما. ۱۳۸۷.

ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی. تهذیب التهذیب. بیروت: نشر دارالفکر. ۱۴۱۵ق.

ابن طاوس، علی بن موسی. مهج الدعوات و منهج العبادات. به کوشش: سادات حیاتشاهی. محمد و دیگران. تهران: انتشارات رایحه. ۱۳۷۹.

ابن بابویه، محمدبن علی. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. مشهد: مجمع البحوث الاسلامی. ۱۴۰۸ق.

دیلمی، حسن بن محمد. اعلام الدین فی صفات المؤمنین. بیروت: موسسه آل البیت لاحیاء التراث. ۱۹۹۸ م.

اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمه فی معرفه الائمه. بیروت: چاپ دار الکتاب الاسلامی. ۱۴۰۱ه. ق.

ابوالنصر، عمر. عمر بن الخطاب. بیروت: المکتبه الاهلیه. ۱۳۵۴ ه .ق.

ابونعیم، احمد. حلیه الاولیاء و طبقات الاصطفاء. بیروت: دارالکتب العربی. چاپ پنجم. ۱۴۰۷ه .ق.

ابن ابی الحدید، عزالدین. شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول. ۱۳۷۸ه .ق.

ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن أبی الکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبد الواحد الشیبانی. أسد الغابه فی معرفه الصحابه. مصر: جمعیه المعارف المصریه. ۱۲۸۵ ق.

________________. الکامل فی التاریخ. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ چهارم. ۱۴۱۴ه.ق.

ابن اثیر، مبارک بن محمد. تفسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول صلی الله علیه و آله . بی نا. ۱۸۹۶ م.

________________. تتمه جامع الاصول فی احادیث الرسول. بیروت: دارالفکر. چاپ اول. ۱۴۱۲ه .ق.

ابن حجر العسقلانی الشافعی، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد. الاصابه فی تمییز الصحابه. مصوره عن مطبعه مصر. بیروت: دارالکتب العلمیه. بی تا.

________________. لسان المیزان. تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علی محمّد معوض. بیروت: دارالکتاب العلمیه. الطّبعه الاولی. ۱۴۱۶ه. ق.

________________. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری. ط ۴. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی. ۱۴۰۸ ق

ابن حجر هیثمی. الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقه. قاهره: چاپ عبدالوهاب عبد اللطیف. ۱۹۶۵م/ ۱۳۸۵ه. ق.

ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع. الطبقات الکبری. بیروت: دار بیروت: ۱۹۵۷م.

ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب (۳ جلد). نجف اشرف: المکتبه الحیدریه. ۱۳۷۶ ه. ق

ابن طاووس، علی. طرائف المقال. قم: چاپ خیام. ۱۳۹۹ه .ق.

ابن عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد. العقد الفرید. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی. بی تا.

ابن عبدالوهاب، حسین بن عبدالوهاب. عیون المعجزات. قم: مکتبه الداوری. بی تا.

ابن عساکر، ابی قاسم علی بن الحسن بن هبه اللّه. تاریخ مدینه دمشق. تحقیق: سکینه الشّهابی. دمشق. ۱۴۰۲ه.ق. بیروت: دارالفکر. چاپ اول. ۱۴۱۵ه.ق.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد. عده الداعی و نجاح الساعی. تصحیح: احمد موحدی قمی. دارالکتب الاسلامی. ۱۴۰۷ ه . ق.

ابن قتیبه دینوری. الامامه و السیاسه. قاهره: مکتبه المصریه. چاپ دوم. ۱۳۲۵ه.ق.

ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن کثیر دمشقی. البدایه والنهایه فی التاریخ. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی و دار احیاء التراث العربی. ۱۴۱۳ه.ق.

ابن نجار، محمد. ذیل تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول. ۱۴۱۷ه .ق.

ابن وردی، عمر. تتمه المختصر فی اخبارالبشر. معروف به تاریخ ابن وردی. نجف: حیدریه. ۱۳۸۹ ه. ق.

ابی ترمذی، عیسی محمد بن عیسی بن سوره الترمذی. سنن الترمذی. تحقیق: أحمد محمد شاکر. بیروت: دار الاحیاء التراث. بی تا.

ابی داود، أشعث السّجستانی الأزدی. سنن ابی داود. إعداد و تعلیق: عزت عبد الدّعاس. حمص: چاپ دارالحدیث. الطّبعه الاولی. ۱۳۸۸ق و مصر: طبعه مصطفی البابی. ۱۳۹۱ه. ق.

بابازاده، علی اکبر. تحلیل سیره فاطمه الزهرا علیها السلام . قم: انتشارات انصاریان. زمستان ۱۳۷۴.

بحرانی، هاشم بن سلیمان حسینی. مدینه المعاجز. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه. ۱۴۲۶ه. ق.

بحرانی، عبدالله بن نورالله. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال. اصفهان: انتشارات مکتبه الزهرا. ۱۳۶۳.

البخاری، ابوعبداللّه محمد بن اسماعیل. الجامع الصحیح (المسمّی: صحیح البخاری). شرح: محب الدین الخطیب. بیروت: دارالاحیاءالتراث العربی. بی تا.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. أنساب الاشراف. تحقیق: شیخ محمدباقر محمودی. بیروت: دار التعارف للمطبوعات. ۱۳۹۷ه .ق.

بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی. السّنن الکبری. تحقیق: محمّد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه. چاپ اول. ۱۴۱۴ه.ق.

جعفری، محمد تقی. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۱.

جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی. الدر المنثور. فی التفسیر بالمأثور. تهران: مکتبه الاسلامیه و مکتبه جعفری. بی تا.

جمعی از پژوهشگران. شمه ای از مصائب مادرم فاطمه زهرا علیها السلام (پژوهشی

در معتبرترین کتب شیعه و اهل سنت). بی جا. بی تا.

حاکم نیشابوری، محمد بن محمد. المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفه. ۱۴۰۶ه. ق.

حاج آقا بزرگ تهرانی. الذریعه إلی تصانیف الشیعه. به اهتمام: احمد منزوی. اسلامیه. چاپ اول. ۱۳۹۳ه_.ق.

حسینی، مرعشی تستری. سید نور اللّه. احقاق الحق و ازهاق الباطل. تهران: مطبعه الاسلامیه. ۱۳۹۵ه.ق.

حسینی فیروزآبادی، مرتضی. فضائل الخمسه من الصحاح السته و غیرها من الکتب المعتبره عند اهل السنه و الجماعه. نجف: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۳ _ ۱۳۸۴ق.

حائری اسکوئی، موسی. احقاق الحق. به کوشش: عیدی خسروشاهی. محمد. نشر روشن ضمیر. ۱۳۸۸.

حافظ طبرانی، سلیمان بن احمد. مسند الشامیین. تصحیح: سلفی. حمدی عبدالمجید. بیروت: مؤسسه الرساله. ۱۴۱۷ ه .ق.

الحویزی، عبد علی بن جمعه. نورالثقلین. قم: دارالکتب العلمیه. بی تا

خمینی، روح اللّه. صحیفه نور. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۶۱.

دخیل، علی محمدعلی. اعلام النساء. بیروت: موسسه اهل البیت علیهم السلام . ۱۳۹۹ ه .ق.

دشتی، محمد. نهج الحیاه. فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام . مؤسسه تحقیقاتی امیرمؤمنان علیه السلام . آبان ۱۳۷۲.

دیار بکری، حسین بن محمد. تاریخ الخمیس فی اصول انفس نفیس. استانبول: بی نا. ۱۳۰۲ق.

ذهبی، محمد. تاریخ الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی. بی تا.

______________. میزان الاعتدال فی نقد الرجال. بیروت: دارالفکر. بی تا.

راوندی، قطب الدین. النوادر. قم: دارالحدیث. چاپ اول. ۱۳۷۷.

رحمانی، احمد. فاطمه الزهرا شادمانی دل پیامبر. مترجم: سید حسن افتخارزاده. [بی جا]. انتشارات بدر. چاپ چهارم. بهار ۱۳۸۱.

رسولی، هاشم. زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام و دختران آن حضرت. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ اول. ۱۳۷۷.

زرندی، محمد بن یوسف. نظم درر السمطین. تصحیح: امینی. محمدهادی. بی جا. مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامه. ۱۳۷۶ ه .ق.

زمخشری، محمودبن عمر. زمخشری و تفسیر کشاف. به کوشش: باقر. علیرضا. تهران: خانه کتاب. ۱۳۸۸.

الشیخ بکری حیانی، تصحیح و فهرسه: الشیخ صفوه السقا. بیروت: مؤسسه الرساله. ۱۴۰۹ه. ق/ ۱۹۸۹ م.

شرف الدین، عبدالحسین. النص و الاجتهاد. نجف: مجمع الثقافی لمنتدی النشر. ۱۳۷۵ ه.ق.

سبزواری، اسماعیل بن محمدجعفر. مجمع النورین. تهران: اسلامیه. ۱۳۷۷.

سپهر، محمدتقی بن محمدعلی. ناسخ التواریخ. به کوشش: بهبودی. محمد باقر. تهران: کتابفروشی اسلامیه. ۱۳۴۸

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الدیباج فی شرح مسلم بن الحجاج.

بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۲۷.

______________. تبسم روح در فضائل الگوی زنان. فاطمه علیها السلام : ترجمه الثغور الباسمه فی فضائل السیده فاطمه علیها السلام . ترجمه: هادی رستگارمقدم گوهری. مشهد: سناباد؛ محقق. ۱۳۷۳.

سمهودی، علی بن عبدالله. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی. بیروت: داراحیاء التراث العربی. ۱۳۹۳ ه.ق.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه القمی. من لا یحضره الفقیه. شرح: علی اکبر غفاری. چاپ اول. تهران: نشرصدوق. ۱۳۶۹.

______________. الخصال. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۰۳ه .ق.

______________. بیروت: اعلمی. چاپ پنجم. ۱۴۱۰ ه. ق.

______________. علل الشرایع. ترجمه: اعلمی. بیروت: موسسه الاعلمی. چاپ اول. ۱۴۰۸ ه. ق.

______________. عیون اخبار الرضا. قم: بی نا. چاپ دوم. ۱۳۶۳.

______________. کمال الدین و تمام النعمه. تهران: مکتبه الصدوق. چاپ اول. ۱۳۹۰ ه. ق.

الطباطبایی، السید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ط ۵. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. ۱۹۸۳ م.

طبرسی، احمد. الاحتجاج. مشهد. مرتضی. ۱۴۰۳ه. ق.

الطبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل. مکارم اخلاق. چ ۲. انتشارات فراهانی. ۱۳۶۵ ش.

______________. ترجمه: غفاری. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه. ۱۳۳۸

ه. ق.

______________. مجمع البیان (جلد ۵). قم: فراهانی. ۱۳۶۰.

طبری، محمد بن جریر. تاریخ الطبری. بیروت: لبنان. مؤسسه العلمی. چاپ چهارم. ۱۴۰۳ه.ق

______________. دلائل الامامه. قم: رضی. چاپ سوم. ۱۳۶۳ ه. ق.

طبری، احمد بن عبدالله. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. مکتبه المقدس. چاپ اول. ۱۳۵۶ ق.

طبسی، محمدحسن. حدیث سلسله الذهب به روایت اهل سنت. قم: دلیل ماه. ۱۳۸۸ ه. ق.

طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الاحکام (۱۰ جلد). تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم. ۱۳۶۵

______________. الامالی. قم: دارالثقافه. چاپ اول. ۱۴۱۴ ه. ق.

طیفور، احمد بن ابی طاهر. بلاغات النساء. قم: انتشارات الشریف الرضی. ۱۴۱۳ ق.

عطاردی، عزیز الله. مسند فاطمه الزهرا علیها السلام . تهران: انتشارات عطارد. چاپ اول. ۱۴۱۲ه .ق.

عمید، حسن. فرهنگ عمید. ج۳. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول. ۱۳۶۹.

عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر العیاشی. تحقیق و تعلیق: هاشم رسولی محلاتی. تهران: انتشارات علمی اسلامی. ۱۳۶۳ه. ق.

فتال نیشابوری، محمد بن الحسن بن علی. روضه الواعظین. بیروت: چاپ مؤسسه الأعلمی. چاپ اول. ۱۴۰۶ ه. ق.

فخررازی، محمد بن عمر. تفسیر الفخر الرّازی (التّفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب). بیروت: دار الکتاب العلمیه. ۱۴۰۸ه. ق.

فیض کاشانی، محسن؛ المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء. تصحیح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: بی تا.

قائمی، علی. در مکتب فاطمه علیها السلام : مجموعه ای از مقالات و سخنرانی ها. تهران: امیری. ۱۳۷۱.

القشیری النیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج. الجامع الصحیح (المسمی: صحیح مسلم). بیروت: دارالفکر. بی تا.

قمی، عباس. منتهی الامال فی تواریخ النبی و الآل. قم: هجرت. ۱۳۷۵.

قمی، عباس (گروهی از پژوهشگران). مجموعه مقالات الزهرا. قم: نشر میقات. چاپ اول. ۱۳۶۶

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی. ینابیع الموده لذوی القربی. قم: دار الاسوه. چاپ دوم. ۱۴۲۲ه .ق.

کراجکی، محمد بن علی. کنزالفوائد. مصحح: نعمه عبدالله. قم: دارالذخایر. ۱۴۱۰ه .ق.

کرمی، سعیده فاطمه علیها السلام . نسیم بهشت. قم: انتشارات معبود. چاپ اول. بهار ۱۳۸۲.

کفعمی، ابراهیم بن علی. المصباح. بیروت: مؤسسه العلمی. چاپ سوم. ۱۴۰۳ه.ق/۱۹۸۳م.

الکلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تصحیح: علی اکبر غفاری. دارالکتب الاسلامیه. چاپ حیدری. ۱۳۸۸ ه .ق.

کوفی، ابن ابی شیبه. المصنف. بیروت: دارالفکر. چاپ اول. ۱۴۰۹ ه. ق.

گنجی شافعی، محمد بن یوسف. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام . تهران: دار الاحیاء التراث اهل البیت. چاپ سوم. ۱۴۰۴ه. ق.

متقی هندی، علاء الدین علی المتقی ابن حسام الهندی. کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال. ضبط و تفسیر: الشیخ بکری حیانی. تصحیح و فهرست: الشیخ صفوه السقا. بیروت: مؤسسه الرساله. ۱۴۰۹ه.ق/ ۱۹۸۹ م.

مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار. تهران: اسلامیه. ۱۳۶۳ش.

مصباح الشریعه. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام . ترجمه: حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. بی تا.

مقدم، سید محمد تقی. فضائل الزهراء و مناقب انسیه الحوراء. مشهد: انتشارات مقدم. ۱۳۷۳

مناوی، عبدالرؤوف. فیض القدیر بشرح الجامع الصغیر. بیروت: دارالفکر. چاپ دوم. ۱۳۹۱ه .ق.

نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل. مصحح: موسسه آل البیت علیهم السلام . قم: موسسه آل البیت علیهم السلام . ۱۴۰۸ ه. ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹